



انشارات صنم



دانشگاه بیرجند

بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان

محمد حسین قرشی

(عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند)



University of birjand



SANAM
Publishing Co.

Translating children's literature, problems and solutions

Mohammad Hossein Ghorashi

(Faculty member of Birjand university)

2006



SANAM Publishing Co. Tehran: P.O. Box. 11495-397

Email: sanam_pub@yahoo.com

Tel: 7538022 – 09121502623

Telefax: (+9821) 7501757



محمد حسین قرشی

بوردی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان

۷۱-۵۹۹

بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان

نویسنده: محمد حسین قرشی

عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند

ویراستار فنی: طاهره مفتخری



انتشارات صنم

۱۳۸۵

قرشی، محمد حسین

بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان / مؤلف محمد حسین قرشی. - -
تهران: صنم، ۱۳۸۵.
۵، ۱۶۷ ص.: جدول، نمودار.

ISBN: 964 - 7179 -52- 9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

این اثر با حمایت مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه بیرجند میسر شده است.
کتابنامه

۱. ادبیات کودکان و نوجوانان - - ترجمه. ۲. زبان انگلیسی - - ترجمه به فارسی. ۳.
- ترجمه. ۴. ادبیات کودکان و نوجوانان (انگلیسی) - - ترجمه. الف. دانشگاه بیرجند.
- معاونت پژوهشی. ب. عنوان.

۸۰۸ / ۰۶۸

۴۷۶۵۳ - ۸۴م

PIR ۳۴۴۵ / ۹ ق ۴

کتابخانه ملی ایران

ISBN:964-7179-52 - 9

شابک: ۹ - ۵۲ - ۷۱۷۹ - ۹۶۴

عنوان: بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان

مؤلف: محمد حسین قرشی

ناشر: انتشارات صنم

ویراستار: زهره موسوی

ویراستار فنی: طاهره مفتخری

نسخه پرداز: امیر محب زاده

طرح روی جلد: مهدی مرتضوی

صفحه آرا: مرضیه پورشه

نظارت فنی چاپ: نوید مفتخری نظری پور

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

لینوگرافی: میثاق

چاپ و صحافی: زحل چاپ

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

انتشارات صنم: تهران، صندوق پستی ۳۹۷ - ۱۱۴۹۵

تلفن همراه: ۰۹۱۲۱۵۰۲۶۲۳

تلفن: ۷۷۵۳۸۰۲۲

نمابر: ۷۷۵۰۱۷۵۷



صفحه	عنوان
الف.....	چکیده
ب.....	مقدمه
ه.....	تعریف و بیان مسئله

فصل اول

۳.....	نگاهی به تاریخ ترجمه
۴.....	۱-۱- ترجمه در دوران باستان
۴.....	۱-۱-۱- ترجمه در روم
۶.....	۱-۱-۲- ترجمه در عصر مسیحیت
۶.....	۱-۱-۳- ترجمه در قرون وسطی
۸.....	۱-۱-۴- ترجمه زبانهای محلی
۹.....	۱-۱-۵- غرب و ترجمه عربی
۱۱.....	۲- ترجمه در دوره رنسانس
۱۲.....	۲-۱- ترجمه متون مذهبی
۱۴.....	۲-۲- ترجمه ادبی
۱۵.....	۲-۳- ترجمه ادبی در عصر عقل گرایی
۱۷.....	۲-۴- ترجمه در قرن نوزدهم
۲۰.....	۲-۵- ترجمه در قرن بیستم
۲۱.....	۲-۶- ترجمه ادبی در قرن بیستم

فصل دوم

۳۳.....	تاریخ ترجمه در ایران پیش از اسلام
---------	-----------------------------------

۳۳.....	۱-۲- دوران باستان.....
۳۴.....	۲-۲- دوره فارسی میانه.....
۴۰.....	۳-۲- تاریخ ترجمه در ایران و اسلام (دوره جدید).....
۴۰.....	۱-۳-۲- ادبیات پهلوی.....
۴۱.....	۲-۳-۲- ادبیات دری.....
۴۳.....	۳-۳-۲- ادبیات عربی و ترجمه آثار یونانی.....

فصل سوم

۴۷.....	تاریخ ادبیات کودکان ایران.....
۴۷.....	۱-۳- تعریف ادبیات.....
۴۸.....	۲-۳- تعریف ادبیات کودکان و نوجوانان.....
۴۹.....	۳-۳- تاریخ ادبیات کودکان ایران.....

فصل چهارم

۵۹.....	تاریخ ترجمه ادبیات کودکان در ایران.....
---------	---

فصل پنجم

۶۹.....	تحلیل زبان شناختی ترجمه.....
۷۰.....	۱-۵- ماهیت و چیستی زبان.....
۷۰.....	۲-۵- ماهیت زبان شناسی.....
۷۲.....	۳-۵- نظریه همگانی زبان.....
۷۲.....	۴-۵- تعریف ترجمه از دیدگاه زبان شناسی.....
۷۴.....	۵-۵- تعریف ترجمه ادبی.....

۷۴..... ۵-۶- تعریف ترجمه ادبیات کودکان

فصل ششم

- ۷۹..... تحلیل مشکلات ترجمه از دیدگاه زبان شناسی
- ۷۹..... ۶-۱- مشکلات ترجمه در گذشته
- ۸۰..... ۶-۲- مشکلات زبان شناختی ترجمه
- ۸۱..... ۶-۲-۱- تعادل واژگانی
- ۸۲..... ۶-۲-۱-۱- دیدگاه هم معنایی
- ۸۳..... ۶-۲-۱-۲- تقابل معنایی
- ۸۳..... ۶-۲-۱-۳- چند معنایی و تشابه
- ۸۴..... ۶-۲-۱-۴- شمول معنایی
- ۸۹..... ۶-۳- تحلیل تعادل نحوی
- ۹۰..... تطبیق چند الگوی زبانی زبان فارسی با انگلیسی
- ۹۰..... الف) جملات دو جزئی
- ۹۱..... ب) جمله های سه جزئی
- ۹۳..... ج) جمله های چهار جزئی
- ۹۵..... د) جمله های بی فعل فارسی
- ۹۶..... تطبیق چند الگوی زبان انگلیسی با فارسی
- ۹۷..... الگوی اول
- ۹۸..... الگوی دوم
- ۹۸..... الگوی سوم
- ۹۹..... الگوی چهارم
- ۱۰۱..... الگوی پنجم

۱۰۲	الگوی ششم
۱۰۲	الگوی هفتم
۱۰۲	الگوی هشتم
۱۰۳	الگوس نهم
۱۰۴	نتیجه بحث

فصل هفتم

۱۰۷	مشکلات خاص ترجمه ادبیات کودکان
۱۰۷	۱-۷- لزوم شناخت کودک
۱۰۸	۲-۷- رشد ذهنی و زبانی کودک
۱۰۹	۱-۲-۷- رشد ذهنی
۱۱۰	۲-۲-۷- رشد زبانی کودک
۱۱۱	الف) شناخت گرای (پیاژه)
۱۱۲	ب) رفتارگرایی (اسکینر)
۱۱۳	ج) ذهن گرایی (چامسکی)
۱۱۷	۳-۷- مخاطب شناسی
۱۲۱	۴-۷- ترجمه و القاء فرهنگی
۱۲۴	۵-۷- عدم توجه به دیدگاههای نقد ترجمه
۱۲۴	۱-۵-۷- دیدگاه زبانشناختی
۱۲۵	۲-۵-۷- دیدگاه روان شناختی زبان
۱۲۶	۳-۵-۷- دیدگاه جامعه شناختی زبان
۱۲۶	۴-۵-۷- دیدگاه فرهنگی
۱۲۷	۵-۵-۷- دیدگاه سبک شناختی
۱۲۸	۶-۵-۷- دیدگاه ادبی

- ۱۲۹ ۶-۷- تطبیق و بومی شدگی
- ۱۳۱ ۷-۷- نتیجه
- ۱۳۲ ۸-۷- مشکل مترجم ادبیات کودکان

فصل هشتم

- ۱۳۵ بررسی آراء و نظرات مترجمان ادبیات کودکان
- ۱۳۶ نمونه پرسشنامه تحقیق
- ۱۳۸ جداول آماری
- ۱۴۰ تحلیل داده ها

فصل نهم

- ۱۴۹ بررسی ترجمه های فارسی "آلیس در سرزمین عجایب"
- ۱۴۹ ۱-۹- معرفی نویسنده
- ۱۵۰ ۲-۹- معرفی اثر
- ۱۵۴ ۳-۹- مشکل ترجمه ادبیات مهمل نویس وطنز
- ۴-۹- معرفی ترجمه های آلیس در زبان فارسی ۱۵۵
- ۱۵۷ ۵-۹- مقایسه ترجمه ها
- ۱۵۷ ۱-۵-۹- مقابل عناوین و ساخت صوری ترجمه ها با متن اصلی
- ۲-۵-۹- مقابله واژگانی: چند واژه و اصطلاح و عبارات متن اصلی با متون
- ۱۵۹ ترجمه کامل
- ۳-۵-۹- مقابله نحوی: مقابله چند الگوی نحوی متن اصلی با متون ترجمه
- ۱۶۲ کامل
- ۱۶۳ ۴-۵-۹- دیدگاه تعادل سبکی
- ۱۶۷ چکیده انگلیسی

چکیده

ترجمه به عنوان پدیده ای که برپایه آن حاصل دانش، اندیشه، تلاش، تجربه و دست یافته های قومی (با زبان خاص) به قومی دیگر (با زبان دیگر) منتقل می شود و تعاطی فرهنگی را موجب می گردد، نه تنها از دیدگاه زبانشناسی و مسایل نظری ترجمه قابل بررسی است بلکه سایر ارباب معرفت نیز بدان نظر دارند. به علاوه ترجمه ادبی فرایند پیچیده ای است که در بطن شبکه ای پیچیده از جریانهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. همچنین در تبیین معنای ترجمه ادبی کودکان باید گفت:

ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی از مخاطب اصلی و مخاطب در زبان مقصد که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، بر گردان متن بر پایه دانش زبانی مخاطب و با توجه به جنبه های زیباشناختی اثر صورت می گیرد.

لذا در این پژوهش، نخست تاریخ ترجمه در جهان و ایران و تاریخ ترجمه ادبیات کودکان در ایران مورد تحلیل قرار می گیرد، سپس برپایه داده های زیباشناختی به ویژه حوزه روان شناسی زبان، همچنین دیدگاههای نظری ترجمه مسایل ترجمه به طور عام و مسایل ترجمه کودکان بطور اخص مورد کنکاش قرار می گیرد و علاوه بر ارائه تعریفی برای ترجمه ادبیات کودکان به مسایل مختلف از قبیل تعادل ترجمه ای (تعادل واژگانی و نحوی و معنایی)، دیدگاه های نقد ترجمه، و مسأله مخاطب شناسی، ترجمه و القاء فرهنگی پرداخته می شود.

همچنین آراء و نظرات مترجمان این حوزه مورد بررسی قرار می گیرد و به عنوان نمونه ای از داده ها، ترجمه های مختلف از یک اثر بطور مقابله ای تجزیه و تحلیل می شود.

ستایش خدایی را که جهان و زیباییهای آن را آفرید و نه تنها اهل فضل و دانش را هدایت فرماید که راهنما و پناه همه ابناء بشر است. آفریننده و کریم ترین کریمان عالم که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت و با نزول رحمتش در قدر، کام تشنه انسان را سیراب نمود و با بیان معنای حقیقت و راستی، روح و روان آدمی را به صلاّی خویش آرام گردانید.

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های اصلی و آینده سازان هر کشورند و در عصری که به عصر انفجار اطلاعات موسوم است، کودک و نوجوان نه تنها هر روز و هر ساعت که هر دقیقه در معرض امواج فراگستر پدیده فن آوری ارتباطات قرار دارد و روح و روان او بیش از هر زمانی در هجوم اندیشه‌های مخرب قرار گرفته است و نیاز دارد که با تربیت صحیح و درست هدایت شود و از چشمه فیاض دانش و معرفت بشری سیراب گردد.

بچه ها، شکوفه‌های زندگی اند و نیاز دارند تا با آب زلال و پاک آبیاری شوند و گل وجودشان بشکفت. بچه ها چون نهال اند و باید با دست دهقان توانا و آگاه مراقبت شوند تا به درختان تنومندی تبدیل گردند، درختان استوار و صبور که در برابر طوفانهای سخت زندگی بایستند.

بچه ها نیاز دارند، تا از کتابهای خوب با تصاویر زیبا، مطالب شوق انگیز و برانگیزاننده استفاده کنند و لذت ببرند. درست همانطور که از قصه‌های مادر بزرگ لذت می‌برند.

بچه ها نیاز دارند تا به کنجکاویها و پرسشهایشان پاسخی درست، روشن، دقیق، سریع و مطمئن و برپایه دانش زبانی و دانش پایه آنها داده شود.

بچه ها نیاز دارند تا از دانش و معرفت بشری بهره ببرند و با خواندن آثار اصیل و دل نشین و زیبا، نه تنها سطح دانش و خوانایی آنها افزایش یابد بلکه استعدادهای نهفته شان شکوفا شود و به معرفت علمی و اخلاقی دست یابند.

کودک و نوجوان از آنچه در پیش رو داشته باشد پیروی می‌کند و از طرفی در کشور ما با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون کودک و نوجوان، برآوردن نیازهای این قشر عظیم کار سهل و آسانی

نیست. با این حال، یکی از راههای پاسخ به نیاز این قشر عظیم، فراهم آوردن مواد خواندنی است که براساس دانش پایه و زبان پایه آنها تهیه شده باشد. به علاوه ترجمه به مفهوم انتقال فرهنگ است، یعنی فرایندی که بر پایه آن دانش و معرفت بشری از قومی به قوم دیگر منتقل می‌شود. با توجه به ضرورت ترجمه در میان همه فرهنگ‌ها از دیرباز تاکنون و با نگاه به دشواریهای ترجمه در انتقال مفاهیم و معانی متنی از زبانی به زبان دیگر، مطالعات ترجمه شناختی اهمیت و ضرورت دارد.

لذا موضوع ترجمه و حل معضلات آن از دیرباز ذهن متخصصان و دانشوران را به خود مشغول داشته است و به ویژه در چند دهه اخیر محققان تلاش کرده اند تا بر پایه مطالعات زبانشناختی و طرح مسایل نظری ترجمه، ماهیت و چیستی این پدیده را مورد تحلیل قرار دهند. اما در حوزه ادبیات کودکان علاوه بر مسایل عام ترجمه، معضلات خاص نیز وجود دارد چرا که ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی، از مخاطب اصلی و مخاطب مقصد، که در آن برگردان متن برپایه دانش زبان مخاطب و با توجه به جنبه‌های زیباشناختی اثر صورت می‌گیرد.

اما با توجه به پیچیدگیهای خاص ترجمه و گستره وسیع حوزه ادبیات کودک و نوجوان، تا کنون هیچ بررسی دقیق و علمی و بر پایه داده‌های زبانشناختی و روانشناسی زبان و دیدگاههای نقد ترجمه، در ایران به عمل نیامده است. نگارنده تلاش نموده است تا با طرح موضوع، ذهن دست اندرکاران را متوجه این امر مهم بنماید. بدیهی است شروع هر کار بدیع مشکلات خاص خود را به دنبال دارد. لذا در این پژوهش نگارنده می‌کوشد با طرح سئوالات مختلف و تا حدودی پاسخ به آنها بر پایه داده‌های زبانشناختی راهی نوین در جهت اعتلای فرهنگ و انتقال موارث فرهنگی به نسلهای حال و آینده بگشاید و فتح بابی باشد برای پژوهشهای بعدی در این زمینه.

در این پژوهش که در نه فصل و یک مقدمه تدوین یافته، دو محور اساسی مطالعات نظری و میدانی مدنظر بوده است، در این خصوص آثار بسیار مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و به طرح مسایل نظری پرداخته شده و در نهایت تعریفی خاص از ترجمه ادبیات کودکان ارائه گردیده و مشکلات خاص این حوزه بررسی و طرح گردیده است. در حوزه میدانی، با تدوین پرسشنامه ای بر پایه اطلاعات زبانشناختی و مسایل نظری ترجمه و

ارسال آن برای مترجمان این حوزه، نظرات و تجربیات آنان بررسی شده است. یافتن مترجمان کار ساده ای نبود، با این حال این مهم با یاری شورای کتاب کودک به انجام رسید. همچنین به منظور نقد و بررسی آثار ترجمه شده، یک اثر که بیشترین ترجمه از آن موجود بود انتخاب و مورد تحلیل مقابله ای قرار گرفت. در این خصوص، عدم امانت داری مترجمان، تلخیص متن اصلی، عدم شناخت مترجمان از مسایل نظری ترجمه حائز اهمیت است.

در پایان از حوزه پژوهشی دانشگاه بیرجند که هزینه های این پژوهش را تأمین کردند بسیار ممنون و سپاسگزارم. در نهایت خجالت و خضوع، زحمت همه کسانی که در انجام این امر مهم مرا یاری رساندند به دیده منت می نگرم و وظیفه خود می دانم از آنها تشکر و سپاسگزاری کنم. از استاد ارجمندم سرکارخانم میرهادی که در همه موارد از ارشادات ایشان سود بردم، بسیار سپاسگزارم. زحمات دوستان شورای کتاب کودک و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را ارج می نهم. از زحمات استاد ارجمند سرکارخانم دکتر بنی اقبال که با تشویق و حمایت موجبات چاپ اثر را فراهم آوردند سپاسگزارم. از ناشر محترم سرکارخانم مفتخری مدیر انتشارات صنم که قبول زحمت کردند، ممنونم.

از همکاریها و همراهی های همسر و فرزندانم که شرایط انجام این قدم دشوار را فراهم نمودند ممنونم و از خداوند رحمان و رحیم خواهانم که به همه عزیزان پاداشی در خور عطا فرماید.

و امیدوارم که صاحب نظران، کاستی ها را به دیده اغماض بنگرند و با ارشادات خود این پژوهشگر را در راهی که آغاز کرده و باید دنبال شود یاری فرمایند. باشد تا در آینده گره های نگشوده باز شود و این مسأله مهم با نگاهی عمیق تر مورد کنکاش قرار گیرد، انشاء...

اسفند ۸۴

محمدحسین قرشی

تعریف و بیان مسأله

ادبیات، تحلیل آفریده‌های خیال آدمی است و ادبیات کودکان آفریده‌های ادبی و هنری است که علاوه بر ویژگی‌های ادبی و زیباشناختی بر پایه دانش پایه و زبان پایه کودک و نوجوان خلق می‌شود و حوزه وسیعی از ادبیات شفاهی (لالایی، مثل، افسانه) و ادبیات مکتوب (داستان «انواع داستان» شعر و کتابهای غیر داستانی) را در برمی گیرد. اما ترجمه فرایندی است که برپایه آن مفهومی به صورت کتبی یا شفاهی از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود و ترجمه ادبی که نوعی فعالیت خلاق ذهنی است در بطن شبکه ای پیچیده از جریانهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. به علاوه در ترجمه، تعادل بین دو زبان بر پایه تعادل دستوری، واژگانی، معنایی و سبکی صورت می‌گیرد.

در بیان و تعریف ترجمه ادبیات کودکان، باید گفت که ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی، از مخاطب اصلی و مخاطب مقصد که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، برگردان متن بر پایه دانش زبانی مخاطب و با توجه به جنبه‌های زیباشناختی اثر صورت می‌گیرد. مترجمان این حوزه با معضلات خاصی؛ چون مخاطب شناسی و تطبیق و بومی شدگی و انتخاب زبان و بیان مناسب و ... مواجه اند. همانطور که نوشتن برای کودکان از دشوارترین حوزه‌های ادبی است ترجمه این گونه آثار نیز دشوار است و به متخصص متبحر و آشنا با مسایل نظری زبان شناسی و روان شناسی زبان نیاز دارد.

بنابراین تا معضلات خاص آثار ادبیات کودک و نوجوان شناخته نشده و راه حل آن پیدا نشود، برگردان این آثار به زبان فارسی از کیفیت هنری لازم برخوردار نخواهد بود.

تاریخ: ۸۳/۹/۲۵

شماره: ۹۱/۲۹۲۲

پیوست:

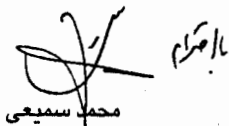
جناب آقای محمد حسین قرشی

باسلام:

انتخاب اثر پژوهشی بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان به عنوان پژوهش فرهنگی شایسته قدردانی، نشان دهنده ارزش والای اقدام شما و سزاوار سپاسگزاری است.

گوناگونی جلوه‌های دانش و فرهنگ در سرزمین کهن و پهناور ایران و عنایت اسلام عزیز و جمهوری اسلامی ایران به تتبع و تحقیق برای شناخت مسائل و مشکلات و پیشنهاد راه حل آنها در جهت اشاعه ارزشهای اصیل و تقویت فرهنگ صحیح، عرصه وسیعی برای انجام پژوهشهای فرهنگی و عرضه دستاوردهای آن به جامعه پژوهشگران و پویندگان راه علم و تحقیق مهیا کرده است و آنان که عمر و استعداد خود را در این زمینه می‌ذلول می‌دارند شایسته احترام و اکرام بسیارند.

ضمن قدردانی از اهتمام جنابعالی، توفیق روزافزونتان را از درگاه الهی خواستارم.



محمد سمیعی

مشاور وزیر و سرپرست پژوهشگاه

ترجمه کاری است دقیق، ظریف و بسیار مسئولانه که شناخت دو فرهنگ، دو زبان و تسلط بر موضوع را می طلبد. درست است که زبان در آثاری که برای کودکان و نوجوانان نوشته می شوند، ساده تر به نظر می آید ولی در پشت هر کلمه، هر عبارت و هر جمله اثر مبدأ، فرهنگی زبان شناسانه قرار دارد که کشف و بازگو کردن آن به زبان مقصد مهارت خاص می طلبد. این مسئله در کشور ما از ظرافت های بیشتری برخوردار است زیرا اولاً در زبان فارسی هر واژه در عبارت های گوناگون معناهای مختلفی می یابد. ثانیاً برای یافتن معادل های اصطلاحات، شناخت دقیق و همه جانبه از زبان مبدأ و مقصد ضرورت دارد.

آقای محمد حسین قرشی که از نخستین سال های پس از انقلاب اسلامی حضوری مؤثر و سازنده در شورای کتاب کودک و در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان داشته اند. در این اثر محققانه به بررسی ابعاد نظری و عملی زبان و ترجمه در موقعیت کنونی سیر تحول ادبیات کودکان کشور ما پرداخته اند و نکات اساسی را طرح و گوش زد کرده اند. مطالعه این کتاب برای تمام دست اندرکاران ادبیات کودکان و نوجوانان، پژوهشگران، بررسان، منتقدان و مدرسان ضروری می باشد.

از خداوند متعال برای نگارنده آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

توران میرهادی

۱۳۸۵ / ۳/۲

فصل اول

نگاهی به تاریخ ترجمه

در بررسیهای تاریخی می‌توان از افول و طلوع تمدنها و فرهنگها سخن گفت و یا رویدادی تاریخی را تبیین کرد و زمان وقوع بسیاری از وقایع را به طور معقول مشخص نمود. اما سخن گفتن از تاریخ زبان امری دشوار است. پژوهشگر زبان شناسی تاریخی^۱ یا دیرین شناس زبان^۲، از روی شواهد بجامانده و حدس و گمان می‌کوشد تا به بازسازی^۳ زبانهای مرده^۴ بپردازد و «با بررسی تاریخ زبان از نیمه راه - یعنی از زمانی که آثار مکتوب در دست است»^۵ - خاستگاه زبان^۶ را مشخص نماید. بنابراین اطلاعات حاصل از بررسی فرایند تغییر زبان در طول تاریخ نشان می‌دهد که به تخمین بیش از چهارهزار زبان در جهان معاصر وجود دارد. که با احتساب گویشها^۷ و لهجه‌ها^۸، بالغ بر هزاران تنوع زبانی می‌شود. از کوچکترین قبیله‌ها در میان سرخ پوستان آمریکا و سیاه پوستان آفریقا تا بزرگترین تمدنها در آسیا و اروپا و سایر نقاط جهان، هر کدام زبان خاص خود را دارند و ارتباط زبانها آنقدر زیاد است که گفته می‌شود دارای نیای مشترکی هستند. برغم گوناگونی خانواده‌های زبانی^۹ بشر از دیرباز نیازمند تبادل اطلاعات و تجربیات بوده است.

«بهترین جهان، از آن انسانهایی است که روح واحدی دارند. کوهها، دشت‌ها و صحراها، اقیانوسها و دریاها اگرچه بین انسانها فاصله انداخته اند اما مانع ارتباط اندیشه‌ها نیستند»^{۱۰}

(ساموئل دانیل)^{۱۱}

ضرورت ارتباط اندیشه‌ها و فرهنگها، نیاز به یادگیری و آگاهی و سایر نیازهای بشر به همدیگر پدیده ترجمه را اجتناب ناپذیر کرد. اما تاریخ ترجمه تاریخی به قدمت زبانهای

بشری است که ابتدا با ترجمه شفاهی شروع می‌شود. «از زمانی که انسانها به دلیل اختلاف زبانها، دیگر نتوانستند حرف همدیگر را بفهمند بشر ناگزیر شد، به افراد چند زبانه^{۱۲} که در واقع می‌بایست تمام مسئولیتهای برقراری ارتباط را بر دوش خویش حمل کنند توسل جوید. مترجمین، عریضه نویسها، منشی ها، مترجمین رسمی. مترجمین قسم خورده و همین طور متخصصین ترجم، دانش‌های زبانی خود را در تمام زبانها در خدمت پیام رسانی و اطلاعات به کار گرفته اند. از راهنمایان ساده شکار گرفته تا مترجمین میزگردها و کنفرانس‌های رسمی، همه پیوسته ناقل مهمترین و سنگین‌ترین اسرار دولتهای دنیا بوده‌اند».^{۱۳}

با توجه به اهمیت و نقش ترجمه در ارتباطات بشری، تاریخ شناسی آن از روزگار کهن تا امروز، اهمیت خاصی دارد. بحث درباره تاریخچه و مطالعات ترجمه شناسی و نظریه‌های ترجمه آمیختگی فراوانی با دیدگاههای زبان شناسی، به خصوص زبان شناسی کاربردی^{۱۴} پیدا کرده است. علم، ماحصل افزون شدن اندیشه ها بر همدیگر در گذر تاریخ است. پدیده ترجمه هم، چون سایر رشته‌های علم و هنر از تقابل اندیشه ها تکامل یافته و تاریخ شناسی ترجمه نقش مهمی در مطالعات ترجمه شناسی دارد.

۱-۱- ترجمه در دوران باستان

«قدمت ترجمه به قدمت ادبیات مکتوب است. اولین نشانه‌های ترجمه در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، از مناطق آسور (آشور)، بین النهرین و مصر (۱۹۶ ق م) به دست آمده است. از هزاره دوم قبل از میلاد، ترجمه‌های ناقصی از افسانه سومری گیلگامش^{۱۵} به چهار یا پنج زبان آسیایی پیدا شده است».^{۱۶} و ۱۷ اسکندریه از مراکز مهم هنری و علمی و از کانونهای تمدن یونان به شمار می‌رفت. در این شهر مترجمان یهودی به ترجمه کتب عهد عتیق اشتغال داشتند. «در حدود ۲۰۰ ق م، این مترجمین با مسأله ای غامض روبرو شدند. یهودیهای مقیم فلسطین زبان عبری نمی دانستند. لذا مترجمین به ترجمه کتب

مقدس پرداختند. در حدود ۱۵۰ ق م ترجمه یونانی کتب مقدس که به ترجمه هفتاد ۱۹ معروف است کامل شد.^{۲۰} دلیل این نام این است که هفتاد یا هشتاد و دونفر از علمای یهود در ترجمه آن دست داشتند.

- از دوران باستان اطلاعات دقیق تری در دست نیست. از دوران روم باستان تا به امروز، اروپا سهم مهمی در ترجمه دارد. تمام جنبه‌های فرهنگ، ادبیات، مدیریت، تجارت، مذهب و علم از کار مترجمان تأثیر پذیرفته است.

۱-۱-۱- ترجمه در روم

در ابتدا رومیان در ترجمه روش یونانیان را در پیش گرفتند. اما به ترجمه ادامه ندادند چرا که خیلی زود زبان لاتین را بر جهان دانش تحمیل کردند. تا زمان رنسانس هیچکس تحصیل کرده شمرده نمی شد مگر این که بتواند به لاتین بخواند و بنویسد و هیچ کار علمی مورد مطالعه قرار نمی گرفت مگر این که به زبان لاتین نگاشته شده باشد^{۲۱} به علاوه بدیع شناسان ترجمه را به عنوان رقیب نویسنده و مؤلف می شناختند. اما با استیلای روم بر جهان غرب و لزوم ارتباط بین ملل، بعضی نوشته ها به زبانهای مختلف ترجمه شد و فنون ترجمه گسترش یافت.

« در حدود ۲۵۰ ق م، لیویوس آندرونکیوس^{۲۲}، برده یونانی که در تارندیموم،^{۲۳} در جنوب ایتالیا دستگیر شده بود، ترجمه ای از آدیسه^{۲۴} هومر^{۲۵} ارائه کرد. کلی^{۲۷} ترجمه لیویوس را به عنوان اولین ترجمه شعر می شناسد. »^{۲۸} لیویوس به دلیل تسلط بر دو زبان یونانی و لاتین و استفاده از سجع و قافیه در ترجمه اش، اثری هنری و بدیع را خلق کرد که به مدت دو قرن به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفت. سربازان و مدیرانی که به روم بازگشتند، نمایشنامه، تراژدی و کمدی به ویژه تئاتر را به عنوان سرگرمی می نگریستند. لذا نویسندگان برجسته به ترجمه آزاد^{۲۹} دست زدند. لیویوس تراژدیهای آشیلوس^{۳۰}، سوفوکلس^{۳۱} و آریپیدس^{۳۲} را به لاتین ترجمه کرد.^{۳۳}

« دوران مهم ترجمه ادبی در روم از قرن اول پیش از میلاد شروع می‌شود و تا نیمه قرن اول بعد از میلاد ادامه می‌یابد. عصر طلایی روم شرایطی در علم و ادب بوجود آورد که تا قرن بیستم ادامه یافت. ترجمه ادبی، بخشی از گسترش علم بود. تمام شعرا و نویسندگان ادبی سهمی در ترجمه داشتند. اگرچه سیسرو^{۳۴} ترجمه ادبی را کار غیرضروری می‌دانست ولی در ترجمه‌های فلسفی از آثار یونانی «مجموعه واژگان علمی» را خلق کرد»^{۳۵} هوراس^{۳۶} آکیلیاس^{۳۷} و سایر دانشمندان رومی به ترجمه پرداختند. ترجمه تا زمان سقوط امپراطوری روم ادامه یافت.

۱-۱-۲- ترجمه در عصر مسیحیت

« پس از میلاد ترجمه در قرن دوم با ترجمه بخشهایی از انجیل شروع شد. اندیشه‌های افلاطونی یهودیان درباره ارتباط بین زبان و الهیات در سبک ادبی شان تجلی یافت. ترجمه مباحث عبادی برای لاتین زبانها از زبان یونانی شروع شد. اولفیلا^{۳۸} (۳۸۳-۳۱۱) اسقف کت‌ها^{۳۹} بخشهایی از انجیل را به زبان گوتیک^{۴۰} ترجمه کرد. سنت مسیحیت در ترجمه لاتین انجیل توسط جروم^{۴۲} (۴۲۰-۳۴۸) به اوج رسید. در عصر مسیحیت مترجمان متبحر دیگری هم بوده‌اند از جمله روفینیوس^{۴۲} (۴۱۰-۳۴۵) و ماریوس^{۴۳} (۴۵۰-۴۰۰) و تعدادی هم از مترجمان گمنام که در خدمت کلیسا بوده‌اند.»^{۴۴}

نهضت ترجمه در روم باستان با ترجمه‌های بوتیوس^{۴۵} (۵۲۴-۴۸۰) به پایان نزدیک شد. «بوتیوس تلاش کرد تا نوشته‌های افلاطون و ارسطو را ترجمه کند. به علاوه او در منطق و ریاضیات نیز آثاری را به لاتین برگرداند.»^{۴۶}

۱-۱-۳- ترجمه در قرون وسطی

در قرون وسطی و دوره رنسانس روش جروم در ترجمه مورد توجه قرار داشت، با این حال روش خاص ترجمه این دوره را بوتیوس بنا گذاشته بود. کاسیودروس^{۴۷} (۵۸۳-۴۹۰) از روش بوتیوس تقلید می‌کرد. بین سالهای ۵۵۰ تا ۵۶۰ میلادی کاسیودروس در

صومعه ای در کالابریا^{۴۸} گروهی از مترجمین را به نام وای وریم^{۴۹} گردآورد تا فرهنگ کلاسیک را حفظ کنند، اما در هدفش موفق نشد. از قرن ششم تا شانزدهم میلادی تبادل ترجمه بین شرق و غرب ادامه یافت.

اما پس از گسترش اسلام و تسلط مسلمانان بر بخشهایی از اسپانیا، موجبات رشد تمدن در اسپانیا فراهم شد. مراکز مهم ترجمه مدارس اسلامی شهرهای سویل^{۵۰}، تولدو^{۵۱} و کردوا^{۵۲} بودند. در این مدارس متون فلسفی و علمی از زبان یونانی به عربی ترجمه شد. اما از قرن دهم تا اوایل قرن دوازدهم میلادی، این مراکز، به ویژه تولدو میزبان تعداد زیادی از فلاسفه مسیحی بود که متون عربی را به لاتین ترجمه کردند و به یونان غربی برگرداندند. تمدن و فرهنگ اسلامی از اسپانیا به سایر نقاط اروپا گسترش یافت. مرکز مهم دیگر ترجمه سیسیل^{۵۳} بود. در سیسیل، مترجمان علمی، سیاسی و مذهبی مطالب را از هریک از زبانهای لاتین، یونانی و عربی به دیگری برمی گرداندند. اما هنوز هم تابش هایی از نظریه های بدیعی دوران باستان در ترجمه وجود دارد.

« وقتی سزار سیمون^{۵۴} (۹۲۷-۸۹۲م) پادشاه بلغارستان به مسیحیت گروید، نویسندگان برجسته به خلق آثار ادبی پرداختند و مترجمان شاهکارهایی که از زبانهای دیگر در دسترس بود، ترجمه کردند. مترجمان این دوره، بیشتر راهبان و دانشمندانی بودند که با سبکهای محاوره ای و کلاسیک زبانها آشنایی داشتند. اما مفسران^{۵۵} که زندگی را با تفسیر و ترجمه شفاهی می گذراندند، تمایل داشتند که آدمهای عادی باشند.»^{۵۶} در قرن دهم ترجمه زبانهای بومی و محلی شروع شد. هریکوس^{۵۷} (۱۱۰۰م) ضمن نقل آثار هوراس به بحث ترجمه ادبی می پردازد و شعر را با تصویر مقایسه می کند. برداشت انسان از شعر براساس زاویه دید او فرق می کند. بین قرن ۹ تا ۱۶ میلادی جوامع لاتین در کانستانتینل^{۵۸} و یونان جریان ترجمه را تداوم بخشیدند.

« در قرن سیزدهم، در دانشگاه پاریس، جدال درخصوص ترجمه‌های فلاسفه یونانی از متون عربی منجر به بحث‌های تند درباره ترجمه شد. راجر بیکن ۵۹ از شواهد واژگانی و اصطلاحی بحث می‌کند. در حالی که فلاسفه دیگر از جمله توماس آکیناس ۶۰ از ماهیت ترجمه بحث می‌کنند. «ترجمه ماهیتی تقابلی دارد که ارزش نسبی آن باید مورد ترجمه قرار گیرد.» ۶۱ کوششهای بعدی در ترجمه معطوف به ترجمه آثار ارسطو از یونانی شد تا از پیوستگی به عربی کاسته شود. مترجمان برجسته در این دوره عبارتند از ویلیام موریکی ۶۲ (۸۶-۱۲۱۵) و رابرت گروستست ۶۳ (۱۲۵۳-۱۱۶۹م).» ۶۴

۱-۴- ترجمه به زبانهای محلی

« در اوایل قرن نهم میلادی اسلاوها ۶۵ به مسیحیت گرویدند. سیریل ۶۶ و متودیوس ۶۷ کتاب آداب نماز و انجیل را از یونانی به اسلاوی ۶۸ ترجمه کردند. اولین ترجمه انجیل در انگلستان توسط کائدمون ۶۹ (قرن هفتم) صورت گرفت. حدود صدوپنجاه سال بعد آلفرد کبیر ۷۰ (۸۹۹-۸۴۹) پادشاه ساکسون‌های غربی ۷۱ دانشمندان و مترجمانی را از سایر نقاط گردهم آورد و از آنها خواست که آثار سودمند لاتین را ترجمه کنند. به دستور او پوپ گرگوری ۷۲ کتاب (pastrolcare) و اسناد کلیسایی را به انگلوساکسون ۷۳ ترجمه کرد. ترجمه آثار ارسطو توسط بوتیوس ۷۴ صورت گرفت. بوتیوس روشی را در ترجمه به کار برد که بعد به عنوان «روشی غیرقابل توجیه» ۷۵ کنار گذاشته شد. او ابتدا متون را به نشر انگلیسی ترجمه می‌کرد و بعد به شعر برمی گرداند (آموس، ۱۹۲۰). ترجمه‌های زیادی به دستور آلفرد کبیر انجام گرفت.» ۷۶

در آلمان بانی فیس ۷۷ (۷۵۴-۶۷۳) مبلغ انگلیسی ترجمه کتب مقدس را ارائه کرد. بعد از غلبه مسیحیت بر اسپانیا، به ویژه در زمان آلفونسو ساییو ۷۸ ترجمه‌های فنی از عربی و لاتین انجام گرفت. تا قرن ۱۴ میلادی مجموعه ای از نوشته‌های طبی در اسپانیا و

«کاتالان» ۷۹ وجود داشت. در فرانسه «چارلز پنجم» ۸۰ مرکز فرهنگی در دربار خویش تأسیس کرد و عده ای از مدیران و دانشمندان و اهل علم را به کار ترجمه واداشت. «نیکل آرسم» ۸۱ (۸۲-۱۳۲۰) اولین مترجمی بود که اثر ارسطو را به یک زبان محلی ترجمه کرد. لندن هم از مراکز مهم ترجمه به شمار می‌آمد. و بعد از ویلیام کاکستون^{۸۲} (۹۱-۱۴۲۲)، مترجم برجسته، ماشین چاپ را به کار گرفت.^{۸۳}

ترجمه ادبی از لاتین به زبانهای محلی یا از زبانهای محلی به یکدیگر در حدود قرن دهم شروع شد. مترجمان آثار کلاسیک را ترجمه کردند. ترجمه اشعار اویسده^{۸۴} (۱۷م) و ویرژیل^{۸۵} (۱۹ق.م)، شعرای رومی در اختیار عموم قرار گرفت. شعرهای حماسی بطور گسترده ترجمه می‌شد. ترویدر^{۸۶} شاعر بزمی و نوازنده فرانسوی (ق ۱۱ م) آزادانه از زبانهای محلی به یکدیگر ترجمه می‌کرد. آثار چوسر^{۸۷} (۱۴۰۰-۱۳۴۰) شاعر و نویسنده بزرگ انگلیسی بیشتر ترجمه هستند.

در ترجمه هایی که در این دوران صورت گرفته است، ترجمه های متون فنی به متن اصلی نزدیک است در حالی که ترجمه های ادبی بیشتر آزادانه صورت گرفته است. اولین تلاشها در به کارگیری اصول زبان شناسی در ترجمه در قرن چهاردهم شروع شد. ارتدکس ها^{۸۸} با حمله به لولارد بایبلز^{۸۹} معتقد بودند که ترجمه از لاتین به زبانهای محلی امکان پذیر نیست چون که بین منابع زبانی ۹۰ همانندی صوری ۹۱ وجود ندارد. لولارد با تکیه بر مباحث نقشی پاسخ می‌دهد که: اگر شخصی می‌تواند کارهای یکسان و همانند در انگلیسی انجام دهد (برای مثال: جملاتی را بسازد) پس به همانندی صوری نیاز ندارد.^{۹۲}

۱-۵- غرب و ترجمه عربی

« در نیمه دوم سده دوازدهم و نیمه اول سده سیزدهم مسلمانان، مسیحیان و یهودیان هر سه در فعالیت فکری جهان سهم داشتند. جرج سارتون مورخ تاریخ علم، این عصر را عصر

رابرت گروستست، ابن بیطار و یعقوب آناتولی می‌نامد. چون این سه دانشمند معترف سه جریان فکری و فرهنگی مهم بودند.» ۹۳ اما ابن بیطار اسپانیایی نیمه دوم عمرش را در مشرق زمین گذراند و مظهر خوبی از شرق به خصوص شام - دمشق - است. شام در آن زمان مرکز مهم فرهنگی بود.» فضلا و دانشمندان غربی در این عصر بخشی از تلاشهایشان را به ترجمه اختصاص دادند. ترجمه ها از عربی به لاتین، از عربی به عبری و از یونانی به لاتین صورت می‌گرفت. «آلفرد سارشل» ۹۴ انگلیسی کتاب النبات منسوب به نیکولای دمشقی و فعل کیمیا از کتاب شفای ابن سینا را ترجمه کرد. مایکل اسکات ۹۵ اسکاتلندی رساله نجوم بطروجی، کتاب الحيوان ارسطو و السماء والعالم و سایر آثار ارسطو را با شرح ابن رشد ترجمه کرد.» ۹۶ ابن رشد هنوز در جهان اسلام به خوبی شناخته نشده بود، اما ترجمه آثار ابن رشد تأثیر فراوانی بر جهان غرب داشت.

در این زمان، اسپانیا مرکز مهم مطالعات و پژوهشهای عربی بود. مترجمان برجسته ای چون یوحنا یوشیلی و مارکوس طلیطی نقش مهمی در ترجمه اسپانیا داشتند. در ایتالیا گوئیلموس لونیزی^{۹۷} بعضی از شروح ابن رشد بر منطق ارسطو را ترجمه کرد. همچنین در ایتالیا، همچون اسپانیا ترجمه آثار عربی انجام گرفت.

« سده سیزدهم عصر طلایی ترجمه از عربی به عبری است. سلیمان حرزی و سلیمان بن ایوب ۹۸ هر دو اسپانیایی بودند. حرزی؛ علم الاخلاق و سیاست مدن ارسطو، دو رساله از جالینوس؛ کلام الحکما، دلاله الحایرین و شرح مشنای ابن میمون را ترجمه کرد. ابراهیم بن سموئیل بن حسدی ۹۹ که در دربار سلون به دنیا آمد یک رساله از غزالی، دو رساله از ابن میمون و چند اثر دیگر را از عربی ترجمه کرد. از دیگر مترجمان این دوره سموئیل بن تبین ۱۰۰ و یعقوب آناتولی^{۱۰۱} بودند که اولی آثاری از ابن رشد، ابن میمون و شرح علی

بن رضوان بر صناعه الطب و دومی مختصر المجسطی ابن رشد و نجوم فرغانی را ترجمه کرد.»

همانطور که قبلاً اشاره شد به غیر از ترجمه هایی که در سده سیزدهم از عربی صورت می گرفت، بخشی از ترجمه ها از یونانی به لاتین بود. بزرگترین مترجم این عصر رابرت گروستست بود که آثار متعددی از ارسطو، دینوسیوس دادرس، یوحنا ی دمشقی و سایدانس را ترجمه یا تلخیص کرد و نخستین ترجمه کامل لاتین اخلاق نیکوماخوسی را ارائه نمود.» ۱۰۲

ترجمه در نیمه دوم سده سیزدهم ادامه یافت و ترجمه های زیادی از عربی به لاتین و اسپانیایی و پرتغالی و سایر زبانها صورت گرفت. که به دلیل کثرت مترجمان در این دوره، بحث درخصوص آن نیازمند پژوهش مستقل است.

۲- ترجمه در دوره رنسانس

رنسانس ۱۰۳ واژه ای فرانسوی است به معنی احیاء، تجدید، تولد دوباره، تجدید حیات علم و ادب. اصطلاح رنسانس به دوره زمانی قرنهای ۱۴ تا ۱۶ میلادی گفته می شود و مقصود از آن تجدید و احیای علم و ادبیات قدیمی بود. رنسانس بازگشتی آگاهانه به هنر و ادب بود که در قرن ۱۶ میلادی به اوج شگفتی رسید. در این دوره تحولات فرهنگی نخست از ایتالیا آغاز شد و سپس به سایر نقاط اروپا گسترش یافت. نویسندگانی چون پترارک ۱۰۴، دانته ۱۰۵، بوکاچیو ۱۰۶، در ایتالیا، مونتی ۱۰۷ و رابله ۱۰۸ در فرانسه، بیکن ۱۰۹، مارلو ۱۱۰، شکسپیر ۱۱۱ در انگلستان و سروانتس^{۱۱۲} در اسپانیا سهم مهمی در گسترش نهضت جدید حیات فرهنگی داشتند.

در قرن ۱۴ میلادی با فشار ترکها بر امپراطوری روم شرقی، دانشمندان یونانی به غرب مهاجرت کردند و در آنجا برای گذراندن زندگی به تأسیس مدارس پرداختند. مدارس مهمی در مناطق فلورانس ۱۱۳، ونیس ۱۱۴ تأسیس شد. مانوئل کریسولوراس ۱۱۵ (۱۴۱۵-۱۴۱۵)

۱۳۵۵م) و کنستانتین ۱۱۶ لاسکاریس (۱۴۹۰-۱۴۵۰)، حاکمان این مناطق، علاقه زیادی به علم داشتند و هر دو مترجمان برجسته ای بودند که از یونانی به لاتین ترجمه می کردند و موجب شدند که افراد تحصیل کرده، ترجمه را به عنوان یک مهارت ضروری بیاموزند. از جمله شاگردان آنها می توان از مارسیلوفیسیانو^{۱۱۷} (۹۹-۱۴۳۳) و سیلیویوس پیکولومینی^{۱۱۸} (۶۴-۱۴۰۵) نام برد. مارسیلو اثر افلاطون را به لاتین ترجمه کرد. برونی آرتینو^{۱۱۹} (۱۴۴۴-۱۳۶۹) یکی از شاگردان مدارس فلورنتین^{۱۲۰} آثار ارسطو را به لاتین ترجمه کرد و مقدمه جنجال برانگیزی در ضرورت کارهای ترجمه نگاشت.^{۱۲۱}

کسانی که به تحصیل کلاسیک می پرداختند و دانشمند می شدند، نسبت به فقه اللغه^{۱۲۲} (لغت شناسی تاریخی) شناخت پیدا می کردند. بعضی مترجمان برجسته، همچون لیناکر^{۱۲۳} (۱۵۲۴-۱۴۶۵)، استاد دانشکده پزشکی آکسفورد، و کورناریوس^{۱۲۴} (۸۸-۱۵۰۰) در کتابخانه های اروپایی به جستجوی دست نوشته های علمی و پزشکی برآمدند و آنچه را یافتند ویرایش کرده و به لاتین ترجمه کردند. تا سال ۱۶۰۰ میلادی تمام کارهای مهم یونانی در زمینه علم و فلسفه به لاتین ترجمه شد. بعضی مترجمان هم این آثار را به زبانهای محلی ترجمه کردند. علاوه بر این ترجمه ها، آثار شیمیدانهای قرن ۱۳ میلادی، همچون روجریکن^{۱۲۵} و آلبردکیپر^{۱۲۶} و شیمیدانهای بعدی چون والتین^{۱۲۷} به لاتین ترجمه شد. شیمیدانهای همچون پاراسلوس^{۱۲۸} (۱۵۴۱-۱۴۹۳) در آلمان به زبان خودشان می نوشتند، اما آثارشان نخست به زبان لاتین و سپس از لاتین به زبانهای محلی ترجمه شد. گرهارد درن^{۱۲۹} برجسته ترین مترجم لاتین در رشته شیمی بود.

۱-۲- ترجمه متون مذهبی

انسانگرایی قرن شانزدهم بر پایه مذهب قرار داشت. ترجمه هم برای اصلاحات و هم ضد اصلاحات ضروری بود. مترجمان متون مذهبی را بدون تمایز از آثار زبانهای دیگر

ترجمه می کردند. ترجمه های متعددی از انجیل به لاتین ارائه گردید. مهمترین ترجمه، ترجمه ای از عهد جدید است که توسط اراسموس ۱۳۰ (۱۷۳۶-۱۴۶۶) به یونانی و لاتین صورت گرفت. اما مترجمان دیگر چون تئودور-بزا ۱۳۱ (۱۶۰۵-۱۵۱۹) و کاستیلو ۱۳۲ (۶۳-۱۵۱۵) انجیلهایی به لاتین کلاسیک ارائه کردند.» ۱۳۳

ترجمه های مختلفی از انجیل به زبانهای محلی انجام گرفت از جمله ترجمه هایی از انجیل در سوئد، هلند، ایتالیا، دانمارک و فرانسه منتشر شد. اما در انگلستان گروهی از متخصصان زبانهای کلاسیک و دین شناسان، به صورت گروهی ترجمه خوبی از انجیل عرضه کردند (۱۶۱۱-۱۵۳۰)

کشورهای کاتولیک در ترجمه انجیل عقب ماندند؛ اسپانیا با روش قرون وسطایی به کار ترجمه ادامه داد. در فرانسه انجیلهایی ترجمه شد. پروتستان مورد تردید بود و غالباً دوباره تطبیق می شد. در آلمان هم امسر ۱۳۴ (۱۵۲۳)، بخشهایی از انجیل لوتر را تصحیح کرد. در ۱۵۴۸ نیکلاس وان و نیگ^{۱۳۵} انجیل کاتولیک هلندی، را منتشر ساخت که به عنوان اثری با معیارهای درست تا ۱۹۲۶ مورد استفاده بود. اما بیشتر انجیلهای پروتستان از عبری یا یونانی ترجمه می شدند.

«از جمله نیازهای اصلاحات، ترجمه آثار به زبانهای محلی بود: با گسترش اصلاحات، آثار لوتر ۱۳۶ و گالوین ۱۳۷ (۵۶-۱۵۰۹) به زبانهای اسکاندیناوی ۱۳۸ ترجمه شد. به علاوه آثار آنها بیشتر به زبانهای اروپایی ترجمه شد. تاوورنر ۱۳۹ آثار لوتر را به انگلیسی ترجمه کرد. ۱۴۰

به طور کلی در قرن شانزدهم کوششهای فراوانی در ترجمه آثار مذهبی، به ویژه انجیل به عمل آمد.

۲-۲- ترجمه ادبی

پس از رنسانس با رشد زبانهای محلی به عنوان **زبانهای معیار ۱۴۱**، جهت ترجمه به سمت ترجمه ادبی کشیده شد. زبانهای معیار مراکز سیاسی و فرهنگی - انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی - جایگزین زبانهای چون **کاتالونی ۱۴۲** و **پرونیس ۱۴۳** شد. زبانهای جدید از ادبیات کلاسیک روم بهره بردند. مترجمان کوشش فراوانی به عمل آوردند تا آثار هنری دوران باستان را ترجمه کنند. ایتالیا نقطه آغاز این تحول و بهره مندی از ادبیات باستان بود. پترارک (۷۴-۱۳۰۴) تأثیری بسزا در این تحول داشت. مترجمان ایتالیایی آثار ادبی زیادی را به ایتالیایی ترجمه کرده و در سطح وسیعی منتشر ساختند.

تا قرن شانزدهم میلادی، ترجمه ادبی در سایر نقاط اروپا گسترش چندانی نیافت، با این حال پیشگامانی چون **دوگلاس ۱۴۵** (۱۵۲۲-۱۴۷۴) به امر ترجمه پرداختند. دوگلاس ترجمه خوبی از آثار ویرژیل ارائه کرد و **جین بودین ۱۴۵** (۱۶۵۰-۱۵۶۴) کتابهای زیادی را از انگلیسی به فرانسه برگرداند. با وجود اینکه در این دوره شعر بر عرصه ادبیات غلبه داشت ولی متون نثر فراوانی از لاتین و یونانی به زبانهای جدید ترجمه شد. در فرانسه، در میان مهمترین مترجمان، گروهی از شعرا بودند. از جمله **پیررنسار (پلثیاد) ۱۴۶** (۸۵-۱۵۲۴) آثاری را از لاتین، یونانی و ایتالیایی به فرانسه ترجمه کرد. شاعر دیگر فرانسه **مالحرپی^{۱۴۷}** از چهره‌های مهم ادبیات فرانسه، زیباشناسی ادبی را مطرح کرد و اصولی را برای ترجمه ارائه نمود.

در انگلستان، **هنری هوراد ۱۴۸** آثار پترارک و سایر آثار کلاسیک را به انگلیسی ترجمه کرد. **جرج شاپمن ۱۴۹** (۱۶۳۴-۱۵۵۹) شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی ایلادوآدیسه هومر را به انگلیسی ترجمه کرد. نهضت رنسانس تأثیر زیادی در مسایل ترجمه انگلیسی نداشت. البته شاپمن درباره ماهیت و شرایط ترجمه اصولی را مطرح می‌کند. از چهره‌های

دیگر ادبی و ترجمه در قرن هفدهم دهنام ۱۵۰ و کولی ۱۵۱ بودند. کولی معتقد بود که زبانها از نظر ارزشهای فرهنگی و اجتماعی متفاوتند. شاپمن، کولی و دهنام نقش مهمی در توسعه ترجمه قرن هفده داشتند. «۴-۱۵۳ به طور کلی رنسانس دست آوردهایی برای ترجمه به همراه داشت.

۲-۳- ترجمه ادبی در عصر عقل گرایی^{۱۵۴}

در طی قرون هفده و هجده میلادی ترجمه ادبی تحت تأثیر روشهای ترجمه فرانسوی قرار داشت. در انگلستان و فرانسه، انجمن سلطنتی و فرهنگستانها و سایر مراکزی که محل اجتماع دانش آموختگان بود، تأثیر فراوانی در رشد ترجمه داشت. از چهره‌های برجسته پدیدۀ ترجمه در فرانسه نیکلاس پرو ۱۵۵ (۱۶۴۳-۱۶۰۰) و آنه داسیر ۱۵۶ (۱۷۲۰-۱۶۵۱) بودند- در انگلستان جان دریدان ۱۵۷ (۱۷۰۰-۱۶۳۱)، شاعر، نمایشنامه نویس و منتقد ادبی ترجمه ویرژیل را (۱۹۶۱) منتشر ساخت. به نظر او می‌توان از یکی از سه روش ترجمه استفاده کرد.

«الف: ترجمه تحت اللفظی ۱۵۸

در این روش در برابر هر لفظ یا عبارت از زبان مبدأ، لفظ یا عبارتی از زبان مقصد آورده می‌شود.

ب: ترجمه آزاد ۱۵۹

در این روش مترجم پس از دریافت مفهوم متن مبدأ آن را به زبان مقصد برمی گرداند و در جائیکه لازم باشد تغییرات را اعمال می‌کند.

ج: تقلید ۱۶۰

در این روش هم مفاهیم و هم کلمات تغییر می‌کند اما روح اثر باقی می‌ماند.^{۱۶۱}

«اما دریدن خود بیشتر روش ترجمه آزاد را بکار گرفت. بودمر ۱۶۲ (۱۷۸۳-

۱۶۹۸) و بریتینگر (۱۷۰۱-۷۶) در آلمان نیز، همان روش را در ترجمه دنبال کردند. اگر

چه که ترجمه از آثار کلاسیک هنوز هم پایه و اساس کار مترجمان بود ولی از زبانهای جدید نیز ترجمه می‌شد. ترجمه بهشت گمشده توسط ویلیام هوگ ۱۶۳ به اشتها بین‌المللی جان میلتون ۱۶۴ افزود. از اواخر قرن هفدهم مترجمان سعی کردند که ترجمه‌های مستند و دقیق ارائه کنند. استیون ۱۶۵ تحت تأثیر پیردانیل هوت ۱۶۷ (۱۷۲۱-۱۶۳۰) این کار را دنبال کرد. ادوارد شربرن^{۱۶۷} (۱۷۰۲-۱۶۱۶) انگلیسی نیز تحت تأثیر او قرار گرفت.^{۱۶۸}

روش جدید ترجمه از قرن هجدهم به عنوان روش معیار به کار رفت. «الکساندر پوپ ۱۶۹ (۱۷۴۳-۱۶۸۸) شاعر بزرگ قرن هجدهم به چهار زبان یونانی، لاتین، ایتالیایی و فرانسه تسلط داشت.» ۱۷۰ او به شعر این زبانها نیز علاقه فراوانی داشت. در ۱۷۱۵ بخش نخست ترجمه ایلیاد هومر را منتشر ساخت و در سال ۱۷۲۰ آن را کامل کرد. پس از آن ترجمه ادیسه را شروع کرد. ترجمه‌های پوپ به عنوان بهترین ترجمه‌ها شناخته شد. او در باب مسایل ترجمه نیز مسایلی را مطرح کرد. از جمله گفته است که ترجمه باید ساده، دقیق و درست باشد.^{۱۷۱}

«تیتلر (الکساندر وود هوسلی) ۱۷۲ در سال ۱۷۹۱ مقالاتی درباره اصول ترجمه منتشر ساخت. به نظر او ترجمه ای خوب است که بیان عین اندیشه متن اصلی باشد و از همان سبک متن مبدأ بهره گیرد. توییاس اسمولیت ۱۷۳ (۷۱-۱۷۲۱) دن کیشوت را از فرانسه ترجمه کرد. در فرانسه چارلز باتو ۱۷۴ (۸۰-۱۷۱۳) از لاتین و یونانی ترجمه کرد و در اسپانیا هم مونت پالو ۱۷۵ (۱۸۱۳-۱۷۴۲) از فرانسه به اسپانیایی ترجمه می‌کرد. در روسیه هم تردیسکوسکی ۱۷۶ از زبانهای کلاسیک به روسی ترجمه می‌کرد. ۱۷۷

۲-۴- ترجمه در قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم معیارهای جدیدی از نظر سبک و صحت متن ترجمه مطرح شد. به منظور صحت متن مورد ترجمه، تمام متن بجز موارد غیر اخلاقی ترجمه می‌شد و برای درک مطلب پانویست‌ها و توضیحاتی به متن اضافه می‌گردید. سبک ترجمه در این دوره به گونه‌ای بود که بیشتر مطالب ترجمه شده، امروزه غیر قابل خواندن است، چون که مترجمان سعی می‌کردند به خواننده یادآوری کنند که او متنی کلاسیک را در زبانی خارجی و در عصر دیگری می‌خواند. برای مثال کتاب «شبهای عربی» ۱۸۰ ترجمه بورتون^{۱۷۹} پر از حرف نویسی عربی است. این ترجمه و ترجمه‌های مشابه موجب شد که مفاهیم و واژه‌های زیادی از زبانهای دیگر به زبانهای اروپایی وارد شود.^{۱۸۰}

با ظهور مکتب رمانتیسم در ادبیات اروپا، ترجمه ادبی رواج بیشتری پیدا کرد. هردر ۱۸۱ (۱۸۳۰-۱۷۴۴) پیش‌تاز این حرکت بود. به نظر او مترجمان ستاره صبح ادبیات هستند، چون که به کمک مترجمان ادبیات زبانها به یکدیگر منتقل می‌شود. خود او مجموعه‌ای از اشعار اروپایی را به زبان آلمانی ترجمه کرد. و نظریاتی را در ترجمه مطرح کرد که بعداً توسط اسکلیز ماچر^{۱۸۲} (۱۸۳۴-۱۷۶۸) مورد اصلاح قرار گرفت. ولک اسلیدر^{۱۸۳} (۱۷۷۸-۷۹) در ترجمه شعر، حفظ اوزان شعر اصلی را لباس مناسبی برای شعر ترجمه شده می‌داند.^{۱۸۴}

مترجمان رمانتیسم دو وظیفه را به عهده داشتند: نفوذ در گفتار محض بود که فردریش هلدزلین^{۱۸۵} (۱۸۴۳-۱۷۷۰) مطرح ساخت و زمینه تمام زبانها قرار گرفت. به علاوه ارائه متن بی‌پیرایه برای خواننده زبان دوم بود. گوتته^{۱۸۶} (۱۸۳۲-۱۷۴۵) ترجمه را به تقلید سبکی^{۱۸۷}، تحت اللفظی^{۱۸۸} و ترجمه بین سطور^{۱۹۰} متن اصلی تقسیم بندی کرد. در ترجمه تحت اللفظی، ترجمه به صورت کلمه در برابر کلمه انجام می‌گرفت. در ترجمه

تقلید سبکی مترجم خود و اجتماعش را به متن زبان اصلی تحمیل می‌کرد، اما در ترجمه بین سطور، ترجمه در متن اصلی نفوذ می‌کرد.

«تمام نظریه پردازان ترجمه خود در کار ترجمه بودند. هلدلین و اسکلیز ماچر از شعر یونانی ترجمه می‌کردند. گوته و هامبولت ۱۹۰ هم از زبانهای جدید و هم از زبانهای باستانی ترجمه می‌کردند. در فرانسه استیل ۱۹۱ با تأثیر از اندیشه‌های گوته به بیان اصول رمانتیسم پرداخت. همچنین شاتوبریان ۱۹۲ با ترجمه بهشت گمشده ۱۹۴ رمانتیسم را به تصویر کشید. پی شو ۱۹۴ (۱۸۷۷-۱۷۹۵) با تلاش فراوان بخشهایی از ادبیات انگلیسی از جمله آثار چارلز دیکنز ۱۹۵ را به فرانسه برگردانید. در انگلستان توماس کارلایل ۱۹۶ (۱۸۸۱-۱۷۹۵) آثار گوته را ترجمه کرد. در آمریکا تایلر ۱۹۷ (۱۸۲۵-۷۸) و در ایتالیا پارما^{۱۹۸} (۱۸۵۸-۱۷۷۶) به امر ترجمه پرداختند.

به علاوه اندیشه‌های گوته تأثیر خاصی بر ادبیات روسیه در بخشهای مختلف اروپای شرقی داشت. در این نواحی رنسانس غربی موجب رونق ترجمه شد. شوکووسکی ۱۹۹ (۱۸۵۲-۱۷۸۳) به ترجمه اشعار شعرای رمانتیک، انگلیسی، فرانسه و آلمانی پرداخت، مترجمان به آثار چارلز دیکنز نویسنده انگلیسی علاقه مند بودند و بعضی از آثار او را به زبانهای خودشان ترجمه کردند. و «وونسکی ۲۰۰ (۱۸۱۳-۵۵) آثار او را به روسی ترجمه کرد. از نویسندگان دیگری که آثارشان مورد توجه بود می‌توان به ویلیام شکسپیر ۲۰۱ اشاره کرد. شلیگل ۲۰۲ ترجمه آلمانی آثار او را منتشر کرد. رمانتیسم موجب گسترش ادبیات شرقی نیز شد. بارنوف ۲۰۳ زبانهای شرقی را در فرانسه گسترش داد و در آلمان رمانتیست ها، به ویژه وان هامبولت موجب گسترش ادبیات شرقی شدند. در انگلستان هم ترجمه رباعیات خیام توسط فیتزجرالد^{۲۰۴} (۱۸۰۹-۸۳) شهرت فراوانی پیدا

با توجه به گسترش پدیده ترجمه و تأکید رومانیست ها بر صحت متن ترجمه شده و همچنین ترجمه از ادبیات کلاسیک در خصوص شیوه های ترجمه بین صاحب نظران بحث و مجادله در گرفت. «از جمله بین آرنولد^{۲۰۷} (۸۸-۱۸۲۲) و نیومن^{۲۰۷} (۹۷-۱۸۰۵) در خصوص شیوه ترجمه اشعار هومر اختلاف نظر وجود داشت. نیومن معتقد بود که جنبه باستانی شعر هومر را باید به خواننده انگلیسی نشان داد، در حالی که آرنولد معتقد بود که ترجمه اشعار هومر باید به گونه ای باشد که با تجربه شعر معاصر مطابقت کند هر کدام از این دو پیروان متعصبی داشتند. جان کاینیگتون^{۲۰۸} (۶۹-۱۸۲۵) استاد دانشگاه آکسفورد پیرو نیومن بود، اما روش روبرت برونینگ^{۲۰۹} (۱۸۷۷) نمونه عالی از پیروی از سبک نیومن است. آرنولد ترجمه آثار دانته^{۲۱۰} را ارائه کرد. به نظر او شعر خوب نباید بد ترجمه شود.»^{۲۱۱}

همه کشورها تحت تأثیر حرکت های ادبی قرار داشتند. چارلز بودلر^{۲۱۲} (۶۷-۱۸۲۱) در فرانسه ترجمه بسیار خوبی از آثار آلن پو^{۲۱۳} ارائه کرد و از یک نویسنده درجه دو آمریکایی چهره یک نویسنده درجه یک فرانسوی ساخت. در آلمان لیسلی^{۲۱۴} (۹۴-۱۸۱۸) به ادبیات کلاسیک برگشت. مترجمان ادبی آلمان همان روش ترجمه مترجمان انگلیسی را بکار گرفتند. البته بین کهنه گرایان و نوپردازان تقابل وجود داشت.

«اندیشه های رمانتیک اثر سیاسی هم داشت. مردم امپراطوری اتریشی - مجاری،^{۲۱۵} منطقه ای که بعداً چک و اسلواکی^{۲۱۶} نامیده شد، به شدت تحت تأثیر ناسیونالیسمی بودند که در رومانیسم وجود داشت. در کانادا که انگلیسی و فرانسه ارتباط نزدیکی داشتند، اندیشه های رمانتیسم این مسأله را مطرح کرد که آیا در مقابل فرهنگ های متفاوت، باید از فرهنگ غالب سود جست یا نه؟» و لذا نقش مترجم اهمیت فراوانی پیدا کرد، به ویژه در حفظ هویت اقلیت ها، مطبوعات کانادا نقش انتقادی بین دو زبان را ایفا می کردند. به ویژه در نقد داستان های بلند.»^{۲۱۸}

در قرن نوزدهم، نوعی ترجمه آزاد وجود داشت که پدیده ترجمه را به ترجمه در قرن بیستم پیوند می‌زند. در این دوره ترجمه‌های زیادی به زبانهای مختلف اروپایی منتشر شد. نیومارک (۱۹۸۱) درخصوص ترجمه در قرن نوزدهم می‌گوید:

« تا قرن نوزدهم ترجمه ادبی، عملی آکادمیک و واژه‌شناختی بود که تجدید طلبان فرهنگی سعی داشتند از طریق آن ادبیات را نجات دهند. اما در قرن نوزدهم رویکردی علمی تر به ترجمه معطوف گشت. این رویکرد این بود که بعضی متون را باید به طور دقیق ترجمه کرد، در حالی که بعضی متون دیگر را نباید ترجمه کرد و یا اصلاً نمی‌توان ترجمه کرد.»^{۲۱۸}

۲-۵- ترجمه در قرن بیستم

« در آغاز قرن بیستم نیاز مبرم به ترجمه جدید به جای ترجمه‌های قدیمی احساس می‌شد و حرکتهای مختلفی در ترجمه بوجود آمد. در ترجمه متون مذهبی، در انگلستان ترجمه‌های مختلفی از انجیل ارائه شد که مشهورترین آنها ترجمه عهد جدید توسط جمیز موفات^{۲۱۹} (۱۹۱۳) بود. در آمریکا هم ادگار گودسپیید^{۲۲۰} (۱۸۲۳) ترجمه عهد جدید را منتشر کرد. در همین سال ترجمه ای هم توسط پویس اسمیت^{۲۲۱} منتشر شد که این ترجمه به همراه سایر ترجمه ها از عهد جدید به ترجمه‌های آمریکایی مشهورند. کلیسای کاتولیک در سال ۱۹۱۳ ترجمه انجیل توسط وست منیستر^{۲۲۲} را منتشر کرد. در سال ۱۹۴۹ ناکس^{۲۲۳} ترجمه دیگری را انتشار داد که در آن به متون یونانی و عبری نزدیک شده بود.» در اسپانیا نیز ترجمه هایی از انجیل به زبان اسپانیولی منتشر شد از جمله در سال ۱۹۵۷ کانتر^{۲۲۴} ترجمه انجیل را انتشار داد.»^{۲۲۵}

کلیسای کاتولیک روم و کلیساهای ارتدکس کتابهای دوزبانه برای ترویج علوم مذهبی منتشر می‌کردند. پوپ پیوس^{۲۲۶} (۱۴۱-۱۹۰۳) تولید انبوه کتابهای مذهبی را تشویق می‌کرد. و ترجمه هایی برای عوام و ترجمه هایی هم برای کانونهای مذهبی منتشر می‌شد.

از جالب ترین این ترجمه ها کتاب عبادت روزانه در بیزانس ۲۲۷ (۱۹۶۹) ترجمه شده از یونانی بود. کلیسای انگلیس هم ترجمه کتاب «آداب عبادت» ۲۲۸ را به زبانهای مختلف برای مستعمره های بریتانیا منتشر می کرد. «از سال ۱۹۶۲ تا ۶۵ واتیکان در سراسر جهان گروههایی را تشکیل داد تا ترجمه به زبانهای محلی را انجام دهند. در زبانهای بین المللی مثل انگلیسی، فرانسه و آلمانی، کمیته های بین المللی بوجود آمد که در خصوص معیار زبان و دیگر موضوعات توافق کردند. در نتیجه حرکتی که در ترجمه متون مذهبی در قرن بیستم بوجود آمد، ترجمه های زیادی ارائه شد.» ۲۲۹

۲-۶- ترجمه ادبی در قرن بیستم

«در آغاز قرن بیستم، ترجمه ادبی، همان سنت گذشته را دنبال کرد. روشهای ترجمه در قرن نوزدهم در نیمه اول قرن بیستم گسترش یافت. گیلبرت موری ۲۳۰ (۱۸۶۶-۱۹۵۷) از یونانی ترجمه کرد. والری لاریو ۲۳۱ (۱۸۸۱-۱۹۵۷)، پل والری ۲۳۲ (۱۹۴۵-۱۸۷۱) و آندره گاید ۲۳۳ (۴۵-۱۹۲۸) به ترجمه از ادبیات جدید و ادبیات کلاسیک پرداختند. آثار پروست ۲۳۴ رمان نویس فرانسوی، توسط اسکات مونگریف ۲۳۵ به انگلیسی ترجمه شد. در آلمان چهره هایی چون ویلاموتیز مولندرف ۲۳۶ (۱۹۳۱-۱۸۴۸) سنت رماتیک را دنبال کردند. در آغاز قرن بیستم، افرادی چون ردلف برشارد ۲۳۷ (۱۸۷۷-۱۹۴۵) در مقابل سنت واکنش نشان دادند و این عمل توسط سمبلیست ها، چون والتر بنجامین ۲۳۸ (۱۹۴۰-۱۸۹۲) ادامه یافت. در اروپای اسلاو، هم نویسندگان توجه خاصی به ترجمه داشتند.» ۲۳۹

«با حضور نویسندگان سمبولیست چون عذراپوند ۲۴۰ (۱۹۷۲-۱۸۸۸)، بونفوی ۲۴۱ (۱۹۲۳-) و بالمون ۲۴۲ (۱۹۴۳-۱۸۶۷) و بنجامین و تحت تأثیر سمبولیست ها سنت ها در ادبیات و ترجمه به شکست انجامید. در این قرن کوششهایی درخصوص بیان رابطه لفظ و

معنا به عمل آمد که منجر به پایه ریزی نظریه قرن بیستم « در مورد نقش عنصر زبانی»
شد.^{۲۴۳}

تغییرات در نظام تعلیم و تربیت موجب شد که ترجمه از زبانهای کلاسیک صورتهای متفاوتی پیدا کند. به علاوه به منظور سرگرمی خوانندگان و کمک به دانشجویان از متون ترجمه شده استفاده می شد که موجبات رشد آن را فراهم آورد. برای مثال در کشورهای انگلیسی زبان چاپهای لوئب ۲۴۴ از انتشارات دانشگاه آکسفورد و در کشورهای فرانسه زبان چاپهای بوده ۲۴۵ منتشر می شد. از مشهورترین مترجمان این دوره بتی رادیس^{۲۴۶} (۸۵-۱۹۱۲) بود که علاوه بر ترجمه به ویرایش آثار کلاسیک اشتغال داشت.

در ترجمه زبانهای جدید است که بیشتر تغییرات صورت می گیرد. چون مترجمان به تئاتر علاقه مند شده بودند ترجمه های اپرایی بیشتر انجام می گرفت و غالباً هم به صورت بی نام منتشر می شد. کار آدن ۲۴۷ (۷۳-۱۹۰۷) مورد علاقه مردم بود. همانطور که در قرون وسطی اتفاق افتاد زبانها و ادبیات ناشناخته از طریق ترجمه شهرت و شناخت جهانی پیدا کردند. ترجمه در اروپای شرقی تأثیر گذاشت و کشورهای کوچکتر اروپایی برای رشد ادبیاتشان و یافتن مخاطبان بیشتر از ترجمه بهره بردند. در واقع ترجمه به زبانهای اروپایی غیر کمونیست تنها راهی بود که نویسندگان مخالف همچون میلان کوندرا^{۲۴۸} در چک و اسلواکی و الکساندر سولزهنی تسین^{۲۴۹} در اتحاد سوسیالیستی می توانستند آثارشان را منتشر کنند. به علاوه مستعمرات قبلی اروپایی آثار ادبی خوششان را توسعه دادند و با گرایش به پدیده ترجمه، مترجمان خوبی در این مناطق ظهور پیدا کردند. برای مثال اوکتاویوپاز^{۲۵۰} در مکزیک. کشورهای دو زبانه تلاش کردند که برای انسجام و همبستگی ملی ترجمه ادبی را پرورش دهند. در کانادا کوشش شد، متون انگلیسی به فرانسه و متون فرانسه به انگلیسی ترجمه شود.

علاقه به ادبیات موجب رشد ترجمه شد. البته این رشد جهت خاصی نداشت. بعضی از مترجمان از جمله پترگرین ۲۵۱ به ترجمه ادبیات جدید یونان پرداختند و مترجمانی چون ریچاردز ۲۵۲ و فانگ ۲۵۳ به ادبیات شرق علاقه مند بودند. به علاوه جایزه‌های ادبی قرن بیستم اثر زیادی در گسترش ترجمه داشت و برندگان نوبل چون پاتریک وایت ۲۵۴ و سولزنی تیسن خود از مترجمان برجسته بودند. از دیگر زمینه‌های رشد ترجمه باید از داستانهای عامه پسند و کارگاهی و دوبله فیلم نام برد.

نظریه‌های ترجمه تحت تأثیر تغییرات نظری ادبی و زبانی قرار گرفت و همانطور که پیشتر اشاره شد نظریه سمبولیست‌ها بیشترین تأثیر را در نظریه‌های ترجمه داشت. در اروپای شرقی توجه خاص به نظریه‌های ترجمه معطوف گشت. برای مثال: در مکتب پراگ، نظریه‌های زبانی مانع خلق شعر و رشد ترجمه نشد. نظریه‌های زبانشناسی در ترجمه از ویژگی‌های قرن بیستم است و معمولاً از جریان ادبی سستی مجزا است. در جهان انگلیسی زبان، نظریه‌های ترجمه و کاربرد روان‌شناسی در ترجمه توسط ساخت گرایان ۲۵۵ آمریکایی گسترش یافت. البته نقش ناید ۲۵۶ و هالیدی ۲۵۷ در این گسترش بسیار مهم است. در جهان فرانسه زبان هم زبان‌شناسی مقابله‌ای از ژنو شروع شد. به ویژه چارلز بالی ۲۵۸ نقش مهمی در این کار دارد. زبان‌شناسان این دوره همچون زبان‌شناسان مکتب پراگ ۲۵۹ پدیده کلام را در زبان‌شناسی مقابله‌ای به کار گرفتند. در اواخر سالهای ۱۹۸۰ کوشش به عمل آمده تا نظریه‌های زبان‌شناسی و ادبی ترجمه با هم بیامیزند. با طرح اندیشه انتقال زبانی به مفهوم ترجمه گفته شد که «ترجمه وسیله‌ای ارتباطی است که در آن متون زبان مبدأ و مقصد، اگرچه با زمینه‌های فرهنگی متفاوت، جایگزین می‌شوند.»

«انقلاب چامسکی ۲۶۰ در زبان‌شناسی (از سال ۱۹۶۵) را نباید نادیده گرفت. چرا که مفاهیم جدیدی مطرح کرد که هنوز هم منبع اصلی نظریه‌های زبان‌شناسی در ترجمه

است.» ۲۶۱ در قرن بیستم نظریه پردازان زیادی در ترجمه ظهور کردند که به غیر از نایدا می‌توان به کت فورد ۲۶۲ (نظریه ترجمه از دیدگاه زبان شناسی) و سرور ۲۶۳ اشاره کرد.» ۲۶۴

پی نوشت:

1- Historical Linguistics..

2- Paleontologist.

3- Reconstruction.

4- Dead languages.

۵- هیدن الگین، سوزت. «زبان‌شناسی چیست؟». ترجمه: دکتر سید محمد ضیاء حسینی، ۱۳۵۹، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد، ص ۴۷-۴۶.

6- The origin of language.

7- Patois.

8- Dialects.

9- Language families.

10-Miremadi, seyed Ali. **Theories of translation and interpretation.** 1991, Tehran: samt. P. 14.

11-Samuel Daniel.

12-Polyglot multilingual.

۱۳- پل وینه، ژان. «ترجمه چیست؟». ترجمه ابراهیم کاظمی اسفه. فصلنامه ترجمه، ش ۲، ۱۳۶۵، تهران: جهاد دانشگاهی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۸۰-۷۹.

14-Applied linguistics.

15-Assyria.

16-Gilgamesh.

17-Encyclopedia of language and linguistics. Vol 9. P 7416.

18-Encyclopedia Americana, vol 27. P 12.

19-Septuagint.

20-Ency-lang,ling, p 4716.

21-Ency lang and ling. P 4716.

22-Livius Andronicus.

23-Tarentum.

- 24-Odyssey.
- 25-Homer.
- 26-Ency lang and linguistics, p 4716.
- 27-Kelly.
- 28-Miremadi, p 44.
- 29-Free translation.
- 30-Aeschylus.
- 31-Sophocles.
- 32-Euripides.
- 33-Miremadi. P 44.
- 34- Cicero.
- 35-Ency lang and ling p 4716.
- 36-Horace.
- 37-Akilas.
- 38- Ulfilas.
- 39-Goths. (یکی از اقوام آلمانی)
- 40-Gothic.
- 41-H. Jerome.
- 42-Rufinus.
- 43-Marius
- 44-Ency lang & ling. P 4717.
- 45-Boethius.
- 46-Miremadi. P 49.
- 47-Cassiodorus.
- 48-Calabria.
- 49- Vivarium.
- 50-Seville.
- 51-Toledo.
- 52-Cordova.
- 53-Sicil.
- 54-Czarsimon.
- 55-Interpreters.
- 56-Miremadi-p 53.
- 57-Hericus.
- 58-Constantinople.
- 59-Roger Bacon.
- 60-Thomas Aquinas.
- 61-Ency lang and ling p. 4717.

- 62-William moerbeke.
- 63-Rober Grosseteste.
- 64-Ency lang and ling p. 4717.
- 65-Slavs.
- 66-St. Cyrill.
- 67-St. Methodius.
- 68-Slavonic.
- 69-Caedmon.
- 70-Alfred, th great.
- 71-West saxsons.
- 72-Pope Gregory.
- 73-Anglo-saxon.
- 74-Boethius.
- 75-Eny of lang and ling p. 4717.
- 76-Miremadi-p. s4. 55.
- 77-St. Boniface.
- 78-Alfonso sabio.
- 79-Catalan.
- 80-Charles. V.
- 81-Nicole oresme.
- 82-William Caxton.
- 83-Ency of lang & lang p. 4717.

- 84-Ovid.
- 85-Vigil.
- 86-Troubadours.
- 87-Geofry chaucer.
- 88-Orthodox.
- 89-Lollard Bibles.
- 90-Langnage resources.
- 91-Formal identity.

Ency of lang and ling p. 4717.

سارتون، جرج. مقدمه بر تاریخ علم. جلد دوم. ترجمه غلامحسین صدری، تهران: انتشارات شورای پژوهشهای علمی کشور، ۱۳۵۷، ص ۱۶۱۹.

- 92-Alfred sareshel.
- 93-Michael scott.

۹۴- سارتون، همانجا، ص ۱۶۳۰.

- 95-Wilhelmus de lunis apud Neapolim, william of lunis.

- 96- Al Harizi, Judah ben solmon.
- 97- Abraham ben samuel Ibn Hasdai ha Levi.
- 98- Samuel Ibn Tibbon.
- 99- Jacob Anatoli.

۱۰۰- سارتون، همانجا، ص ۴- ۱۶۲۳.

- 101- Renaissance.
- 102- Petrarch.
- 103- Dante.
- 104- Giovanni Boccaccio.
- 105- Michel de Montaigne.
- 106- France ois Rabelais.
- 107- Francis Bacon.
- 108- Christopher Marlowe.
- 109- William shakespeare.
- 110- Miguel de cervantes.
- 111- Florence.
- 112- Venice.
- 113- Manuel chrysoloras.
- 114- Constantine lascaris.
- 115- Marsilio ficiono.
- 116- Silvius piccolomini.
- 117- Leonardo Bruni Aretino.
- 118- Florentine.
- 119- **Encyclopedia of lang and ling**. Vol 9. P 4718.
- 120- Philological.
- 121- Thomas linacre.
- 122- Janus cornarius.
- 123- Roger bacon.
- 124- Albert the great.
- 125- Basil valentine.
- 126- P. A paracelsus.
- 127- Gerhard Dorn.
- 128- Erasmus.
- 129- Theodore de Beze.
- 130- Sebastian castalio.
- 131- **Eny of lang and ling** p 4718.
- 132- Emser.
- 133- Nicolaus van winghe.
- 134- Martine luther.
- 135- Jeam calvin.

- 136- Scandinavian Languages.
- 137- Richard Taverner.
- 138- **Ency of lang and ling**. P 4718.
- 139- Standard languages.
- 140- Catalan.
- 141- Provencal.
- 142- Gavin Douglas.
- 143- Jean Baudoin.
- 144- Pierre Ronsard pleiade.
- 145- Francois de malherbe.
- 146- Henry Howard.
- 147- George chapman.
- 148- Denham.
- 149- Cowley.
- 150- **Ency of lang and ling** p 4118.

۱۵۱- میرعمادی، همان، ص ۷۹.

- 152- The age of reason.
- 153- Nicholas perrot d" Ablancourt.
- 154- Anne Dacier.
- 155- John Dryden.
- 156- Metaphrase.
- 157- Paraphrase.
- 158- Imitation.

۱۵۹- میرعمادی، همان، ص ۸۶.

- 160- Bodmer.
- 161- William Hogg.
- 162- John Milton.
- 163- T. R. Steiner.
- 164- Pierre Daniel Huet.
- 165- Sir Edward sherburne.
- 166- **Ency of lang and ling** p 4719.
- 167- Alexander pope.

۱۶۸- میرعمادی، همان، ص ۹۲.

۱۶۹- میرعمادی، همان، ص ۹۳.

- 170- Tytler (Alexander frazer woodhouslee).
- 171- Tobias smolleltt.
- 172- Charles Batteux.
- 173- Antonion capmany suris montpalau.

- 174- Trediskovsky.
- 175- **Ency of long and ling** p. 4719.
- 176- Arabian nights.
- 177- Sir Richard Francis burton.
- 178- **Ency of Americana**. Vol 27.p 14.
- 179- Johann Gottfried von Herder.
- 180- Daniel Ernst schleiemacher.
- 181- Volkslieder.
- 182- **Ency of lang and ling** vol 9. P 4721.
- 183- Friedrich Holderlin.
- 184- Wolfgang von goethe.
- 185- Parody.
- 186- Literal.
- 187- Interlinearvesion.
- 188- Wilhelm von Humboldt.
- 189- Madame de stael.
- 190- Ren's de chateaubriand.
- 191- Paradise lost.
- 192- Amade'e pichot.
- 193- Charles Dichens.
- 194- Thomas carlyle.
- 195- Bayard tylor.
- 196- Michele Leone di parma.
- 197- Zhukovsky.
- 198- Vvednsky.
- 199- Shakespear.
- 200- Tieck-schlegel.
- 201- Emile-Louis Burnouf.
- 202- Edward fitzgerald.
- 203- **Ency of lang and ling** vol 9. P 4721
- 204- Matthew Arnold.
- 205- Newman.
- 206- John conington.
- 207- Rovert Browning.
- 208- Donte.
- 209- **Ency of lang and ling** vol 9. P 4721.
- 210- Charles Baudelaire.
- 211- Alen poe.
- 212- Leconte de lisle.
- 213- Austro- Hungarian.

- 214- Czechoslovakia.
- 215- **Ency of lang and ling** vol 9. P 4721.
- 216- Miremadi "Theories..." p: 102.
- 217- James moffat.
- 218- Edgar. J. Goodspeed.
- 219- Powis smith.
- 220- Westminster.
- 221- Knox.
- 222- Bover-cantera.
- 223- **Ency of lang and ling** vol. p. 4723.
- 224- Pope pius.
- 225- Byzantine daily worship.
- 226- Book of common prayer.
- 227- **Ency of lang and ling** p 4723.
- 228- Gilbert Murray.
- 229- Valery Larbaud.
- 230- Paul valery.
- 231- Andre Gide.
- 232- Proust.
- 233- Scott Moncrieff.
- 234- Ulrich von wilamovitz-moellendorf.
- 235- Rudolf Borchardt.
- 236- Walter Benjamin.
- 237- **Ency of lang and ling** vol 9. p. 4724.
- 238- Ezra pound.
- 239- Yves Bonnefoy.
- 240- Balmont.
- 241- **Ency of lang and ling** vol 9. p. 4724.
- 242- Loeb.
- 243- Bude.
- 244- Betty Radice.
- 245- W.H. Auden.
- 246- Milan Kundra.
- 247- Alexander solzhenitsyn.
- 248- Octavio paz.
- 249- Peter Green.
- 250- I. A. Richards.
- 251- Achilles fang.
- 252- Patrick white.

- 253- Structuralist.
- 254- Nida.
- 255- Halliday.
- 256- Charles Bally.
- 257- Prague school.
- 258- Chomsky's revolution.

۲۵۹- میرعمادی، همان، ص ۱۰۳.

- 260- Catford.
- 261- Brower.

۲۶۲- کت فورد، نظریه‌های ترجمه از دیدگاه زبان شناسی. ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر نی،

۱۳۷۰.

فصل دوم

تاریخ ترجمه در ایران پیش از اسلام

« مطالعات و بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که از حدود پنجاه هزار سال پیش از میلاد، مردمانی در فلات ایران زندگی می‌کردند. این مردمان غارنشین بودند و از حدود دوازده هزار سال پیش از میلاد مردم این ناحیه اهلی کردن حیوانات و کاشتن دانه را تجربه کرده بودند.^۱ اما از زبان آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. براساس مطالعات زبان‌شناسی در زمانی^۲، زبان‌شناسان تاریخی^۳ ادوار تاریخی زبانهای ایرانی را به سه دوره تقسیم می‌کنند. « دوره باستان » (از قرن بیستم تا قرن سوم و چهارم پیش از میلاد، به عبارت دیگر از تاریخ تجزیه زبانهای ایرانی از زبان هند و ایرانی تا انقراض حکومت هخامنشیان)، دوره میانه (از قرن سوم و چهارم پیش از میلاد تا قرن نهم پس از میلاد، یعنی از انقراض هخامنشیان تا انقراض سلسله ساسانیان) و دوره جدید (از آغاز دوره اسلامی تا عصر حاضر، یعنی از قرن نهم پس از میلاد تا دوره معاصر).^۴ بدیهی است که در بررسی دوره‌های زبانی نمی‌توان حد و مرز تعیین کرد. «به علاوه این تقسیم بندی بیشتر ناظر به ساختمان زبان و درجه تحول آن است تا به زمان تاریخی»^۵ لذا این تقسیم بندی جنبه قراردادی دارد و حدود تقریبی را نشان می‌دهد.

۲-۱- دوره باستان

« پیش از آمدن اقوام آریایی به ایران، اقوام ساکن نقاط مختلف، خود دارای زبان و فرهنگ و ادبیات بودند. از جمله می‌توان از زبانهای سومری، عیلامی، اکدی، آرامی و سریانی نام برد»^۶ قدیمی ترین زبانهای ایرانی دوره باستان که آثاری از آنها بجا مانده عبارتند از: زبان مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان. پس از تأسیس نخستین دولت ایرانی توسط مادها (قرن هشتم پس از میلاد)، زبان مادی گسترش یافت. «هرودت می‌نویسد: رسم دیاکو پادشاه ماد در اوایل قرن هفتم پیش از میلاد چنین بود که خلاصه دعاوی و مراعات را می‌نوشتند و نزد او به کاخ شاهی

می‌فرستادند و او رأی و حکم خود را صادر می‌کرد، اما دبیران بیگانه موضوع شکایت و دفاع را که به زبان متداول خود نوشته بودند نزد او به زبان مادی ترجمه می‌کردند.^۷

پس از تأسیس سلسله هخامنشی به دست کورش (۵۵۹ ق م)، «روابط اداری به وسیله زبان و خط آرامی انجام می‌گرفت. در نامه‌ها و نوشته‌های آرامی که در مصر کشف شده لغات بسیار مقتبس از پارسی یا ترجمه لفظی آنها دیده می‌شود. اما اسناد خزانه کاخ شاهی به زبان عیلامی است. علت به کار گرفتن این زبانها این است که شاهنشاهی هخامنشی به سرعت بر سراسر دنیای متمدن آن روزگار استیلا یافت»^۸ اما سنگ نبشته‌های این دوره به زبان فارسی باستان است که آثار آن با خط میخی در لوحه‌های تخت جمشید و بعضی نقاط دیگر ایران باقی است. «به دلیل رایج بودن زبانهای متنوع در نقاط مختلف ایران، شاهان هخامنشی دستورات و فرامین خود را به زبان آرامی بر روی پاپیروس می‌نگاشتند و در مناطق مختلف کشور مترجمان آنها را به زبان مردم آن نواحی ترجمه می‌کردند.»^۹

در دوره هخامنشی آیین زردشت، پیامبر ایرانی، گسترش یافت، اما دین رسمی نبود. زبان اوستایی زبانی است که کتابهای مقدس این آیین بدان نگاشته شده است. جز کتاب اوستا و آثار وابسته بدان هیچ اثر دیگری به این زبان در دست نیست. «متون اوستایی را براساس ویژگی‌ها و قدمت زبانی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- متون گاهانی. ۲- متون اوستایی متأخر. گاهان قدیمی‌ترین بخش از اوستا و کهن‌ترین اثر ادبی است که برجای مانده است. ترجمه گاهان به زبان پهلوی در دست است.»^{۱۰} همچنین در زمان اسکندر (۳۳۰-۳۲۳ ق م) نسخه‌ای از اوستا که در دژنبشت^{۱۱} بود به دست رومیان افتاد و آن را به زبان یونانی ترجمه کردند.

۲-۲- دوره فارسی میانه

«اصطلاح ایرانی میانه به زبانهایی اطلاق می‌شود که از پایان شاهنشاهی هخامنشی تا آغاز اسلام در سرزمین پهناور ایران به کار می‌رفته است. اما این حدود زمانی، تقریبی است.»^{۱۲} پس از سقوط هخامنشیان به دست اسکندر، حکومت او دیری نپایید و با مرگ وی قلمرو فرمانروایی او به سرعت تجزیه و میان سردارانش تقسیم شد. «همچنین شورهای داخلی در این سو و آن سو آغاز

گشت و سرانجام قبیله ای ایرانی از شمال شرقی ایران که ما آن را پارت می‌نامیم، یونانیان را از ایران راندند و سلسله اشکانیان به وسیله اشک بنیان گذارده شد.^{۱۳} زبان قدیم پارت در دوره اشکانی زبان رسمی ایران بود و پارتی نامیده می‌شد. این زبان چون در دوره میانه مورد استفاده بود و دنباله پارتی باستان است به آن پارتی می‌گویند. از این زبان اطلاع چندانی در دست نیست.

زبانهای مهم ایرانی میانه عبارتند از: پهلوی (پارسیک یا پارسی میانه) سغدی، خوارزمی، ختنی و زبان طخاری. زبان پهلوی گویش مردم شمال شرق ایران بوده است البته در تعاریف دیگر این زبان را به نواحی مرکزی و غربی ایران نیز نسبت داده اند. همچنین برای گویشهای فارسی میانه عنوان پهلوی را بکار می‌برند. درخصوص ترجمه در این دوره می‌توان از قبالة اورامان نام برد. «و آن سغدی است که با الفبای اشکانی نوشته شده و عبارت از قرارداد خریدی است که در سال ۱۹۰۹ در اورامان در کوهستان زاگرس در کردستان بدست آمده و تقریباً متعلق به سال ۸۷ پیش از میلاد است. اصل این قرارداد که روی پوست آهو نوشته شده به زبان یونانی است و در پشت آن ترجمه اش به زبان فارسی میانه به چشم می‌خورد.»^{۱۴} اطلاعات کمی از سایر زبانهای این دوره در دست است.

«درخصوص اوضاع و احوال ترجمه در زمان ساسانیان اطلاعات بیشتری در اختیار داریم. شاهان ساسانی به علم و دانش توجه داشتند و دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور را تأسیس کردند که دارای کتابخانه بزرگی بود. پزشکان و دانشمندانی که در بیمارستان و دانشگاه جندی شاپور به طبابت و تدریس اشتغال داشتند کتابهای بسیاری را از زبانهای رومی، سریانی، هندی و یونانی به پهلوی ترجمه کردند. بروزیه طبیب که رئیس اطباء شاهی بود به دستور انوشیروان به هندوستان رفت و کتابهای کلیگ و دمنگ، مادپگان چترنگ، افسانه‌های یسداپی... را به ایران آورد و به پهلوی ترجمه نمود.»^{۱۵} ترجمه آثار خارجی یونانی، لاتینی و هندی که در عهد شاپور اول شروع شده بود در دوره خسرو اول رونق گرفت.^{۱۶}

در دوره ساسانیان آثار فلاسفه یونان از سریانی به پهلوی ترجمه شد. از جمله می‌توان از منطق ارسطو ترجمه پولوس پرسا و کتابهای افلاطون را نام برد. کتابهای جالینوس و سقراط هم بوسیله سرجیس رأس العینی ترجمه شد. این آثار به عنوان کتابهای درسی در دانشگاه جندی شاپور تدریس می‌شدند.

نیاز به ترجمه اوستا از زمان اشکانیان مطرح بود چون که هم اشکانیان و هم ساسانیان، زبان اوستایی را زبان مرده ای می‌دانستند. ترجمه و تفسیر اوستا به پهلوی زنده خوانده می‌شود. درباره تعریف اصطلاح زنده و پازند «مسعودی می‌نویسد: که کتاب اول (مجموس) بسته نام داشت و زردشت به سبب این که مردم آن را نمی فهمیدند، تفسیری بر آن نوشت که آن را زنده گویند و سپس بر تفسیر، تفسیری نوشت به اسم بازند (= پازند). همین نویسنده در کتاب دیگر خود می‌گوید که زردشت شرحی بر ابستا نوشت و آن را زنده نام نهاد. سپس آن را از زبان پهلوی به فارسی ترجمه کرد و بعد برای زنده شرحی نوشت که آن را بازند (= پازند) نامید. بنابراین زنده دقیقاً به معنی ترجمه کتاب اوستا به پهلوی است.»^{۱۷} ترجمه هایی که از یسنا، ویسپرد و ویدورات و چند متن کوچک بجا مانده نشان می‌دهد که این ترجمه ها تحت اللفظی هستند و غالباً مبهم و نادرست. گاهی هم ترجمه بیش از حد آزاد است. اشکال بزرگ مترجمان این بود که از قواعد صرف و نحو در زبان اوستا اطلاع کافی نداشتند و به ناچار معانی جملات را با حدس و قرینه در می‌یافتند»^{۱۸} این است که این ترجمه ها کمک چندانی به فهم اوستا نمی‌کنند.

در دوره ساسانیان آثار مختلف در حوزه ادبیات، تدوین و ارائه گردیدند. ادبیات تاریخی وضع بسیار خوبی داشت. کتابهای آموزنده در آیین کشورداری نیز منتشر می‌شد که نوع ادبی خاصی را بوجود آورده بود. از این آثار جز عناوین آنها چیزی در دسترس نیست. بعضی از این آثار بعداً در دوره اسلامی به زبان عربی ترجمه شد. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد و «در دینکرت نیز گزارشی می‌خوانیم مبنی بر این که شاپور اول دستور داد که آثار یونانی و هندی را ترجمه کرده و در متون دینی بگنجانند. ساسانیان اطلاعات خود را درباره گذشته از افسانه ها و کتابهای یونانی کسب می‌کردند.»^{۱۹} در زمان ساسانیان بخصوص در سده آخر فرمانروایی آنان نوشته‌های سرگرم کننده

هندی بررسی و از نو تدوین می‌شد. شاهد این مدعا قصه هزار و یکشب است. مسعودی می‌گوید:

«در این افسانه [که از شدادبن عاد و شهر وی ارم ذات العمد است] نظیر کتابهایی است که از فارسی، هندی (به ضبط دیگر پهلوی) و یونانی به زبان ما برگردانده شده است، مانند کتاب هزار افسانه که به تازی هزار داستان معنی می‌دهد.

پژوهش‌ها تأیید می‌کند که این اثر نخست از روی یک سرمشق هندی پدید آمد و در سده نهم به عربی ترجمه شده است.^{۲۰} در زمان خسرو انوشیروان با آمدن فیلسوفان یونانی به ایران و تأسیس مدرسه پزشکی در شهر گندیشاپور تأثیرات فرهنگی زیادی به بار آمد. «همچنین به احتمال قوی در زمان انوشیروان کتب فلسفی از سریانی به پهلوی ترجمه شده است. آگاثیاس^{۲۱} با شگفت زدگی نقل می‌کند که این پادشاه با عقاید ارسطو و افلاطون آشنا بوده است و دستور داده بود که کتب یونانی را برای وی به فارسی (=فارسی میانه، پهلوی) ترجمه کنند.^{۲۲} با ترجمه پنگ چتترم^{۲۳} که مجموعه‌ای از قصه‌هاست، اثر ادبی مهمی فراهم آمد. ترجمه سریانی این اثر (کلیک اودمنک) مأخذ بسیاری از داستانهای آموزنده در ادبیات اروپایی قرون وسطی شد.^{۲۴} این اثر را در قرن دوم هجری ابن مقفع به عربی ترجمه نمود و بعدها در قرن ششم به وسیله فردی به نام نصرالله منشی به فارسی دری ترجمه شد از دیگر آثار بجامانده از دوره فارسی می‌توان از زیور کتاب مقدس مسیحیان نام برد که قطعه ناقصی از آن بیشتر باقی نیست و خط باستانی پهلوی آن گواه بر آن است که این قطعه رونوشت ترجمه‌ای است که تقریباً در نیمه دوم سده ششم انجام شده و با نقوش معمول فارسی میانه که در آن هزوارش بکار می‌رفته نگارش یافته است. این ترجمه نه از متن عبری و نه از سپتواگینتای^{۲۵} یونانی بلکه از متن سریانی به عمل آمده که زبان بومی مسیحیان ایران خاوری بوده است.^{۲۶}

زبان سغدی، زبان مردم شمال شرقی ایران بوده که سغد (سمرقند) مرکز آن به شمار می‌رود. چون زبان سغدی زبان مانویان و مسیحیان آسیای مرکزی نیز به شمار می‌رود و از آثار ترجمه شده به این زبان «قطعات ترجمه‌ای از عهد جدید» و قسمت‌های باقیمانده در افسانه پیدا کردن

صلیب مقدس بوسیله امپراتریس هلتا^{۲۷} است. اکثر کتابهای سغدی بوسیله بودائیها تألیف شده و عبارت از ترجمه هائی از زبانهای هندی است (وسانترجاتکم)^{۲۸} سوتره ی^{۲۹} دیر گهنگه راهب، سوتره ی علت و معلولها^{۳۰}.

از ترجمه به ادبیات خوارزمی چیزی در دسترس نیست ولی از بررسی ادبیات سکائی (زبان ختن سکائی= آریایی شمالی) که از دیگر زبانهای ایرانی میانه است و آثار بجامانده از آن مربوط به سه قرن اول، دوم و سوم میلادی است، به این نتیجه می‌رسیم که اکثریت قابل توجه این قطعات و آثار بجامانده از زبان سکائی عبارت از ترجمه هائی است که از زبان سانسکریت و لاتین شده است و مطالب آنها شامل افسانه‌های دینی و متن‌های بودائی و آفرینش حماسی است.^{۳۱}

بطور کلی در دوره زبانهای ایرانی میانه، از آثار ترجمه شده و ادبیات همه این زبانها اطلاع چندانی در دست نیست ولی آنچه که از این زبانها بجامانده نشان می‌دهد که ترجمه در ایران پیش از اسلام رونق داشته است.

پی نوشتها

۱. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. جلد چهارم الف. تهران: شورای کتاب کودک، ص ۲۲۰.
2. Diachronic linguistic.
3. Historial linguists.
۴. صفوی، کورش. پیشینه زبان فارسی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷، ص ۱۸.
۵. ناتل خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی. تهران، نشر نو، ۱۳۶۶، ص ۱۲۸.
۶. خانلری، همان، ص ۱۵۸.
۷. خانلری، همان، ص ۱۶۰.
۸. خانلری، همان، ص ۱۶۲.
۹. ابراهیمی کلهرودی، خدیجه. «بررسی وضعیت ترجمه کتابهای کودکان ۳ تا ۱۱ سال. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، «نقل از ناصرالدین شاه حسینی. تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی. تهران، مؤسسه علوم بانکی، ۱۳۵۳، ص ۴۳ و ۴۵.

۱۰. تفضلی، دکتر احمد. تاریخ ادبیات ایران. تهران: سخن، ۱۳۷۶، ص ۳۷ و ۳۸.
۱۱. بنا به روایتی در زمان داریوش سوم و شاید هم در زمان گشتاسب دو نسخه از اوستا فراهم آمد که یکی در خزانه شاهی و دیگری را در دژنیش (محل نگهداری اسناد) گذاردند.
۱۲. خاnlری، همان، ص ۲۰۱.
۱۳. صفوی، همان، ص ۷۰.
۱۴. ریپکا، یان. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه دکتر عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴، ص ۵۲.
۱۵. ابراهیمی کلهرودی، همان، ص ۱۲.
۱۶. گیرشمن، رگ. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه دکتر محمدمعین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۴۰۶.
۱۷. تفضلی، احمد، همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.
۱۸. ریپکا، همان، ص ۶۵.
۱۹. ریپکا، همان، ص ۹۷.
۲۰. ریپکا، همان، ص ۹۸-۹۷.
21. Agathias
۲۲. تفضلی، همان، ص ۱۵۹.
23. Pancatantram.
۲۴. ریپکا، همان، ص ۱۰۱.
25. Septuaginta.
۲۶. (ترجمه یونانی تورات که در سده سوم پیش از میلاد به فرمان بطلمیوس دوم پادشاه مصر به وسیله هفتاد تن مترجم به عمل آمد.)
۲۷. ریپکا، همان، ص ۱۰۵.
28. Helena.
29. Vesantarajakam.
30. Sutra.
۳۱. ریپکا، همان، ص ۱۱۱.
۳۲. ریپکا، همان، ص ۱۱۳.

۲-۳- تاریخ ترجمه در ایران و اسلام (دوره جدید)

گسترش و بسط زبان ها به دلایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و استیلای قدرت صاحب آن زبان صورت می گیرد. دوره جدید موسوم به دوره ایرانی نو پس از گسترش اسلام در ایران آغاز می شود. در سال ۱۴ هـ ق ۶۳۷ م، در زمان یزدگرد سوم پادشاه ساسانی در محلی به نام قادسیه جنگ بین ایران و اعراب مسلمان در گرفت که به شکست ایرانیان منجر شد. در جنگ های بعدی، مداین (۱۶ هـ ق) و نهاوند (۲۱ هـ ق) نیز ایرانیان با شکست مواجه شدند، اما تسلط اعراب بر سراسر ایران به دلیل مقاومت اقوام ایرانی سالها به طول انجامید. از آنجا که ایرانیان یکتاپرست بودند دین اسلام را پذیرفتند. با وجود گسترش اسلام نفوذ ادیان زردشتی، مانوی و عیسوی باقی بود و بالطبع زبانهای متعلق به آنها یعنی پهلوی و سریانی رواج داشت. لذا هرگونه بررسی تاریخ ادبیات ایران و ترجمه در نگاه اول به قرن های اول، دوم و سوم هجری نظر دارد و در این سه قرن ادبیات ایران از جهات مختلف مورد مطالعه قرار می گیرد.

« ادبیات پهلوی که بازمانده لهجه رسمی و دینی دوره ساسانی است. ادبیات دری به دلیل این که زبان دری، زبان ادبی، رسمی و سیاسی دوره اسلامی است و ادبیات عربی و ترجمه آثار یونانی، به دلیل این که بسیاری از نویسندگان و گویندگان آن ایرانی بوده اند.»^۱

۲-۳-۱- ادبیات پهلوی:

«فهلوی (پهلوی) زبانی بوده است که شاهان در مجالس خود به آن سخن می گفتند و آن منسوب است به فهله و این نام بر پنج شهر ایران که اصفهان، ری، همدان ماه نهاوند و آذربایجان باشد. اطلاق می شود.»^۲ با گسترش اسلام در ایران، زبان پهلوی که زبان رسمی، ادبی و سیاسی بود از بین رفت و بسیاری از آثار این زبان به عربی و دری ترجمه شد. در قرون اول، دوم و سوم هجری کتب زیادی از پهلوی به عربی ترجمه شد از جمله: «خداینامه (ترجمه عبدالله بن مقفع و جمعی از مترجمان)، داستان اسکندر (این کتاب در دوره ساسانی به پهلوی و سپس از پهلوی به سریانی و عربی ترجمه شد)، بلوهر و بوداسف (این کتاب از سانسکریت به پهلوی و از پهلوی به عربی ترجمه شد)، کتاب الصّور (در این کتاب صورت بیست و هفت مرد و دو زن از پادشاهان

ساسانی به نحوی که در روز مرگ برداشته شده بود وجود داشت. این کتاب را برای هشام بن عبدالملک ترجمه کردند و گویا مترجم آن جبلة بن سالم بوده است)، کتاب السکسین (حاوی اخبار پهلوانان سیستان، بخصوص رستم)، گاهنامه، داستان بهرام چوبین، داستان رستم و اسفندیار، داستان پیران ویسه)، کتاب التاج در سیرت انوشیروان، لهراسپ نامه، کتاب چاماسب در کیمیا، داستان خسرو و شیرین و بسیاری از آثار دیگر در حوزه منطق، حکمت، ریاضیات و فلاح و تاریخ و ادب و قصص که از پهلوی به عربی ترجمه شد.^۳

« از کتب مانویه نیز تعداد زیادی به زبان عربی ترجمه شده است. ابن الندیم از کتب مانی هفت کتاب و از رسالات مانویه هفتاد و پنج رساله ذکر کرده است. در این دوران مترجمان دیگری که از پهلوی به عربی ترجمه کرده اند عبارتند از: جبلة بن سالم، ابن المقفع، نوبخت منجم و فرزندان او، ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی و دهها نفر دیگر، به غیر از این ها نیز مترجمانی بودند که از متون سریانی یا هندی برای ترجمه استفاده می کردند و آنها را به عربی برگرداندند. علیرغم ترجمه آثار از پهلوی به عربی، علمای زردشتی به تألیف آثار پهلوی ادامه دادند. کتب پهلوی که در سه قرن اول هجری نوشته شده و بسیاری از آنها اکنون باقی مانده است یا ترجمه و تفسیر نسکهای اوستا و یا کتب اخلاقی دینی، تاریخی، جغرافیایی و ادبی است. از جمله: دین کورت، بندهشن، دانتستان دینیک، اراداویرافنامه و ... »^۴

۲-۳-۲- ادبیات دری

پس از گسترش اسلام و تسلط اعراب بر ایران، نه تنها زبان پهلوی از بین رفت بلکه زبانهای محلی دیگر نیز باقی بود. « مهاجران عرب و ملل دیگر برای زیستن در ایران محتاج مترجمان و یا ناگزیر به فراگرفتن لهجه عمومی بودند. در بعضی نواحی تکلم عربی چندان دشوار بود که حتی نماز و آیات قرآن را در آغاز به فارسی برگرداندند تا ایرانیان به آن معتاد شوند.^۵ از قول ابوحنیفه نقل شده است که ایرانیان به سلمان فارسی نامه نوشتند که سوره حمد را برای ایشان به فارسی ترجمه کند. سپس چون آن ترجمه بدست آمد همان را در نماز به فارسی می خواندند.^۶

در خصوص زبان‌های مختلف اوایل دوره اسلامی، صفا در تاریخ ادبیات ایران نقل می‌کند:

«... حمزه اصفهانی در کتاب التنبیه آورده است که ایرانیان را پنج زبان بوده: پهلوی، دری، فارسی، خوزی و سریانی»^۷ «دری زبان شهرهای مدائن است و کسانی که در دربار شاه بودند با آن گفتگو می‌کردند و این لفظ نسبت است به دربار و در این زبان از میان لغات شهرهای مشرق لغت اهل بلخ غلبه دارد»^۸ از قرن سوم و چهارم به بعد این زبان به صورت زبان رسمی درآمد و با اسامی مختلفی مانند: پارسی، دری، پارسی دری و فارسی آن را برابر عربی (تازی) قرار دادند. در بیشتر نوشته‌های مرتبط به زبانهای پس از اسلام دو اصطلاح فارسی و دری مترادف بکار رفته اند. «ترجمه تفسیر طبری اثر بزرگ محمد بن جریر الطبری به دستور منصور بن نوح سامانی (۳۶۶-۳۵۰ هـ ق) از عربی به زبان فارسی دری صورت گرفته است»^۹ این ترجمه تأثیر فراوانی باقی گذاشت. چنان که منصور بن نوح با اخذ فتوی از علما بر آن شد که ترجمه قرآن را تهیه کند. «علما گفتند: روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی بر آن کس که او تازی نداند از قول خدای عزوجل که گفت: ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومیه. این ترجمه قرآن نیز از مشروعیت فراوانی برخوردار شد. پس از این ترجمه‌های مختلفی از قرآن به ویژه در خراسان فراهم آمد» آذرنوش در کتاب خود بسیاری از این ترجمه ها را بررسی کرده است «که می‌توان به تفسیر قرآن پاک اشاره کرد که یکی از زیباترین و کهن ترین آثاری است که از زبان فارسی به دست ما رسیده است. این ترجمه متعلق به اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم هجری و محل ترجمه هم ایران بوده است»^{۱۱} کشف الاسرار و عدة الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، در این کتاب، نوبت اول، ترجمه دقیق قرآن مورد توجه قرار دارد. روح الجنان و روح الجنان معرف به تفسیر ابوالفتح رازی در قرن ششم توسط او فراهم آمد و از آثار گرانقدر زبان فارسی به شمار می‌رود. بصائر، تفسیر و ترجمه بصائر یمینی توسط معین الدین محمد بن محمود نیشابوری پس از ۵۵۲ هـ ق فراهم آمد که دارای نثر روان فارسی است. ترجمه یا تفسیر گازر توسط ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی در نیمه قرن ۸ هـ ق فراهم آمد که تلخیصی از تفسیر ابوالفتح به شمار می‌رود. ترجمه الخواص توسط ابوالحسن علی بن حسن زواره ای در

سال ۹۴۶ هـ ق فراهم آمد. منهج الصادقین نیز در سال (۹۸۸ هـ ق) توسط مولی فتح الله کاشانی نگاشته شد.^{۱۲}

همانطور که اشاره شد در طی ده قرن ترجمه و تفسیرهای زیادی از قرآن فراهم آمد که بعضی آن چنان ارزشمند بودند که در زبان فارسی نیز تأثیر فراوان باقی گذاشتند. با گسترش اسلام و نفوذ اعراب در ایران زبان عربی نیز بتدریج گسترش یافت و تأثیر آن بر زبانهای محلی، به ویژه زبان دری ظاهر گردید. واژه‌های زیادی از عربی به فارسی وارد شد. اما این واژه‌ها ویژگی فارسی را پیدا کردند.

۲-۳-۳- ادبیات عربی و ترجمه آثار یونانی

پس از غلبه اعراب مسلمان بر ایران زبان عربی جایگاه خاصی پیدا کرد. بسیاری از اهل علم در ایران به این زبان می‌نوشتند. در قرون اولیه نثر عربی که ابتدا ساده بود با تلاش دانشمندان ایرانی به اوج کمال رسید و این امر مهم مرهون زحمات جبلة بن سالم بن عبدالعزيز و عبدالله بن مقفع است که آثار زیادی را به عربی ترجمه کردند و بسیاری از دانشمندان از جمله ابوحنیفه و ابن قتیبه، ابو عثمان عمر بن بحر جاحظ بصری آثار خود را به زبان عربی نگاشتند. «مورخان اسلامی سیر علوم فلسفه و انتقال آن را از آتن بدین نحو یاد کرده اند که فلاسفه مدینه از سقراط و افلاطون و ارسطو آغاز شد و سپس به ثاوفرسطس و اودیمس و آیندگان آنان رسید و پس از آن مجلس تعلیم از آتن به اسکندریه از بلاد مصر منتقل گشت و در زمان عمر بن عبدالعزيز از اسکندریه به انطاکیه و سپس به حران انتقال یافت.»^{۱۳}

پدیده ترجمه از زمان امویان (۱۳۶-۴۱ هـ ق) مسیر تعالی را آغاز کرد و در زمان عباسیان از عهد منصور تا مأمون به کمال رسید. ترجمه از آثار یونانی به ویژه آثار ارسطو در قرن دوم هجری قمری شروع شد و «نخستین بار توسط خالد بن یزید بن معاویه کتابهای یونانی به عربی ترجمه شد و چون به علم کیمیا علاقه داشت دستور داد آثاری را از یونانی و قبطی به عربی برگردانند.»^{۱۴} مأمون خلیفه عباسی گروهی را به امپراطوری بیزانس فرستاد تا آثار را از آنجا تهیه کرده و سپس ترجمه کردند.

فرزندان موسی بن شاکر (محمد، احمد و حسن) گروهی از مترجمان آن زمان از جمله حنین بن اسحق را به یونان فرستادند. «آنها کتابهای شگفت انگیز و تصنیفات غریبی در فلسفه، هندسه، موسیقی و ارثماتیکی (حساب) و طب با خود آوردند.»^{۱۵} و گروهی از مترجمان به ترجمه این آثار پرداختند.

حنین بن اسحاق کتاب فی التشریح^{۱۶} جالینوس را ترجمه کرد. خود او می گوید: «این کتاب را در بیست سالگی از روی یک نسخه پرغلط ترجمه کردم بعدها، وقتی که چهل ساله بودم، شاگردم حبیب از من خواست که این کتاب را با استفاده از نسخه های خطی یونانی که با خود آورده بودم اصلاح کنم من تمام این نسخه ها را با هم مقابله کردم و توانستم منقح یگانه ای فراهم آورم. سپس این متن منقح یونانی را با ترجمه سریانی سابق خود مقابله و آن را اصلاح کردم.»^{۱۷} حنین آثار دیگری نیز ترجمه کرد.

«از اقدامات مهم زمان مأمون تأسیس کتابخانه بزرگی بود که به بیت الحکمه و خزانه الحکمه معروف است و به معنی گنج خانه مأمون است که محل تجمع بزرگان و دانشمندان و مترجمان بود و مترجمان برجسته ای در آنجا به امر ترجمه اشتغال داشتند از جمله یحیی بن ابی منصور موصلی منجم، محمد بن موسی خوارزمی، فضل بن نوبخت، احمد طیبی معروف به صنوبری، یوحنا بن ماسویه»^{۱۸} «(از مسیحیان سریانی که هارون ترجمه کتب کهن را به او واگذار کرده بود).»^{۱۹}

در قرن دوم و سوم هـ ق مترجمان برجسته ای وجود داشتند. از جمله: یحیی بن بطریق مترجم مجسطی، جرجیس بن جبرائیل طبیب (۱۴۸ هـ ق) و عبدالله بن مقفع (که قبلاً به آثار او اشاره شد) و باسیل مطران، حجاج بن مطر (۲۱۴) قسطنطین لوقا بعلبکی (۲۲۰) و عبدالمسیح بن ناعمه حمصی (۲۲۰). حنین بن اسحاق (ف ۲۶۰)، اسحق بن حنین (ف ۲۹۸)، ثابت بن قره حرانی (ف ۲۸۸)، جیش بن الحسن (ف ۳۰۰). در این دوره کتابهای ارسطو، جالینوس، سقراط و افلاطون ترجمه شد.

اثر مهم ترجمه در قرن چهارم هـ ق (دهم میلادی) ترجمه ای عربی از کلیات ارغنون ارسطو است. این ترجمه توسط ابوالخیر حسن بن سوار معروف به ابن الخمار متولد ۳۳۱ (۹۶۲م) انجام گرفته است. اما پس از وفات جیش سال (۳۰۰ هـ ق) مترجمان دیگری در جهان اسلام وجود داشتند از جمله: سنان بن ثابت بن قره (ف ۳۶۰)، یحیی بن عدی (ف ۳۶۴)، ابوعلی بن زرعه (ف ۳۸۹)، هلال بن هلال حمصی و عیسی بن چهاربخت که بیشتر به ترجمه کتب منطقی و طبیعی ارسطو و آثار مفسران ارسطو همچون اسکندر افرویدی و یحیی نحوی و مانند این دو اشتغال داشتند»^{۲۰}

نهضت ترجمه در جهان اسلام در قرن سوم به اوج خود رسید و تا قرن پنجم ادامه یافت که در رساله حنین^{۲۱} به نام بسیاری از این مترجمان اشاره می شود. مانند: ابن شهدا (مترجم سریانی)، جبرئیل بن بختیشوع، سرجس (مترجم سریانی)، عیسی بن علی.

ترجمه در قرن ششم و هفتم در جهان اسلام ادامه یافت. مسلمانان در طی چند قرن (به ویژه قرن اول تا سوم هـ ق) آثار فراوانی از زبانهای شناخته شده آن زمان ترجمه کردند. این آثار علمی، فلسفی، ادبی و مذهبی بود که تأثیر فراوانی در علم و تحقیق باقی گذاشت.

«کارادوو مترجمان جهان اسلام را به حق (اصحاب دائره المعارف) می خواند. چرا که آنها در علوم عملی و نظری گوناگون، به ویژه در طب تبحر داشتند.»^{۲۲}

پی نوشتها:

۱. صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳، جلد اول، ص ۱۳۰.
۲. ناتل خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی. تهران: نشر نو، ۱۳۶۶، جلد اول، ص ۲۷۲.
۳. صفا، همان، ص ۱۳۳.
۴. صفا، همان، ص ۱۳۵.
۵. صفا، همان، ص ۱۴۱.

۶. آذرنوش، آذرتاش. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سروش، ۱۳۷۵. ص ۲۰.
۷. صفا، همان، ص ۱۴۱.
۸. خاندلری، همان، ص ۲۷۳.
۹. صفا، همان، ص ۱۶۱.
۱۰. آذرنوش، همان، ص ۲۶.
۱۱. آذرنوش، همان، ص ۸۹.
۱۲. آذرنوش، همان، ص ۲۳۹.
۱۳. محقق، مهدی. نهضت ترجمه و نشر علوم پیگانگان در زمان امام رضا (ع). مجله ترجمه ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ۱۳۶۵. ص ۱۸.
۱۴. محقق، همان، ص ۱۹.
۱۵. بدوی، عبدالرحمن. فن ترجمه و انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام. ترجمه اسماعیل سعادت. مجموعه مقالات نشر دانش درباره ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۶۶، ص ۷۲.
16. De sectis.
۱۷. بدوی، همان، ص ۷۴.
۱۸. بدوی، همان، ص ۱۱۸.
۱۹. محقق، همان، ص ۲۰.
۲۰. محقق، همان، ص ۲۰.
۲۱. این اثر توسط دکتر مهدی محقق ترجمه شده است.
۲۲. بدوی، همان، ص ۱۰۰.

فصل سوم

تاریخ ادبیات کودکان ایران

۳-۱- تعریف ادبیات

تبیین و تعریف مقولاتی چون هنر، زیبایی و ادبیات بسیار دشوار است و یا به دلیل کثرت تعریف، توافق عامی بر سر تعریفی خاص وجود ندارد. علت این امر مفهوم بسیار گسترده و فراگیر و حساس این مقولات است. در اینجا هدف درگیر شدن با آراء و نظرات مختلف فرهیختگان و اهل علم و ادب نیست بلکه بیان تعاریفی است که مقبولیت عام تری یافته اند.

ادبیات تحلیل آفریده‌های خیال آدمی است. دکتر زرین کوب در تعبیر لفظ ادب می‌گوید: «ادب عبارت است از مجموعه آثار مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد، و به اقتضای احوال و طبایع اقوام و افراد و هم به سبب مقتضیات و مناسبات سیاسی و اجتماعی، فنون و انواع مختلفی از این گونه آثار بوجود آمده است.»^۱ ادبیات بیان احساس، عاطفه، روح و اندیشه انسان است. ادبیات هنر شناخت روح و التیام بخش آلام درون انسان هاست، اخلاق، ارزشها، اصالت‌ها و در مجموع روح یک ملت در ادبیات آن متجلی است. امروزه ادبیات مفهوم وسیعتری دارد و به همه آثار خواندنی و گفتارهایی که سبب برانگیختن احساس و خیال خواننده می‌شود، اطلاق می‌گردد.

برپایه این تعاریف تلاش می‌کنیم تا ادبیات را از کلام غیرادبی بازشناسیم. «اما زبان شناسان به ارزیابی ارزشی اعتقاد ندارند. بنابراین، نظریه وارن^۲ و وسلر^۳ در خصوص ادبیات به دو شاخه نوشته‌های خیالی و غیر خیالی و اطلاق لفظ ادبیات فقط به نوشته‌های خیالی، مورد تردید است.»^۴ بنابر توافق عام، آثار ادبی ممکن است به صورت نثر یا شعر یا آمیخته‌ای از آنها باشد. ادبیات یک ملت در گونه‌های مختلف شعر، داستان، نمایشنامه و...، به صورت هنرمندانه‌ای تجلی پیدا می‌کند و تأثیر شگرفی بر روح و احساس آدمی می‌گذارد. «امروزه ادبیات پاسخگوی نیازهای

عاطفی و اجتماعی همه مردم یک سرزمین از کودک تا کهنسال است و به همین سبب یکی از باارزش ترین هنرها و مؤثرترین وسیله ها برای رشد احساسات و افکار مردم یک سرزمین و جامعه انسانی به شمار می آید.^۵

۳-۲- تعریف ادبیات کودکان و نوجوانان

ادبیات کودکان و نوجوانان همه ویژگیهای ادبیات بزرگسالان را دارد. با این تفاوت که چون برای انسانی کم تجربه خلق می شود باید از کیفیت ویژه ای برخوردار باشد. اما ادبیات کودکان مجموعه آثار و نوشته هایی است که به وسیله نویسندگان متخصصی خلق می شود، که کودک را می شناسند و نیازهای او را درک می کنند به علاوه بر پایه دانش زبانی و دانش پایه کودک و نوجوان تهیه می شود و در آن پرورش ذوق و اندیشه کودک مورد توجه است. ادبیات کودک با برانگیختن ذوق و استعداد کودک، ارضای کنجکاوی، گسترش دانش و جهان بینی کودک، موجبات رشد او را فراهم می آورد.

ادبیات کودکان نه تنها همانند ادبیات بزرگسالان از اصالت و زیبایی هنری و معنوی برخوردار است بلکه سه ویژگی خاص دارد که عبارتند از: زبان و بیان نوشته با درک و فهم کودک تناسب دارد. به رشد و پرورش کودک کمک می کند. تصویر به اندازه متن در نوشته اهمیت دارد. توران میرهادی ادبیات کودکان را این گونه تعریف کرده است:

« ادبیات کودکان و نوجوانان نوشته ها و سروده هایی هستند که ارزش ادبی یا هنری دارند و برای کودکان و نوجوانان پدید می آیند. ادبیات کودکان هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه است مانند لالایی، مثل و قصه و هم شامل آثاری است که به وسیله شاعران و نویسندگان برای کودکان و نوجوانان پدید آمده اند، مانند داستان و نمایشنامه و شعر. نوشته های غیر داستانی در زمینه های دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی که هدف آنها آموزش مستقیم نباشد، نیز موضوعهایی هستند که بخشی از ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهند.»^۶

گستره وسیع حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان و جایگاه خاص آن در تعلیم و تربیت موجب شده است که امروزه در بسیاری از کشورها از آن به عنوان یک وسیله آموزش غیرمستقیم بهره گیرند. با این حال حوزه ادبیات کودکان مقوله ای سهل و ممتنع است. چون پای کودک در کار است در نگاه اول ساده بنظر می رسد و در نگاه بسیاری، ادبیات کودکان یعنی ادبیات به ساده ترین شکل آن. در حالی که با توجه به تعاریفی که ارائه شد ادبیات کودکان از نوع دشوار آن است. چرا که خلق اثری برای کودک و نوجوان بر پایه دانش پایه و زبان پایه او نیازمند شناخت کودک است و شناخت کودک نیاز به مطالعه حوزه وسیعی از دانش اجتماعی، روانی و زبانی کودک دارد.

۳-۳- تاریخ ادبیات کودکان ایران

ادبیات کودکان، از روزگاران دور، زمانی که مادران و مادر بزرگان برای بچه ها لالایی، شعر، افسانه، قصه، داستان نقل کردند، شروع می شود. بنابراین ادبیات کودکان مجموعه آثاری است که بخشی به صورت شفاهی، بخشی به صورت کتبی و بخشی به هر دو صورت و در زبانهای مختلف از نسلی به نسلی منتقل شده است.

« تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان در همه کشورهای جهان کم و بیش چهار مرحله داشته است: مرحله آفرینش و انتقال آثار ادبی به صورت شفاهی، مرحله گردآوردن و نوشتن آثار ادبی شفاهی، مرحله پدیدآوردن آثار ادبی بالهام گرفتن از آثار ادبی شفاهی، مرحله آفرینش آثار ادبی ویژه کودکان و نوجوانان.»^۷ بنا به نظر میرهادی پیدایش این چهار مرحله در بعضی از کشورها و سرزمین ها چند هزار سال و در بعضی دیگر چند سالی یا کمتر به طول انجامیده است.

ادبیات شفاهی کودکان به ادبیات داستانی و غیر داستانی تقسیم می شود. ادبیات داستانی گونه هایی است چون مثل، افسانه، قصه و حکایت و ادبیات غیر داستانی عبارت است از لالایی، ترانه و چیستان.

گذشته تاریخی ایران به پانزده تا بیست هزار سال پیش می رسد. اما به نظر گیرشمن «نخستین نشانه های زندگی یکجانشینی در فلات ایران در تپه باستانی سیلک به پنج هزار سال پیش باز می گردد.»^۸

از چگونگی رشد کودکان در این دوره و ادبیات آن زمان اطلاعی در دست نیست. با این حال، ادبیات شفاهی اقوام و ملل از زمانی آغاز می‌شود که بشر سخن گفتن را آموخت. «نخستین و کهن ترین سند برای شناخت ادبیات شفاهی کتاب اوستا است.»^۹ کتاب اوستا قرن ها سینه به سینه حفظ شده است و ثبت آن را لازم نمی دانسته اند، تا این که در دوره ساسانی به کتابت درآمد.^{۱۰} سنت نقل شفاهی حتی تا دوران پس از اسلام ادامه یافت و بیشتر ادبیات عامه اینگونه منتقل شده است. بیشتر مخاطبان ادبیات شفاهی، همچون لالایی ها شعرها، ترانه های نیایش، بازی و متل های آهنگین، افسانه ها، داستان های اسطوره ای، کودکان بودند. سنت نقل شفاهی داستان هنوز هم ادامه دارد.

«مرحله گردآوری و نوشتن آثار ادبی شفاهی از زمان اختراع خط شروع می‌شود. گردآوری و نوشتن آثار شفاهی در کشورهای مختلف همزمان نبود. هزار افسان مجموعه قصه هایی است که در دوره ساسانیان، یعنی حدود ۱۷۰۰ سال پیش گردآوری شده بود و بعدها با قصه های ترکی و عربی درآمیخت و به صورت کتاب هزار و یک شب (الف لیله و لیله) درآمد.»^{۱۱}

«مرحله پدیدآوردن آثار ادبی با الهام گرفتن از آثار ادبی شفاهی از زمانی آغاز می‌شود که آموزش در کشورهای مختلف به صورت همگانی و رسمی درآمد، و مرحله آفرینش آثار ادبی ویژه کودکان و نوجوانان با گسترش دانش عمومی و افزایش شمار خوانندگان کودک و نوجوان و گسترش صنعت چاپ آغاز می‌شود.»^{۱۲}

بنا به نظر بسیاری از محققان، ادبیات کودکان به معنی اخص آن در ایران سابقه چندانی ندارد. با این حال، اگر به دوران کهن بازگردیم و سابقه ی زبان ها در زندگی مردم را از عهد ماد تا دوره ساسانی مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم که با گسترش آیین زردشتی در ایران، کودکان و نوجوانان آموزه های دینی را فراگرفتند و افسانه های مختلفی برای آنان نقل می شد، از جمله: افسانه های آفرینش، دین یاوران و افسانه های فره ایزدی و دینی و حماسی که کودکان هم چون بزرگسالان مخاطبان آن هستند؛ بعضی از این افسانه ها عبارتند از: افسانه آرش کمانگیر، یادگار زیریران. همچنین می توان به داستان اردشیر و اردوان، اردشیر و هفتان بوخت، اردشیر و شاهپور

و سندبادنامه اشاره کرد. کهن ترین متن ادبی که کودکان هم مخاطب آن هستند درخت آسوریگ است. این اثر که به زبان پهلوی اشکانی است در زمان ساسانیان به صورت مکتوب درآمده است.

پس از اسلام تا دوران مشروطیت نیز ادبیات خاص کودک در ایران وجود ندارد. اغلب اوقات کودکان، مخاطبان آثاری هستند که برای بزرگسالان خلق شده است. نویسندگان این آثار در قالب کلام و حکایت به فرزند خویش و در پی آن به همه فرزندان آن دوره پند و اندرز داده اند، مانند «قابوس نامه» و یا برای آموزش فرزند خود کتابی تدوین کرده اند مانند «بهارستان». «این آثار با توجه به نگرش آن دوران نسبت به کودکان و نوجوانان در گروه ادبیات کودک و نوجوان جای می گیرند. بعضی آثار چون «گلستان و مثنوی اگر چه مخاطب آن ها بزرگسالان هستند در بعضی فصلها با کودک و نوجوان سخن گفته اند»^{۱۳} قصه های کلیله و دمنه به رغم دشواری برای کودکان خوانده می شد. در دوران اسلامی قصه های قرآنی که بیشتر جنبه تمثیلی دارند برای کودکان نقل می شوند، مانند یوسف، اصحاب کهف، آدم و حوا، ابراهیم و اسماعیل. قرآن از نظر قصه های آموزنده بسیار غنی است. ترجمه تفسیر طبری قصه های قرآن را به مردم می شناساند.

در سده چهارم و پنجم هجری قمری، افسانه ها، اسطوره ها و داستانهای حماسی با الهام از ادبیات شفاهی پیش از اسلام گسترش می یابند، و به دلیل آهنگین بودن شعرها، سادگی متون مورد توجه کودکان قرار می گیرند. از جمله: شاهنامه دقیقی، گرشاسب نامه اسدی طوسی و... همچنین منظومه هایی چون بهمن نامه، فرامرزنامه، اخبارنریمان، اخبار سام و داستانهای چون جمشید، کک کوهزاد، داستان شیرنگ منظومه هایی هستند که کودکان از شنیدن آنها لذت می بردند.

«ابوبکر عتیق نیشابوری در دوران آل اربلان سلجوقی قصص قرآن مجید را فراهم آورد که نثر ساده و روان آن موجب فراگیر شدن قصه های قرآنی شد.»^{۱۴}

امام محمد غزالی (۵۰۵-۵۰۵ هجری قمری) با نوشتن کیمیای سعادت و رساله ولدنامه در آثار خود به تربیت کودک پرداخته است. سعدی و مولوی در آثار خود به آموزش و پرورش کودک توجه کردند. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری در فصل سیاست و تدبیر اولاد به تعلیم و تربیت کودک نظر دارد. بیشتر آثاری که از سده ششم به بعد نگارش یافته جنبه

اندرزنامه داردمانند تحفة الملوك در آداب از علی اصفهانی، اخلاق محتشمی از خواجه نصیرالدین طوسی.

از سده پنجم تا نهم هجری سرزمین ایران آستان حوادث بسیاری است. در این دوران نخست ترکان غز به حکومت می‌رسند و حکومت عزنویان را تشکیل می‌دهند. پس از غزنویان، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان به حکومت رسیدند. با هجوم مغول، که قبیله ای بیابانگرد و وحشی بودند، روزگار تیره و تاری برای ایرانیان بوجود آمد. تمام آثار فرهنگی، هنری از بین رفت و شهرها ویران شد. سرانجام نوبت به تیمور رسید و تیمور نیز همانند چنگیز و هلاکو به قتل و غارت و ویرانی پرداخت. اما پس از تیمور، پسرش شاهرخ تا حدودی دست از جنگ و خونریزی کشیده و کمی نیز به کشورداری و اشاعه فرهنگ پرداخت.

« علیرغم آسیب‌های فراوانی که از یورش مغول به ایران وارد شد، در جنوب ایران ادبیات این سرزمین شکوفا شد. پس از دوره مغول می‌توان به ظهور بزرگانی چون سعدی، مولوی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ شبستری، عظاملک جوینی و قطب الدین شیرازی اشاره کرد.»^{۱۵}

در گونه ای از ادبیات که به عنوان ادبیات اندرزی شناخته می‌شود از حکایت برای پند و اندرز استفاده می‌شود، قالب حکایت یا داستان در میان بسیاری از آثار منظوم و منثور به کار رفته است و هدف آن نیز آموزش است. از جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد: حذیقه الحقیقه سنایی، منطق الطیر، مصیبت نامه و الهی نامه از عطار نیشابوری، مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی، مرزبان نامه، سعدالدین و راوینی، سندهادنامه، جوامع الحکایات سدیدالدین محمد عوفی. بعضی از آثار ترجمه هستند که در بخش تاریخ ترجمه ادبیات کودکان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

« عبید زاکانی شاعر و نویسنده سده هشتم از نخستین کسانی است که در ایران پس از اسلام اثری مستقل به نام موش و گربه برای کودکان آفرید.»^{۱۶} موش و گربه یک اثر انتقادی اجتماعی است. قالب داستان کودکان، اما محتوی در خور فهم و درک بزرگسالان است. این اثر به ظاهر کودکانه در حقیقت در انتقاد از اوضاع اجتماعی آن روزگار نگاشته شده است.

در سده نهم با ظهور صفویه، هنرهای زیبا رونق یافت و هنرمندان بزرگی ظهور پیدا کردند، اما در حوزه ادبی زبان نوشتار پیچیده تر و دشوارتر شد. با این حال در حوزه ادبیات عامیانه آثاری چون حسین کرد شبستری به وجود آمد که کوچک و بزرگ از شنیدن یا خواندن آن لذت می بردند.^{۱۷}

از سده نهم تا دوازدهم به غیر از ادبیات عامیانه و حماسی و دینی، افسانه ها و قصه های عاشقانه و قصه های بلند نیز وجود دارد که مخاطبان آن بیشتر بزرگسالان بودند مانند: خسرو و شیرین، رعنا و زیبا، لیلی و مجنون و قصه بلند اسکندرنامه، اما در این دوران گونه ای قصه گویی رایج بود که آن را قصه گویی معابر نام نهادند.

« در میان قصه گوینان معابر، قصه گویانی بودند که کارشان روایت قصه های سبک و خنده دار و یا دست انداختن بزرگان بود. این گروه ژنده پوش و درویش مسلک، دانایان احمق نمایی بودند که با لطیفه ها یا سخنان حکیمانه خود، که در قالب شوخی و مزاح بیان می کردند، مردم را به اندیشه وا می داشتند. کودکان به سبب سرشت شاد و بازیگوشی خود، به این گروه بیشتر توجه داشتند.»^{۱۸}

در دوران صفوی، آثار خواندنی بیشتری به دست مردم می رسید و ادبیات عامیانه چون گذشته رونق دارد و همه از خواندن داستانهایی چون ابومسلم نامه، مختارنامه، مصیبت نامه لذت می بردند. خاوران نامه سروده ابن حسام خوشفی، مثنوی حماسی دینی است که به دلیل گزارش دلآوریهای حضرت علی (ع) از داستانهای دوست داشتنی مردم و کودکان و نوجوانان است و آنها از شنیدن آن لذت می برند. این اثر را در مکتب خانه ها برای کودکان می خواندند.^{۱۹}

در دوران قاجاریه به رغم بی کفایتی شاهان قاجار، افرادی چون امیرکبیر و سپهسالار موجب دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی شدند. امیرکبیر با تأسیس دارالفنون و فرستادن دانشجویان به غرب و انتشار نخستین روزنامه ایران با نام وقایع اتفاقیه موجب آشنایی ایرانیان با دانش و اندیشه غربی شد. ادبیات کودکان در ایران ادامه سنت گذشته است.

پایان دوره قاجار آغاز مشروطیت است. در سال (۱۳۲۴ هجری قمری/ ۱۲۸۵ هجری شمسی) فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه رسید. دوران مشروطیت به دلیل گسترش صنعت چاپ، تأسیس مدارس جدید، ظهور اندیشه‌های نو، زمان آغاز حرکت فرهنگی جدیدی در ایران است.

این حرکت موجب پیدایش ادبیات نو کودکان شد. «ادبیات مشروطه زبان فرهنگ شفاهی و ادبیات سنتی نوشتاری کودکان را به زبان امروزی پیوند داد. پیدایش شیوه‌های نو آموزش و پرورش و انتشار آثار آموزشی نیز به پدیداری و فراگیری این زبان یاری رساند. شکل‌گیری و پیدایش نثر ساده فارسی پیش درآمد ضروری پدیداری ادبیات داستانی نو کودکان بود».^{۲۰}

سیاحتنامه ابراهیم بیگ، زین العابدین مراغه‌ای، آثار علی اکبر دهخدا و محمدعلی جمالزاده در میان آثار ادبیات نو کودکان در دوره مشروطیت قرار دارند. شیخ محمد طهرانی کلیله و دمنه را بازنویسی کرد. بطور کلی نوشتن برای کودکان و نوجوانان ایرانی در دوران مشروطیت (اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی) آغاز شد. کتاب احمد، اثر عبدالرحیم طابوف از آثار مهم این دوره است که در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی منتشر شد. بعضی نویسندگان به بازنویسی آثار کهن ادب فارسی می‌پردازند. کتابهای مصور در مورد الفبا منتشر می‌شود.

در دوران مشروطیت با بازگشت تحصیل‌کردگان ایرانی از اروپا نهضت ترجمه، از جمله ترجمه کتابهای ویژه کودکان رونق گرفت که در بخش ترجمه بدان پرداخته خواهد شد.

«نخستین سراینده شعر کودک در ایران محمودخان ملک الشعرای صبا (۱۲۸۸ هجری قمری) است. اما هیچ‌گاه شعرهای کودکانه اش را منتشر نکرد»^{۲۱} در آغاز قرن چهاردهم ایرج میرزا (۱۳۴۴-۱۲۹۱ هجری قمری) به سرودن شعر و نوشتن حکایت‌های منظوم برای کودکان پرداخت. سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) (۱۳۵۲-۱۳۸۸ هجری قمری) از شاعران محبوب عصر مشروطیت است که برای کودکان نیز شعر سروده است. از جمله قصه‌های Lafont و فلوریان را برای کودکان به نظم درآورده است. ملک الشعرای بهار با نوشتن شعرهای کوتاه و داستانهای کوتاه

و منظوم و نوشته‌های کوتاه ساده از آثار کهن ادبیات فارسی به کار برای کودکان پرداخت. از دیگر شعرای این دوره از ابوالقاسم لاهوتی و حسین دانش و چند تن دیگر نامبرده می‌شود.

تحصیل در مدارس سبک جدید، بازگشت تحصیل کردگان از اروپا و ترجمه کتاب برای کودکان و کارهای ایرج میرزا و بهار موجب شد که سایر نویسندگان و شاعران به ارزش کتابهای ساده و قابل فهم کودکان و نوجوانان پی ببرند و درصدد خلق آثاری برای کودکان برآیند.

از اوایل سال (۱۳۰۰ هـ.ق) آثار ادبی ویژه کودکان و نوجوانان اندک اندک افزایش یافت. باغچه بان (جبار عسکرزاده) آثاری را به صورت شعر و نمایشنامه نوشت که با چاپ سنگی منتشر گردید.^{۲۲} باغچه بان اولین مدرسه ناشنوایان را تأسیس کرد و روش خاصی برای تعلیم و تربیت آنها ابداع کرد که هنوز هم از آن روش استفاده می‌شود. علینقی وزیری و فضل الله صبحی مهتدی، ابراهیم بنی احمد از دیگر پیشگامان ادبیات کودک به شمار می‌روند. عباس یمنی شریف نه تنها به سرودن شعر برای کودکان پرداخت بلکه مجله کوچکی به نام «بازی کودکان» منتشر کرد. همچنین سرودن شعر برای کودکان اوج گرفت. ویژگی مهم این دوره توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان در برابر آثار ترجمه شده بود. در این راه سازمانهای مختلفی تأسیس شدند. در سال (۱۳۴۱)، شورای کتاب کودک تأسیس گردید. «هدف شورا اینگونه تعیین شد: کمک به شکوفایی ادبیات اصیل ایرانی برای کودکان و نوجوانان، کمک به بهبود کیفی و کمی کتابهای کودک و نوجوان، کمک به دسترسی تعداد هرچه بیشتر کودکان و نوجوانان ایرانی به کتاب و مواد خواندنی»^{۲۳} در سال (۱۳۴۳) مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسوادان تأسیس شد [این مرکز بعد به نام مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام یافت]. سال ۱۳۴۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف گسترش ادبیات کودک و نوجوان تأسیس گردید. «تأسیس این مؤسسات موجب شد که گامهای مؤثری در راه گسترش ادبیات کودک و نوجوان برداشته شود».^{۲۴}

بعضی از نویسندگان که به ادبیات کهن روی آورده بودند، توانستند داستانهای شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، مثنوی مولوی، منطق الطیر عطار و گلستان سعدی را بازنویسی کنند. این آثار با نامهای داستانهای شاهنامه، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، داستانهای دل انگیز فارسی و

افسانه باران و چند نام دیگر منتشر شدند. از این نویسندگان می‌توان از مهدی آذریزدی، و زهرا خانلری نام برد.

بعضی نویسندگان چون صمد بهرنگی و امین الله فقیری به جمع آوری و بازنویسی قصه‌های عامیانه پرداختند. در این سالها نویسندگان به شرح غم‌ها و شادیهای کودکان پرداختند و آثاری چون پسرک لبوفروش (صمدبهرنگی) و از این ولایت (علی اشرف درویشیان) منتشر شدند.

با حضور پروین دولت آبادی و محمود کیانوش در دهه (۱۳۴۰) شعر کودک در آغاز راهی تازه قرار گرفت و راه برای شاعران بعدی باز شد. تصویرگران ایرانی به شیوه‌های جدیدی برای تصویرگری کتابهای کودکان، دست یافتند.

ترجمه کتاب کودک و نوجوان، با ترجمه آثاری از نویسندگان جهانی دنبال شد. (این بخش در بخش ترجمه مورد بررسی قرار می‌گیرد). نویسندگان به تهیه کتاب در سایر حوزه‌ها چون: دانش اجتماعی، هنر، کتاب مرجع و غیره پرداختند.

انقلاب اسلامی ایران، تأثیر شگرفی در تمام حوزه‌های اجتماعی سیاسی باقی گذاشت. از جمله سرفصل تازه‌ای در ادبیات کودکان گشوده شد. «نویسندگان به نوشتن قصه‌های واقعی در باره زندگی کودکان و نوجوانان ایران زمین پرداختند. بچه‌های قالیبافخانه، نخل، قصه‌های مجید، داستان آن خمره، اثر هوشنگ مرادی کرمانی، فصل نان، روزنامه دیواری مدرسه از علی اشرف درویشیان، هشتم اگر می‌روم و جایزه از رضا رهگذر»^{۲۰} از جمله آثار برجسته این دوره بودند. جنگ عراق با ایران و قصه غمها، شادیاها، رشادتها و ایثار جوانان و نوجوانان و توده مردم موضوع بسیاری از قصه‌ها شد و آثار خوبی در این زمینه انتشار یافت، چون: خوابهایم پسر از کبوتر و بادبادک است.

بسیاری از نویسندگان این دوره به بازنویسی آثار کهن و قصه‌های مذهبی، به ویژه قصص قرآن پرداختند.

« در چند دهه اخیر نوشتن کتابهای مرجع برای کودکان رونق گرفت. نخستین گام در این راه ترجمه فرهنگنامه طلایی (برتاموریس پارکر) توسط رضا اقصی بود. مهرداد مهرین، دائرة المعارف خردسالان را (۱۳۵۰ هجری شمسی) منتشر کرد. مهمترین و اساسی ترین قدم در این راه پیشنهاد تألیف فرهنگنامه کودکان و نوجوانان از سوی ایرج جهانشاهی به شورای کتاب کودک بود. کار تألیف این فرهنگنامه از سال ۱۳۵۸ با توجه به نیاز هدف و ویژگیهایی که برای آن در نظر گرفته شده بود، آغاز شد و تاکنون ۹ جلد از مجموعه ۲۲ جلدی آن انتشار یافته است.^۶ نهضت دائرة المعارف نویسی برای کودکان ادامه دارد و در دهه اخیر چند دائرة المعارف برای کودکان انتشار یافته است.

در چند دهه اخیر، نویسندگان کودک و نوجوان موفق به خلق آثار بدیع شدند که علاوه بر استقبال کودکان و نوجوانان، برای آنها جوایز جهانی به ارمغان آورد. از جمله جایزه جهانی هانس کریستیان آندرسن: بعضی از این نویسندگان عبارتند از: مرادی کرمانی با مجموعه قصه‌های مجید و داستان آن خمره و فرشید مثقالی در تصویرگری.

پی نوشت ها:

۱. زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱، جلد اول، ص ۶.

2. Warren.

3. Vossler.

4. Ekhtiar, Mansur. *From linguistics to literature*. Tehran university press, 1971.

P2.

۵. میرهادی، توران. *فرهنگنامه کودکان و نوجوانان*. جلد ۲، ص ۱۱۲، تهران: انتشارات فرهنگنامه، ۱۳۷۳.

۶. میرهادی، همانجا، ص ۱۶۴.

۷. میرهادی، همانجا، ص ۱۶۹.

۸. محمدی، هادی و زهره قایینی. تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: نشر چیستا، ۱۳۸۰، جلد اول، ص ۷.
۹. محمدی، همانجا، ص ۱۲.
۱۰. تفضلی، عباس. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: سخن، ۱۳۷۶، ص ۱۳.
۱۱. میرهادی، همانجا، ص ۱۷۰.
۱۲. میرهادی، همانجا، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.
۱۳. محمدی، همانجا، جلد دوم، ص ۲۰ و ۲۱.
۱۴. محمدی، همانجا، جلد دوم، ص ۴۸.
۱۵. محمدی، همانجا، ص ۹۰.
۱۶. محمدی، همانجا، ص ۱۹۰.
۱۷. محمدی، همانجا، ص ۲۱۶.
۱۸. محمدی، همانجا، ص ۲۲۱.
۱۹. محمدی، همانجا، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.
۲۰. محمدی، همانجا، جلد سوم، ص ۲۱۸.
۲۱. محمدی، همانجا، جلد چهارم، ص ۵۳۶.
۲۲. گزارش شورای کتاب کودک. ش اول، شهریور ۶۵.
۲۳. میرهادی، همانجا.
۲۴. میرهادی، همانجا، ص ۱۷۹.
۲۵. قرشی، محمدحسین. نقش زبان‌شناسی در نگارش دائرة المعارفها به ویژه برای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.

فصل چهارم

تاریخ ترجمه ادبیات کودکان در ایران

زبان‌شناسان تاریخی با مطالعه دیرین شناسی زبان به این نتیجه رسیده اند «که تعیین آغاز زبان بشری میسر نیست. زبان بشری از هر زمانی که آغاز شده باشد در طی تاریخ به گونه‌های متنوع و متفاوتی تبدیل شده است»^۱ تاریخ ترجمه از زمانی شروع می‌شود که گونه‌های زبانی بوجود آمد و بشر به دلیل زندگی اجتماعی نیاز به ارتباط داشته است.

ادبیات کودکان در آغاز به صورت شفاهی بود. ادبیات شفاهی کودکان به ادبیات داستانی و غیرداستانی تقسیم می‌شود. ادبیات داستانی گونه‌هایی چون افسانه، قصه و حکایت است و ادبیات غیرداستانی گونه‌هایی مانند لالایی، ترانه و چیستان دارد.

ادبیات شفاهی کودکان ملهم از فرهنگ مردم بوده است. در زبانهای مختلف، قصه‌ها و افسانه‌های مشابه دیده می‌شود. این قصه‌ها و افسانه‌ها از زبانی به زبان دیگر از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگر رفته‌اند و هر بار باورهای رایج قصه چیزهایی به آن افزوده و کم کرده است. اما در بخش ادبیات مکتوب، ادبیات خاص کودک و نوجوان در ایران، سابقه چندانی ندارد و کودکان و نوجوانان بیشتر مخاطب آثاری بوده‌اند که برای بزرگسالان خلق شده بود.

ابن ندیم می‌نویسد: «اولین کسانی که افسانه‌ها را گردآوردند و بخشی از آنها را از زبان جانوران روایت نموده و مکتوب کردند و در گنجینه‌های خود نگاه داشتند، ایرانیان نخستین (کیانیان و هخامنشیان) بودند. پس از آن در دوره ساسانیان به داستان‌ها افزوده شد.»^۲ از جمله داستانهایی که از سایر ملل به پهلوی ترجمه شد کلیله و دمنه و سندبادنامه است که خاستگاه هندی دارند. همچنین می‌توان از بلوهر و بوذاسف نام برد. بسیاری از این آثار در دوران اسلامی به عربی ترجمه شد.

در دوران اسلامی رایج بود که برای عزیزترین فرزند خود کتاب می‌نوشتند و به او اهداء می‌کردند. در این دوران از تأثیر قصه بر روح و روان آدمی مطلع بودند و از این گونه ادبی برای تأثیرپذیری مخاطبان، بخصوص کودکان بهره می‌بردند. در این دوران ابتدا آثاری از زبانهای مختلف به عربی و سپس از عربی به فارسی ترجمه شد. یکی از کهن ترین متن‌های ترجمه شده به زبان فارسی که قصه‌های قرآن را به ایرانیان می‌شناساند، تفسیر طبری است. تفسیر طبری نگارش ابوجعفر محمدبن جریر طبری به زبان عربی نوشته شده است و در زمان سامانیان به دستور نوح بن منصور سامانی گروهی از دانشمندان آن را به فارسی برگرداندند.^۲

«خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ هجری قمری) به دستور ناصرالدین محتشم قهستان کتاب الادب الوجیز للولد الصغیر منسوب به ابن مقفع را از عربی به فارسی برگردانده است. این اندرزنامه همان کتاب زادان فرخ در تأدیب پسر خود می‌باشد که ابن مقفع آن را از پهلوی به عربی برگردانده است. این کتاب به سبب آن که فرزند کوچک را در عنوان خود قرار داده است، از اندرزنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان نیز شمرده می‌شود.»^۳ کتاب پنجه تتر که برزویه طبیب در زمان انوشیروان از هند به ایران آورده و به پهلوی ترجمه کرده بود، در دوران اسلامی توسط ابن مقفع با نام کلیله و دمنه به عربی ترجمه شد. آن گاه در عهد بهرام شاه غزنوی، ابوالمعالی نصرالله بن عبدالصمد منشی آن را به نثر فارسی برگردانید.^۴ سندبادنامه که در زمان ساسانیان از هندی به پهلوی ترجمه شده بود نخست به عربی و سپس در زمان سامانیان به فارسی دری ترجمه گردید. از آثار دیگر ترجمه شده در دوران اسلامی کتاب هزار و یکشب است. این اثر هم چون سایر آثار دوران اسلامی ابتدا به عربی ترجمه شده و در دوران قاجاریه توسط عبداللطیف طسوجی تبریزی به فارسی زیبا و ادیبانه درآمد.

با آغاز مشروطیت در ایران، حیات ادبی کشور نیز دگرگون شد، تحصیل کردگان ایرانی که از غرب بازمی‌گشتند با ترجمه آثاری از فرانسه، انگلیسی و به ندرت از سایر زبان‌ها فصل نوینی را در تاریخ ترجمه در ایران گشودند. از همین رهگذر آثاری چون کنت دومونت کریستو و سه تفنگدار به فارسی ترجمه شد و گونه ادبی رمان تحت تأثیر ادبیات اروپا وارد زبان فارسی شد.

ترجمه کتابهای درسی و غیردرسی از متون اروپایی برای کودکان از همین دوره آغاز می‌شود و در حوزه ادبیات کودکان اثر می‌گذارد. مفتاح الملک نیز کتاب تأدیب الاطفال را که از فرانسه به عربی ترجمه شده بود به فارسی برگرداند. خود او می‌گوید: «هوشمندان مملکت را لازم و واجب عقلی است که می‌توانند اطفال خود را از شنیدن و خواندن افسانه‌های دور از عقل محال مثل غولی که اشخاص بی تربیت نادان به خیالات خود جعل کرده، حفظ کنند... و مراقب باشند قصص و حکایاتی را که اطفال می‌خوانند چیزی باشد که هم مایه میل و شوق آنها به خواندن شود و هم اسباب تربیت و تأدیب آنها گردد... این بنده به ملاحظه کمال اهمیت امر تعلیم و تأدیب... این کتاب مسمی به تأدیب الاطفال را که از زبان فرانسه به عربی ترجمه شده بود، از عربی به پارسی نقل نمود.»^۷

«در سال ۱۲۶۳/۱۲۲۵ش، محمد مهدی واصف رضا جویی حکایت‌هایی را از زبان فرنگی به فارسی ترجمه کرد و با عنوان حکایات دل‌پسند منتشر ساخت. ابراهیم بن میرزا احمدخان صنیع السلطنه اخلاق مصور را از اصل فرنگی به فارسی ترجمه کرد. همچنین کتاب تربیت اطفال اثر ژیکس به سفارش حسنعلی خان امیرنظام با ترجمه محمد طاهر میرزا در سال ۱۲۷۰/۱۳۳۲ش منتشر شد.»^۸ «عبد الحمید ثقفی، متین السلطنه در سال ۱۳۱۹/۱۲۸۰ش کتاب انیس الاطفال را به نگارش درآورد. در پایان اندرزنامه چنین آمده است: «چون رشته نصایح و حکایات تا به شانزده باب کشید از کمی آن مؤلف برآن شد که بعضی از افسانه‌های اُسب که اولین افسانه نویس یونانی مشهور آفاق و مستغنی از بیان است از انگلیسی ترجمه نموده و ضمیمه سازد که خواندن آنها برای اطفال بسیار مفید و اسباب فراست و مسرت ایشان شده و جزء نیکان محسوب خواهند شد.»^۹

نخستین ترجمه از رابینسون کروزوئه را اعتماد السلطنه (صنیع الدوله) در سال ۱۲۸۸/۱۳۵۰ش انجام داد و آن را در پاورقی‌ها و جاهای خالی روزنامه مرآت السفر منتشر کرد. این آثار بارها در ایران ترجمه و انتشار یافت. میرزا علی خان امین الدوله در سال

۱۳۰۰ق/۱۳۶۱ش کتاب خرنامه یا سرگذشت خراثر کتس دوسگور را از روی نسخه عربی به نام خماریه به فارسی ترجمه کرد.

« میرزا یوسف اعتصام الملک از مترجمان توانایی است که آثار زیادی را از نویسندگان مختلف به فارسی روان ترجمه کرده است از جمله سفینه غواصه: بیست هزار فرسنگ تحت البحر، اثر ژول ورن است (۱۳۲۰ق)»^{۱۰}

اعلم الدوله خلیل ثقفی در سال ۱۳۰۷ق/۱۳۶۸ش در دارالطباعه مدرسه دارالفنون کتاب فوائد الفصایح: تحفه نوروزی را منتشر کرد. در سال ۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ش میرزا علی اصغر خان صد حکایت اخلاقی را گردآوری و ترجمه کرد و با نام صدپند منتشر ساخت. «حسین دانش در سال ۱۲۹۱ش داستانهایی را که برپایه افسانه‌های لافونتن سروده بود به نام جنگلستان در مطبعه قناعت منتشر ساخت.»^{۱۱} در سال ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش محمد علیخان مظفری ۷۶ حکایت کوتاه را بالهام از حکایت ازوپ و به صورت مصور (با نام اخلاق مصور جلد ۱) منتشر کرد.

« میسیونرهای مذهبی، نخستین کسانی بودند که با ترجمه برخی کتابهای درسی و متون مذهبی به زبان ارمنی آسوری و فارسی مواد آموزشی برای شمار اندکی از کودکان فراهم آوردند.»^{۱۲} در حوزه ادبیات غیر داستانی میرزا محمدحسین اصفهانی ملقب به فروغی، نویسنده و مترجم نامدار به منظور آشنا ساختن کودکان با مطالب علمی کتاب غرائب زمین و عجایب آسمان را که پیش از او ابراهیم حورانی از عربی به فارسی ترجمه کرده بود بازنویسی و منتشر ساخت. فروغی از آثار ژول ورن سفر هشتاد روز دور دنیا را نیز ترجمه و منتشر کرد.

« سفرهای مسیواستانی به آفریقا در سه جلد به زبان فارسی در تاریخ ۱۳۱۵ق/۱۳۷۶

شمسی ترجمه شده است. نخستین جلد را محمدصفی خان، جلد دوم را روحی و سوم را غلامرضا معتمدالسلطان ترجمه کرده اند که بسیار مورد استقبال نوجوانان قرار گرفته بود.»^{۱۳} حکایت‌های شاه جوان اثر اسکاروایلد در سال ۱۳۳۴ق/۱۲۹۴ش توسط میرزا عبدالمجید آهی ترجمه و منتشر شد.

- از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی آثار خواندنی کودک و نوجوان افزایش یافت. علینقی وزیری موسیقیدان برجسته پس از ترجمه قصه‌ها آنها را به همراه شعرهایی از ادبیات عامیانه و شاعران ایرانی و غیرایرانی در سال ۱۳۱۵/ش با نام **خواندنیهای کودکان افسانه است**، منتشر کرد.^{۱۴}

«ظاهراً در همین سالهاست که کتابهای تصویری روسی (ترجمه و چاپ شده در روسیه) به ایران وارد می‌شوند. در سال (۱۳۲۹ هجری شمسی) انتشارات بنگاه معرفت به ترجمه و انتشار کتابهای تصویری ویژه کودکان می‌پردازد. در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی هم حسن شهباز کتاب **خاطره یک دوست** را از اصل آمریکائی ترجمه و به صورت مصور منتشر ساخت. این کتاب به لحاظ محتوی یک کتاب تصویری بزرگسالانه است.»^{۱۵}

دهه ۱۳۴۰ شمسی آغاز دوره تازه‌ای در ادبیات کودکان و نوجوانان است. اهمیت ادبیات کودکان بیشتر شناخته می‌شود و تأسیس سازمانهایی چون **شورای کتاب کودک**، **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان**، مرکز انتشارات آموزشی در این سالها موجب رشد و اعتلای ادبیات کودکان شد.

منافع اقتصادی ترجمه موجب شد که ناشرانی چون **نورجهان**، **فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب** به ترجمه و انتشار بسیاری از کتابهای کودکان و نوجوانان اقدام نمایند. از جمله مؤسسه **فرانکلین «فرهنگنامه طلایی بر تاموریس پارکر»** را با ترجمه رضا اقصی در ۱۸ جلد منتشر ساخت (۱۳۴۶). یک جلد از این مجموعه برای مسائل ایران تألیف شده بود و بقیه ترجمه صرف بود.

در این دوره ترجمه‌ی کتابهای کودکان و نوجوانان کشورهای دیگر دنبال شد و کیفیت بهتری یافت. کتابهای مشهور دو قرن گذشته ادبیات کودکان جهان، چون **آلیس در سرزمین عجایب**، **قصه‌ها و افسانه‌ها شارل پرو**، **برادران گریم**، **هانس کریستیان آندرسن** و **داستانهای ژول ورن** ترجمه شدند. بعضی از مترجمان ایرانی به ترجمه آثار نویسندگان معاصر ادبیات کودکان و نوجوانان چون **استرید لیندگرن** و **اریش کستور** و **اس بی**، ولیت نیز دست زدند.^{۱۶}

« اما در برابر بهبود نسبی کار بعضی ناشران، به کار چند ناشر نوپا برمی خوریم که قریب به صد عنوان کتاب تصویری ترجمه و نشر شده سالهای ۴۰ را با ابتذال به بازار فرستاده اند (دادجو، کورش، سعیدی، اشراقی و دیگران). »^{۱۷}

بررسی کمی کتاب کودک و نوجوان در دهه ۴۰ نشان می دهد که همواره ترجمه بر تألیف فزونی دارد. آماری که از سوی شورای کتاب کودک منتشر شده نشان می دهد که « در سه سال آخر این دهه بین ۱۳۰ تا ۱۶۰ اثر برای کودکان منتشر شده است. در سال ۱۳۴۹ شمسی تعداد کل آثار ۱۵۴ اثر بوده که از این تعداد ۱۲۰ اثر ترجمه است. »^{۱۸}

انقلاب اسلامی سرفصل تازه ای در ادبیات کودکان نوجوان ایران گشود. نویسندگان به منابع اسلامی و ملی روی آوردند. داستانهای واقعی درباره زندگی کودک و نوجوان به نگارش درآمد. جنگ هشت ساله ایران و عراق موجب شد که نویسندگان غم ها، شادی ها، ایثارها و رشادهای مردم، جوانان و نوجوانان را در آثار خود به تصویر کشند. آثار مختلفی در حوزه دین، علوم و هنر اسلامی، روایت های تاریخی و بازنویسی از آثار کهن بوجود می آید. « از ۳۸۲ اثر منتشر شده در سال ۵۸، ۶۶ اثر ترجمه است. اما در سال بعد تعداد آثار ترجمه شده افزایش می یابد و از مجموع ۴۳۲ اثر منتشره ۱۱۷ اثر ترجمه است و نسبت ترجمه از یک پنجم به یک چهارم افزایش می یابد و دلیل آن هم این است که بیشتر کتابهای غیرداستانی ترجمه از منابع خارجی است. »^{۱۹}

در سال ۶۱، تعداد آثار ترجمه شده فزونی می گیرد و از ۲۰۶ اثر انتشار یافته ۱۰۴ اثر ترجمه و ۱۰۲ اثر تألیف یا بازنویسی است. در سال ۶۲، از مجموع ۱۸۲ اثر منتشره ۶۶ اثر ترجمه است. اگر بپذیریم که قسمت عمده بازنویسی ها، ترجمه آثار خارجی است با تغییرات و تحریف ها، باید بگوییم میزان ترجمه در حال افزایش است و گرایش به سوی کشورهای اروپایی و آمریکاست. پس از انقلاب اسلامی که ترجمه آسیایی و آمریکایی لاتین و آفریقا و بخصوص خاورمیانه بتدریج رشد می کرد، رفته رفته این رشد متوقف شده و تغییر جهت می دهد.^{۲۰} در سال ۶۳ از مجموع ۲۲۹ اثر انتشار یافته ۱۰۰ اثر ترجمه است که بین ترجمه و تألیف تعادل نسبی برقرار است. اما تمام آثار غیرداستانی ترجمه هستند. در سال ۶۴ باز، ترجمه از تألیف فزونی می گیرد، از

مجموع ۱۵۹ اثر انتشار یافته ۸۳ اثر ترجمه است. «در این سال تعدادی از آثار برندگان جایزه جهانی اندرسن چون ماجراهای فسقلی اثر اریش کستتر، کیک آسمانی اثر جانی روداری و سلطان عجیب زیرزمین اثر کریستین نوستلینگر به فارسی ترجمه شد.»^{۲۱} دو اثر مشهور جهانی در باره بمب اتمی هیروشیما به نام پیکا (اثر مصور نویسنده ژاپنی) روز بمباران کارل بروکنر، راهگشای نور اثر هلن الیمراویت در میان آثار برجسته سال ۶۴ است.^{۲۲} در سال ۶۹ از ۲۴۴ کتاب منتشر شده ۱۲۸ اثر ترجمه و ۱۱۶ اثر تألیف است. اما در این سال داستانهای خوبی، به ویژه برای نوجوانان ترجمه و منتشر می‌شود. از جمله: داستان بی پایان اثر میشل ائده، خنده فروخته شده اثر جیمز کروس و مردم شیلدا اثر اریش کستتر (هر سه نویسنده آلمانی)، جنگ پتروس اثر الکی ژنی نویسنده یونانی و خورشید را بیدار کنیم اثر واسکونسوس. ۹۵٪ کتابهای غیرداستانی ترجمه هستند.

در دهه ۷۰ تا ۸۰، اگر چه نویسندگان و مؤلفان تلاش می‌کنند آثاری را برای کودکان، برپایه فرهنگ بومی و نیازهای کودکان خلق کنند اما همچنان نهضت ترجمه، به ویژه از متون انگلیسی ادامه دارد. البته بررسی وضعیت ترجمه در این دوره، نیاز به تحقیق مستقل و کتابخانه ای دارد. با این حال در پایان این دوره، مجموعه کتابهای هری پاتر^{۲۳} اثر جی کی رولینگ^{۲۴} از اقبال خوبی برخوردار می‌شود. و نه تنها بچه ها این آثار را دست به دست می‌دهند و گاهی چند بار یک اثر را می‌خوانند، بلکه این اثر، همانند بعضی آثار دیگر، در زندگی رومره بچه ها نیز نمود پیدا می‌کند. کیف و دفتر و قلم با عکس هری پاتر به بازار می‌آید و بچه ها مشتاقانه می‌خرند. (موضوع ترجمه و القاء فرهنگی در فصل خاص خود بررسی می‌شود). در بین آثار ترجمه شده این دوره آثار ارزشمند فراوانی نیز وجود دارد مانند: فرار برای آزادی^{۲۵}، اثر اوان کلارکسون و گمشده شهرزاد، اثر سوزان فلچر^{۲۶} که هر دو ترجمه حسین ابراهیمی (الوند) است. همچنین می‌توان به ترجمه «برادران شیردل»^{۲۷} اثر استریدلیندگرن توسط زرین بال اشاره کرد.

بی نوشت:

۱. هیدین الگین، سوزت. زبان شناسی چیست؟ ترجمه: دکتر ضیاء حسینی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۹.
۲. محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: نشر چیستا، ۱۳۸۰، جلد اول، ص ۱۶۰.
۳. محمدی، همانجا، جلد دوم، ص ۴۵.
۴. محمدی، همانجا، جلد دوم، ص ۱۲۱.
۵. مینوی، مجتبی، ترجمه کلیله و دمنه، انشای نصرالله منشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
۶. ارین پور، یحیی. از صبا تا نیما. تهران: کتابهای حیبی، ۱۳۵۰، جلد دوم.
۷. هدایی، محمد. کتابهای تصویری و کم و کیف آن در ایران. به نقل از تأدیبات اطفال مفتاح الملک)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ج دوم، ص ۱۹۶.
۸. محمدی، همانجا، ج چهارم، ص ۲۵.
۹. محمدی، همانجا، ج سوم، ص ۲۴۶.
۱۰. ژول ورن. سفینه غواصه. ترجمه یوسف اعتصام الملک، تبریز، بی نا، ۱۳۲۰ ق.
۱۱. محمدی، همانجا، ج سوم، ص ۲۹۳.
۱۲. محمدی، همانجا، ج سوم، ص ۳۰۴.
۱۳. محمدی، همانجا، ج چهارم، ص ۴۶۴.
۱۴. میرهادی، توران. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. تهران: نشر فرهنگنامه، ۱۳۷۳، ج دوم، ص ۱۷۶.
۱۵. هدایی، همانجا، ج دوم، ص ۲۰۸ و ۲۱۱.
۱۶. میرهادی، همانجا، ج دوم، ص ۱۷۸.
۱۷. هدایی، همانجا، ج دوم، ص ۲۱۵.
۱۸. گزارش شورای کتاب کودک. تهران، ش دوم، ۱۳۵۰، ص ۴.

۱۹. گزارش شورای کتاب کودک. تهران، ش اول، سال نوزدهم، ۱۳۶، ص ۱۰۴.
۲۰. گزارش شورای کتاب کودک، تهران، ش اول، سال ۲۲، شهریور ۶۳.
۲۱. گزارش شورای کتاب کودک. تهران، ش اول، سال ۲۴، شهریور ۶۵.
۲۲. گزارش شورای کتاب کودک. تهران، ش اول، سی امین سال، شهریور ۷۱.
23. Harry potter.
24. J.K-Ruling.
۲۵. کلارکسون، اوان. فرار برای آزادی. ترجمه: حسین ابراهیمی، تهران: کانون پرورش، ۱۳۷۵.
۲۶. فلچر، سوزان. گمشده شهرزاد. ترجمه: حسین ابراهیمی، تهران، پیدایش، ۷۹ (چاپ سوم).
۲۷. لیندگرن، استرید. برادران شیردل. ترجمه محمد زرین بال، تهران: نشر نقطه، ۱۳۷۵.

فصل پنجم

تحلیل زبان شناختی ترجمه

- ترجمه به عنوان پدیده ای که بر پایه آن حاصل دانش و اندیشه، تلاش و تجربه و دست یافته های قومی (با زبان خاص) به قومی دیگر (با زبان دیگر) منتقل می شود و تعاطی فرهنگی را موجب می گردد، نه تنها مورد نظر زبان شناسان و مترجمان است، بلکه برای بسیاری از ارباب معرفت نیز موضوعی مهم و ضروری به شمار می رود. بعضی ترجمه را هنر ادبی و بعضی آن را فن و بعضی دیگر هم آن را آمیزه ای از هر دو می دانند.

« هیچ ترجمه ای مطلقاً هنر یا مطلقاً فن نمی تواند باشد. هنر مطلق و فن مطلق مفاهیم تجریدی هستند، مثل عناصر خالص، اکسیژن یا طلا یا فسفر خالص، که در واقعیت نمی بینیم. مع هذا، ما با مفاهیم هنر مطلق و فن مطلق کار می کنیم، همانطور که علم شیمی با عناصر خالص کار می کند، در عمل ترجمه میان آن دو قطب فرضی هنر و فن حرکت می کند. این است که گاهی یک ترجمه از ترجمه دیگر به نظر ما هنری تر می آید.^۱ (نصف دریا بندری، ۱۳۷۶).

هنر و فن ترجمه لازم و ملزوم یکدیگرند. ترجمه هنر است اما بدون دانش و آگاهی از فن آن، یعنی داشتن آگاهی از مسایل زبان شناختی ترجمه و به کارگیری آن نمی توان به نتیجه مطلوب رسید. بنابراین تحلیل چستی ترجمه از دیدگاه زبان شناسی منجر به شناختی علمی از فرایند ترجمه می شود که ما را در حل معضلات آن کمک می کند. لذا پیش از تبیین نظرگاه زبان شناختی ترجمه، چون ترجمه فرایندی است که بر روی زبان ها انجام می شود، ضرورت دارد که ماهیت و چستی زبان و نظریه همگانی زبان^۲ مورد تحلیل قرار گیرد.

۵-۱- ماهیت و چیستی زبان

بلوچ و تراگر^۳ در کتاب «درآمدی بر تحلیل زبانی»^۴ زبان را «نظامی از علائم آوایی اختیاری که به وسیله آن یک گروه اجتماعی تماس برقرار می‌کنند»^۵ تعریف کرده‌اند. فردینان دوسوسور^۶ زبان شناس برجسته‌ی سوییسی نخستین زبان شناسی بود که بین زبان (Language) و گفتار (Parole) تمایز قائل شد. در دیدگاه او «زبان تنها مجموعه‌ای از گفته‌های منفرد نیست بلکه نظامی است متشکل از عناصر و روابط که در زیربنای گفته‌ها قرار دارد.»^۷ این نظام دانش یا آگاهی انسان است که بالقوه وجود دارد و چون به مرحله اجرا گذاشته شود و به صورت بالفعل درآید به آن «گفتار» گفته می‌شود که بیشتر جنبه فردی دارد. اما چامسکی^۸ در کتاب «ساخت‌های نحوی»^۹ زبان را اینگونه تعریف می‌کند: «زبان مجموعه‌ای است از جملات محدود یا نامحدود که هر کدام از نظر طول محدود، و از مجموعه عناصر محدود ساخته شده است.»^{۱۰} به علاوه چامسکی در نظریه «زایا گشتاری»^{۱۱} اصطلاح توانش زبانی^{۱۲} را به جای «زبان» سوسور بکار می‌برد. توانش، دانش ناآگاهانه انسان است. و وقتی کسی زبانی را می‌آموزد، مجموعه محدودی از قواعد را یاد می‌گیرد و باید بتواند آنها را بیان کند، یعنی درباره آنها دانش آگاهانه داشته باشد، در بعضی رفتارهای انسان مانند راه رفتن نیاز به دانش آگاهانه نیست براساس دانش توانش زبانی شخص جملات درست را از نادرست تمیز می‌دهد و ابهام جملات را مشخص می‌کند. توانش زبانی در مقابل کنش زبانی^{۱۳} قرار می‌گیرد که به گفتار منجر می‌شود.

به نظر کت فورد^{۱۴} «زبان، نوعی رفتار طرح دار»^{۱۵} انسانی است، به عبارت دیگر، شیوه‌ای و شاید هم مهمترین شیوه‌ای است که انسان‌ها به مدد آن، در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. رفتار زبانی در نوعی فعالیت فیزیکی «پیام دهنده»^{۱۶} تجسم می‌یابد و حداقل وجود «مخاطبی»^{۱۷} را در همان موقعیت مفروض می‌داند.

۵-۲- ماهیت زبان شناسی

بدیهی است با وجود تعاریف متعدد از زبان، تبیین مفهوم زبان شناسی نیز دشوار است. زبان شناسی مطالعه علمی زبان است. در اینجا تعریف دیوید کریستال^{۱۸} به خاطر کلیت و جامعیت آن

نقل می‌شود: « زبان شناسی به یک سری اصول نظری هماهنگ، طبقه بندیهای توصیفی و روش‌های تجزیه و تحلیل گفته می‌شود که توان تعریف زبان به عنوان یک پدیده، شناسایی علائم مشخصه هریک از زبان‌های دنیا و توجیه تغییراتی را که به هنگام کاربرد زبان پیش می‌آید، داشته باشد.»^{۱۹} (دیوید کریستال، ۱۹۸۱)

با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها درخصوص پدیده زبان، حوزه زبان شناسی به شاخه‌های متفاوتی تقسیم می‌شود. البته نمی‌توان خط مرزی بین حوزه‌ها ترسیم کرد و آنها را کاملاً متمایز از یکدیگر دانست. اولین تمایز تقسیم بندی آن به دو حوزه «زبان شناسی عمومی یا نظری»^{۲۰} و «زبان شناسی توصیفی»^{۲۱} است. بنابه نظر سوسور مطالعات زبانشناختی را از نظر زمانی هم می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد. زبان شناسی در زمانی یا «پویا»^{۲۲} و زبان شناسی همزمانی یا «ایستا»^{۲۳} سومین تقسیم در این حوزه عبارت است از حوزه زبان شناسی نظری^{۲۴} یا محض و حوزه زبان شناسی کاربردی^{۲۵}، فرایند ترجمه در حوزه زبان شناسی کاربردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا ضرورت دارد که به دو مقوله زبان شناسی نظری و کاربردی اشاره شود.

لاینز زبان شناسی نظری را «مطالعه زبان به منظور ارائه نظریه درباره ساخت و نقش زبان و بدون توجه به کاربردهای عملی که تحقیقات زبانی ممکن است داشته باشد»^{۲۶} تعریف می‌کند. در مورد تعریف دقیق زبان شناسی کاربردی اتفاق نظر وجود ندارد. در هر صورت زبانشناسی کاربردی را کاربرد اصول و یافته‌های زبانشناسی در مباحث علمی تعریف کرده‌اند. زبان شناسی کاربردی یک فعالیت است و نه یک تحقیق نظری. در این فعالیت از نتایج نظریه‌ها و یافته‌های زبانشناسی برای روشن شدن مسائل زبانی که در سایر حوزه‌ها وجود دارد، استفاده می‌شود. «گالیسون دومشخصه عمل گرایی و گزینشگری را وجه تمایز زبانشناسی کاربردی از زبانشناسی همگانی می‌داند. وی زبانشناسی کاربردی را به دو شاخه تقسیم می‌کند. یکی کاربرد زبانشناسی در ترجمه و دیگری کاربرد آن در آموزش زبانهای بیگانه»^{۲۷} به علاوه باتوجه به اعتقاد کت فورد هر نظریه ترجمه باید بر بنیاد یک نظریه زبانی - نظریه همگانی زبان استوار باشد.^{۲۸}

۵-۳- نظریه همگانی زبان

نظریه زیان‌شناسی همگانی طرز کار زبان را توصیف می‌کند. «این نظریه به طرح مقولاتی می‌پردازد که از تعمیم‌های مبتنی بر مشاهده زبان و رویدادهای زبانی استنتاج شده‌اند. این مقولات را می‌توان به نوبه خود برای توصیف هر زبان خاصی به کار گرفت.»^{۲۹}

تمایز ساختاری زبان‌های مختلف جهان، دال بر عدم وجود اشتراکات زبانی نیست. بلکه وجوه اشتراک نیز میان زبان‌ها وجود دارد. برپایه نظریه همگانی زبان این اعتقاد وجود دارد که «اصول آن بر کلیه زبان‌های جهان قابل انطباق است و تا زمانی که زبانی یافت نشود که خلاف این ادعا را ثابت کند باید عمومیت آن را پذیرفت. ولی تنها یک نظریه عمومی زبان وجود ندارد. در حال حاضر نظریه‌های عمومی زیادی راجع به طبیعت زبان وجود دارد که هر یک کم و بیش طرفدارانی دارد.»^{۳۰} به طور کلی می‌توان گفت نظریه عمومی یا همگانی زبان، یعنی این که زبان به طور مطلق چگونه کار می‌کند؟

۵-۴- تعریف ترجمه از دیدگاه زیان‌شناسی

مشهود است که با توجه به تنوع نظرگاههای زیان‌شناختی و وجود تعاریف مختلف در این حوزه ارائه تعریفی دقیق، روشن و فنی از پدیده ترجمه چندان سهل نیست. بیشتر تعاریف موجود هم، آنقدر کلی و نظری است که گره‌ای را نمی‌گشاید. در جهت نیل به مقصد به چند تعریف اشاره می‌شود.

رابین در تعریف ترجمه می‌گوید: «ترجمه را می‌توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست. براساس چنین تعریفی باید در ترجمه به دو عامل متمایز از یکدیگر اشاره کرد: نخست معنی یا آنچه در جهان خارج بدان به عنوان نوعی واقعیت اشاره می‌شود و دوم گوناگونی زبان‌ها در بیان آن واقعیت. به علاوه انتقال معنی در هر زبان از طریق نشانه‌های صوتی و خطی انجام می‌پذیرد.»^{۳۱} اگر زبان مبدأ^{۳۲} را با نشانه S و زبان مقصد را با نشانه C نشان دهیم، ترجمه فرایندی است که در آن انتقال معنی از S به C از طریق مأخذ واحد (Translator) صورت می‌گیرد.

یوجین نایدا، زبان شناس و نظریه پرداز ترجمه در تعریف ترجمه می گوید: «ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیک ترین معادل طبیعی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک.»^{۳۴}

اما لطفی پور ساعدی با توجه به ماهیت فرایند سخن در چارچوب نظریه سخن کاوی و متن کاوی^{۳۵} ترجمه را اینگونه تعریف می کند: «ترجمه عبارت است از فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین سازی خود زمینه ای را فراهم بیاورد که در آن نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند.»^{۳۷}

کت فوردر بر پایه نظریه همگانی زبان در طرح نظریه ترجمه به نوع خاصی از رابطه متقابل زبان ها می پردازد. در دیدگاه او ترجمه شاخه ای از زبان شناسی تطبیقی است. از این دیدگاه در تعادل ترجمه ای^{۳۸} میان زبان ها با لهجه هائی - اعم از «خویشاوند» یا غیر «خویشاوند» و با هر نوع رابطه مکانی، زمانی، اجتماعی و جز آن - برقرار می شود و فرایند ترجمه به انجام می رسد. ترجمه به عنوان یک فرایند، همیشه یک سویه است یعنی از جهت زبان مبدأ به زبان مقصد. بنابراین ترجمه را این گونه می توان تعریف کرد.»^{۳۹}

«ترجمه فرایندی است که طی آن مواد متنی زبان مبدأ جای خود را به مواد متنی معادلش در زبان مقصد می دهد.»^{۴۰}

منظور از تعادل متنی این است که متن زبان مقصد یا بخشی از آن معادل تمام یا بخشی از متن زبان مبدأ قرار می گیرد. انجام چنین تعادلی بستگی به تعادل در اجزای تعادل دارد. اجزای تعادل عبارتند از: «واژگان، ساختار، بافتار، معنای جمله - معنای کلام، گونه های زبانی پیش تصورات، تأثیر ادراکی و تأثیر ادبی»^{۴۱} تحلیل این اجزا را به بعد وا می گذاریم، اما در تعریف کلی ترجمه باید گفت: ترجمه یعنی ارائه مجدد عناصر سخن زبان مبدأ در زبان مقصد که بر پایه تعادل صورت می گیرد و چون در حوزه مواد متنسی تطابق یک به یک میسر نیست، تعادل نسبی خواهد بود.

۵-۵- تعریف ترجمه ادبی

با توجه به ضرورت ارتباط ملتها و فرهنگها و نیاز به انتقال اندیشه ها می توان گفت که پدیده ترجمه با انتقال فرهنگ و معرفت بشری از زبانی به زبان دیگر، بخشی یا بخشهایی از دانش و فرهنگ در زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می کند، اما این فرایند، فرایندی پیچیده است، به ویژه در حوزه ادبیات. این است که پیتر بوش «ترجمه ادبی را فعالیتی ذهنی می داند که در بطن شبکه ای پیچیده از جریانهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.»^{۴۲}

سخن پیتر بوش درست است چون که مترجم ادبی، نه تنها با عناصر صوری دو زبان، بلکه با مقولات فرهنگ، مردم شناسی، و معاشناسی سروکار دارد. به علاوه تنوع حوزه های ادبی از جمله شعر، داستان، نمایشنامه و... سبکهای ادبی مختلف در حوزه های زبانی زبان مبدأ و مقصد فرایند ترجمه را با معضل روبه رو می کند. بنابراین «ترجمه ادبی، فرایندی بی نهایت اجتماعی و آمیخته با فرهنگ است و مترجم نقش مهمی در مجموعه پیچیده تبادلات ایفا می کند.»^{۴۳} در نتیجه چون باید گفت که در ترجمه ادبی، علاوه بر تطبیق صوری^{۴۴} مترجم به عناصر معنایی چون: بافت زبانی^{۴۵}، هم معنایی و چند معنایی، شمول معنایی^{۴۶}، تضاد معنایی و ...، همچنین مقولات فرهنگ، مردم شناسی و سبک نظر دارد، از این نظر فرایند ترجمه ادبی فرایندی دشوار و پیچیده است. پس این سخن نیومارک^{۴۷} را بپذیریم که:

« ترجمه عبارت است از انتقال معنای متنی از زبانی به زبانی دیگر برای مخاطبی دیگر و به دقیق ترین و دلنشین ترین وجه ممکن.»^{۴۸}

۵-۶- تعریف ترجمه ادبیات کودکان

ادبیات کودکان و نوجوانان نوشته ها و سروده هایی هستند که نه تنها جنبه ادبی و هنری دارند بلکه برپایه دانش پایه و زبان پایه کودک و نوجوان آفریده می شوند.

مطالعات روانشناختی زبان^{۴۹} نشان می دهد که علیرغم پیچیدگی نظام زبانی، کودک زبان را با سهولت و سرعت فرا می گیرد. و این مهم در محیط زبانی تحقق پیدا می کند. با این حال یکی از ویژگیهای زبان آموزی کودک جنبه جهانی آن است. بدین ترتیب که کودکان در سرتاسر جهان،

قطع نظر از جامعه، فرهنگ و نحوه پرورش متفاوت در زبان آموزی از الگوی ثابتی پیروی می‌کنند. برای مثال کودکان در تمام جهان معمولاً بین ۱۰ تا ۱۲ ماهگی اولین کلمات را بر زبان می‌آورند. برغم جنبه‌های همگانی زبان در زبان آموزی کودک رشد زبانی او همانند سایر جنبه‌های رشد، متأثر از محیط زبانی، آموزشی و رفتاری است. این است که، حتی کودکانی که در یک جامعه زبانی متولد می‌شوند، تفاوتی ولو اندک در دانش زبانی و آگاهی آنها وجود دارد.

بدیهی است با توجه به تفاوت ساختاری زبانها، تفاوت فرهنگی محیط‌های زبانی، تمایزات اجتماعی و تربیتی، دانش پایه و زبان پایه کودکان در محیط‌های زبانی دارای تفاوت مشهود است. و لذا فرایند ترجمه در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان با معضل مخاطب شناسی، ایجاد تعادل (به ویژه در حوزه واژگانی و نحوی، و پدیده القاء فرهنگی) مواجه است.

ترجمه ادبی نمودی منحصر به فرد از نوشته خلاق است. تعبیری جدید از متن زبان مبدأ در زبان و فرهنگ زبان مقصد است. از آنچه گفته شد برمی آید که ترجمه ادبیات کودکان تعریفی صریح و متقن ندارد. با این حال می‌توان ترجمه ادبیات کودکان را بطور نسبی این گونه تعریف و تبیین کرد:

ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی، از مخاطب اصلی و مخاطب مقصد، که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، برگردان متن برپایه دانش زبانی مخاطب و با توجه به جنبه‌های زیباشناختی اثر صورت می‌گیرد.

پی نوشت ها:

۱. حریری، ناصر. یک گفت و گو با نجف دریابندری. تهران: نشر کارنامه: ۱۳۷۶، ص ۱۹.
2. General linguistic theory.
3. Bloch and Trager.
4. Outline of linguistic Analysis.
5. John Lyons. **Language and linguistics**. New York: Cambridge university press, 1984. P4.
6. Ferdinand de saussure.

۷. باطنی، محمدرضا. زبان شناسی جدید. تهران: آگاه، ۶۳، ص ۲۳.

8. Noam chomsky.
9. Syntatic structures.
۱۰. لاینز، همانجا، ص ۷.
11. Genrative transformational.
12. Linguistic comperence.
13. Linguistic performance.
14. Jc. Katford.
15. Patterned.
16. Performer.
17. Adresse.
18. David crystal.
۱۹. صادقیان، جلیل. زبانشناسی و زبانشناسی کاربردی. تهران: مجله زبانشناسی، ش اول و دوم، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.
20. General linguistics or theoretical linguistics.
21. Descriptive linguistics.
22. Diachronic linguistics or dynamic...
23. Synchronic linguistics or static...
24. Theoretical linguistics or static...
25. Applied linguistics.
۲۶. لاینز، همانجا، ص ۳۵.
۲۷. ساغروانیان، سیدجلیل. فرهنگ اصطلاحات زبانشناسی. مشهد: نشر نیما، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷.
۲۸. کت فورد، جی سی. نظریه ترجمه از دیدگاه زبان شناسی. ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰، ص ۱۳.
۲۹. کتب فورد، همانجا، ص ۱۳.
۳۰. باطنی، محمدرضا. توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۱۳.
۳۱. رابین.س. ترجمه از دیدگاه زبان شناسی. ترجمه: پرویز بیرجندی، فصلنامه ترجمه ۲، ۱۳۶۵، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ص ۵۲.
32. Source language.
33. Cible language.



۳۴. لطفی پور ساعدی، کاظم. درآمدی به اصول و روش ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۶۶.

35. Discours analysis.

36. Text analysis.

۳۷. لطفی پور، ساعدی. همانجا، ص ۶۹.

38. Translation equivalene.

۳۹. کت فورد، همانجا، ص ۴۲.

40. Textual material.

41. Vocabulary. Structure, texture, sentence meaning vs utterance meaning, language varities, presupositions, cognitive effect, Aesthestic effect.

۴۲. پیتر بوش. ترجمه ادبی چیست؟ ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم. روزنامه قدس: ش ۳۹۶۳، ص ۱۵.

۴۳. پیتر بوش. همانجا.

44. Formal correspondence.

45. Linguistic contexct.

46. Hyponymy.

47. Peter, New Mark.

۴۸. گفتگو با پیتر نیومارک. مجله مترجم. ش ۲۹، سال ۷۸، ص ۱۸.

49. Language psychological studies.

فصل ششم

تحلیل مشکلات ترجمه از دیدگاه زبانشناسی

۶-۱- مشکلات ترجمه در گذشته

نیاز بشر به بهره‌وری از دست‌یافته‌های بشری در حوزه‌های مختلف فرهنگی و زبانی پدیده‌ی ترجمه را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرد. ترجمه انتقال فرهنگ و معرفت بشری از زبانی به زبان دیگر است. ترجمه افق‌های تازه‌ای را به سوی جهان علم و معرفت و اندیشه بشری می‌گشاید. با توجه به چنین اهمیتی است که مسأله ترجمه نقش اساسی در ارتباط فرهنگی و زبانی ملل گوناگون داشته است، و با توجه به اهمیت نقش ترجمه در ارتباطات جهانی و رشد و تکامل جوامع، موضوع ترجمه و معضلات آن از دیرباز ذهن متخصصان و دانشوران را به خود مشغول داشته است و بعضاً به طرح مشکلات پرداخته‌اند؛ از جمله: در جهان اسلام، در عهد بنی عباس و دوران نهضت ترجمه، مترجمان و اهل دانش به چند مشکل اساسی در ترجمه اشاره دارند:

الف) عدم تسلط مترجم:

در دوران اسلامی علاوه بر مترجمان زبده که از مسائل مختلف ترجمه آگاهی داشته و ترجمه‌های خوبی را از خود به جای گذاشتند، مترجمانی هم بودند که به دلیل عدم تسلط، به ویژه در زمینه‌های زبان و علمی به ترجمه تحت اللفظی و تحریف آثار پرداختند. «ابن سینا می‌گوید: من کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را چهل بار خواندم و نفهمیدم تا آن که شرح مابعدالطبیعه فارابی بدستم افتاد، و آن را دریافتم. احتمالاً عدم درک ابن سینا از کتاب به دلیل ترجمه آن است و الا کتاب ارسطو آنقدر هم دشوار نیست.»^۱

ب) عدم تسلط به موضوع:

عدم تسلط مترجمان به علمی که از زبان دیگری ترجمه می‌کردند موجب ترجمه‌های نامفهوم و نارسا می‌شد. مؤلفان رسائل اخوان الصفا می‌گویند: «فروریوس صوری کتابی ساخت و آن را ایساغوجی، یعنی مدخل به صناعت منطق فلسفی نام نهاد ولی از جهت آن که آنان خطب را در آن طولانی کرده‌اند و کسانی آن کتاب را از زبانی به زبان دیگر نقل کرده‌اند که آگاه به زبان و معانی و مفاهیم آن نبوده‌اند فهم آن کتاب بر خوانندگان و دریافت آن بر دانشجویان دشوار گشته است.»^۲

ج) افراط و مبالغه:

دربه کاربرد کلمات و الفاظ یونانی برای مثال، در کتاب الاعلام بمناقب الاسلام از ابوالحسن عامری نیشابوری آمده است: علوم فلسفی چهار نوع است: اول ارثماطیقی که شناخت ماهیت عدد است، دوم جومطریا که آن هندسه است، سوم اسطرنومیا که آن نجوم است، و چهارم موسیقی.»^۳

۶-۲- مشکلات زبانشناختی ترجمه:

زبانها، در عین حال که در بنیاد و اساس از قواعد جهان شمول^۴ برخوردارند، در نظام آوایی، نحوی و ارتباط معنایی و دیگر نظامهای زبانی ویژگیهای خاص خود را دارند، و چون ترجمه فرایندی است که بر پایه تعادل و تطبیق از زبان مبدأ به مقصد صورت می‌گیرد، انجام چنین فرایندی چندان ساده نیست. با این حال مطالعه فرایند ترجمه در قلمرو زبانشناسی مقابله ای^۵ قرار می‌گیرد که خود شاخه ای از زبانشناسی کاربردی^۶ است. «اما در مطالعات ترجمه در حوزه زبان شناسی مقابله ای روشهای اولیه در این زمینه تنها سیستم‌های صوری و مجازی از قبیل واج‌ها، تکواژها و به ویژه نحو را مورد مقابله قرار می‌دادند. (کت فورد، ۱۹۶۵).»^۷

دایره چنین مطالعاتی به سطوح ساختاری زبان از قبیل واج شناسی، تکواژشناسی و نحو محدود می‌شود. دبوگراند^۸ در این زمینه می‌گوید: «قلمرو اصلی مطالعات ترجمه، زبانشناسی

مقابله‌ای می‌باشد. روشهای اولیه در این زمینه تنها سیستم‌های صوری و مجازی از قبیل واج‌ها، تکواژها و به ویژه نحو را مورد مقابله قرار می‌دادند. چنین بینشی تفاوت‌های صوری را چنان مورد تأکید قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد ترجمه نمی‌تواند پایه نظری صحیحی داشته باشد. (دیوگراند، ۱۹۸۰).^۹ هارتمن نظیر دیوگراند معتقد است که قلمرو اصلی مطالعات ترجمه زبان‌شناسی مقابله‌ای است متنها و ی چارچوبی جامع و فراتر از سیستم‌های صوری متداول را برای چنین مطالعاتی لازم می‌داند (هارتمن، ۱۹۸۰) «ترجمه باید بر پایه تحلیل مقابله‌ای متون و سخن در دو زبان مبدأ و مقصد استوار باشد.»^{۱۰} و لذا در این بخش عوامل تعادل مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

مقصود از تعادل متنی این است که هر متنی از زبان مقصد یا بخشی از آن بتواند به عنوان معادل تمام یا بخشی از زبان مبدأ قرار گیرد. برای مثال: او معلم خوبی است: (He is a teacher). به علاوه در بحث تعادل، تطبیق صوری نیز انجام می‌گیرد و «غرض از تطبیق صوری مقوله‌ای از زبان مقصد است که حتی الامکان در اقتصاد زبان، همان مکانی را اشغال می‌کند که مقوله معینی از زبان مبدأ در زبان خودش»^{۱۱} برای مثال دو جمله ذیل در زبانهای فرانسه و انگلیسی:

Quelle heure est-il

What time is it?

واضح است که چنین تطبیقی در تمام جملات زبان میسر نیست. و تطبیق صوری مقوله‌ای نسبی است. به علاوه عوامل درون متنی و برون متنی در تطبیق اثر گذارند. در اینجا به چند جزء از اجزای تعادل اشاره می‌شود.

۶-۲-۱- تعادل واژگانی:

«مقصود از تعادل واژگانی تعیین معادل برای واحدهای لغوی نیست بلکه باید برای ارزش ارتباطی واحدهای لغوی زبان مبدأ معادل تعیین شود و برای چنین کاری باید کلیه عوامل حاکم بر فرایند سخن در نظر گرفته شود.»^{۱۲} بعضی عوامل را بررسی می‌کنیم.

۶-۲-۱-۱- دیدگاه هم معنایی:^{۱۳}

از دیدگاه زیانسناسی برقراری تعادل بین دو عنصر واژگانی و به اصطلاح مترادف ممکن نیست چرا که منظور از هم معنایی یا مترادف این است که در جملات یک زبان بتوان واژه الف را به جای واژه ب قرار داد، بدون این که در معنی کوچکترین تغییر صورت بگیرد. اما به دلایل ذیل چنین امری میسر نیست.

الف) گروهی از واژگان هم معنی متعلق به گونه‌های خاص زبانی هستند. برای مثال واژه Fall در ایالات متحده استفاده می‌شود در حالی که در انگلستان واژه autumn را استفاده می‌کنند.^{۱۴}

ب) تمایز سبکی واژگان: چند واژه ممکن است در سبک‌ها یا کاربردهای مختلف هم معنی باشند. برای مثال (of study) را می‌توان «درباره مطالعه» ترجمه کرد. اما همین واژگان وقتی عنوان مقاله فرانسیس بیکن قرار می‌گیرد شاید بهتر باشد که در باب مطالعه یا «اندر مطالعه» ترجمه شود. یا صورتهای مختلف man. Gentleman و chap که هر کدام درجه احترام و رسمیت را نشان می‌دهند.

ج) تمایز واژگان از نظر بار عاطفی: بعضی واژگان بار عاطفی یا سنجش معنایی متفاوتی دارند. برای مثال: رشید/دراز/دبلاق. دولتمرد/سیاست باز، نهان/مخفی، صرفه جو/مقتصد، خسیس.

د) محدودیت، هم نشینی^{۱۵} واژه‌ها با یکدیگر: بعضی واژه‌ها از نظر هم نشینی با واژه‌های دیگر در محدودیتند. برای مثال: هم نشینی واژه مهمان با واژه‌های خانه، منزل و سرا. که می‌توان از آن واژه‌های (مهمانخانه) و (مهمان سرا) را ساخت اما (مهمان منزل) صورت درستی نخواهد بود. یا در زبان انگلیسی واژه (rancid) به معنی «فاسد» تنها در ارتباط باگوشت خوک و کره بکار می‌رود. در حالی که واژه addled به همین معنی «فاسد» فقط در مورد تخم مرغ بکار می‌رود.

ه) «به نظر پالمر ممکن است معنی بعضی واژه‌ها نزدیک به هم یا بر روی هم قرار گیرند. به این ترتیب این واژه‌ها در مفهومی سست در هم معنایی با یکدیگرند.»^{۱۶} برای مثال برای صفت «بالغ»، «بحد رشد رسیده»، «جاافتاده»، «کامل» و شایسته بکار می‌رود.

۶-۲-۱-۲- تقابل معنایی:^{۱۷}

وقتی واژه ها در تقابل یا تضاد معنایی^{۱۸} با واژه دیگر قرار می گیرند، از نظر هم معنایی متفاوتند. «برای مثال: واژه Superficial در مقابل deep و Profound قرار می گیرد. اما از Shallow تنها می توانیم در تضاد با deep استفاده کنیم»^{۱۹}

بنابراین به نظر پالمر دو واژه باصطلاح مترادف ممکن است از نظر یکی از جنبه های لهجه ای، سیاق، سبکی، احساس یا انفعالی، همایشی و تقابلی با هم اختلاف داشته باشند.

۶-۲-۱-۳- چند معنایی^{۲۰} و تشابه^{۲۱}

چندمعنایی عبارت است از این که واژه واحد از چند معنی برخوردار است. برای مثال «good» به معنی خوب، سودمند، معتبر، موجه و نسبتاً زیاد بکار می رود و یا برای واژه «neck» معانی «گردن، تنگه، یقه پیراهن» و در ساز به معنی «دسته» آمده است، و واژه «bank» به معنی ساحل رودخانه، یا بانک (محل معاملات پولی) بکار می رود. واژگانی هستند که معانی بی شماری دارند و تشخیص هر معنی از دیگر معنی میسر نیست. به اعتقاد پالمر: «ما قادر به تشخیص همسانی یا چندسانی معانی یک واژه نیستیم. چون که هر معنی را نمی توان از معانی دیگر کاملاً متمایز و مشخص ساخت. برای مثال واژه «خوردن» را در نظر بگیرید در فرهنگ لغت در مقابل این واژه معنی تحت اللفظی «بلعیدن» و معانی اشتقاقی «مصرف کردن» و «پوسیدن» را بدست می دهد. اما میان خوردن آش و خوردن گوشت تفاوت وجود دارد. می توانیم بگوئیم «آش را نوشیدیم» اما برنج را خوردیم»^{۲۲} بنابراین «خوردن» از معنی گسترده تری برخوردار است.

مشکل دیگر در ارتباط با معانی واژگان، مسأله تشابه است. کلمات متشابه کلماتی هستند که ساخت آوایی یکسان اما معانی متفاوت دارند. مانند «Qaza» در فارسی که به صورت غذا، قضا و غزا نوشته می شود. و در انگلیسی واژه های site و sight یا right و rite که واژه های هم آوا هستند. اما دارای معانی متفاوت. همچنین در واژه های Lead به معنی «سرب» و «Lead» به معنی «قلاده» که صورتهای هم نویسه به شمار می روند. بعضی از واژه های هم آوا ممکن است حتی در تضاد

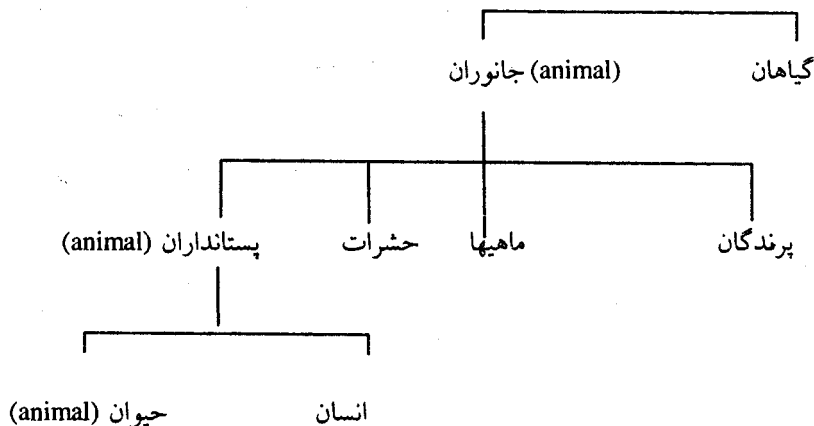
معنایی قرار گیرند. برای مثال raise «برپاکردن» یا raze «ویران کردن» معضل این است که ممکن است مقوله چند معنایی به جای تشابه بکار رود، در حالی که بین این دو تمایز وجود دارد. نتیجه این که وجود هم معنایی و چند معنایی در جملات موجب ابهام می‌شود که در گفتار با توضیحات اضافی مرتفع می‌گردد، اما در نوشتار باقی می‌ماند و مترجم را دچار سردرگمی می‌کند.

۶-۲-۱-۴- شمول معنایی^{۲۳}

شمول معنایی نوعی هم‌آبی در یک طبقه خاص است، به عبارت دیگر معنی یک واژه آنقدر گسترده باشد که یک یا چند واژه دیگر را شامل شود. واژه «حیوان» که واژه‌های شیر، فیل، گوسفند و... را شامل می‌شود. یا واژه «سرخابی» در شمول واژه «قرمز» قرار دارد.

البته تعداد واژه‌هایی که در حوزه شمول معنایی قرار می‌گیرند در زبان بسیار کم است. برای مثال در فارسی واژه «هنرمند» به چندین کار و حرفه اشاره دارد از جمله: نقاش، خوشنویس، موسیقیدان، صنعتگر و... اما در همان حال زبان فاقد واژه‌ای است که معنی تمام رنگها مثلاً «قرمز» «آبی» «سبز» و غیره را دربرداشته باشد.^{۲۴} به نظر پالمر «یک واژه در سلسله مراتب واژه‌های فراگیرنده و مورد شمول چندین جایگاه را اشغال می‌کند. البته در صورتی که از چند معنی متفاوت برخوردار باشد. برای مثال واژه animal را (الف): با «Vegatable» بکار می‌بریم تا انواع پرندگان، ماهیها، حشرات و پستانداران را شامل شود و آنها را از گیاهان متمایز سازد، (ب): در مفهوم پستانداران مورد استفاده قرار می‌دهیم تا در تقابل با پرندگان، ماهیها و حشرات قرار گیرد و انسان و چهارپایان را شامل شود و (ج): در مفهوم چهارپا بکار می‌بریم تا در تقابل با انسان قرار گیرد. بدین ترتیب این واژه در طبقه بندی سلسله مراتب موجودات سلسله موجودات سه جایگاه را اشغال می‌کند.»^{۲۵} که می‌توانیم با نمودار زیر نشان دهیم:

موجودات زنده



از آنجا که شمول معنایی از زبانی تا زبان دیگر فرق می‌کند، تطبیق واژگانی را با مشکل مواجه می‌سازد.

پالمر در حوزه تطبیق معنایی مسایل دیگری چون تضاد معنایی^{۳۶}، تناقض معنایی^{۳۷} و مؤلفه‌های معنایی^{۳۸} را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین در چارچوب معناشناسی ساختاری عوامل سازنده معنی عبارتند از آحاد معنایی^{۳۹} سازنده آن، حوزه لغوی^{۴۰} که در آن قرار دارد و روابط هم نشینی^{۴۱} و جانشینی^{۴۲} که بین آن واژه و سایر واژه‌های زبان حاکم است (لاینز، ۱۹۷۷)^{۴۳} «بنابراین شرایط حاکم بر تعادل واژگانی عبارتند از (الف) معنای ارجاعی^{۴۴} و کلیه آحاد آن، (ب) معنای تجربی^{۴۵} (ج) معنای همایشی^{۴۶} و معنای تقابلی^{۴۷}، بنابراین انتخاب معادل واژگانی بر مبنای شرایط فوق انجام می‌گیرد.

(الف) منظور از معنای ارجاعی این است که آیا واژه مبدأ و معادل ترجمه ای آن هر دو در جهان خارج و فیزیکی دارای مرجع یکسانی هستند یا نه؟ برای مثال book معادل کتاب است اما واژه کتابچه با وجود تشابه معنایی معادل آن نیست. البته لیچ اصطلاح ادراکی^{۴۸} را برای این معنا بکار می‌برد.

مشکلی که در ترجمه بروز می‌کند این است که ممکن است یک کلمه در انگلیسی دارای طیف وسیعتری از معادلش در فارسی باشد و بر عکس.

uncle	[	عمو	aunt	[	عمه
		دایی			خاله
		شوهر خاله			زن دایی
		شوهر عمه			زن عمو

crust incrustation scale flake cortex testa	]	پوسته

ب) معنای تجربی: علاوه بر معنای ارجاعی هر واژه دارای معنی دیگری است که این معنا در واقع تجربه دنیای واقعی است که شخص به یک واژه یا عبارت مربوط می‌سازد. معنای تجربی خاص زبان نیست و در سایر ابزار ارتباطی چون نقاشی و موسیقی وجود دارد. در کلمات تجربی ممکن است کلمه انگلیسی از نظر تجربی نسبت به معادل فارسی طیف وسیعتری را بپوشاند و یا برعکس. «برای مثال کلمه مشهور در مقابل، notorious و famous قرار می‌گیرد که با هم از نظر تجربی فرق دارند. چون دومی معنی منفی دارد.

ج) معنای همایشی: معنای همایشی به روابط بین واژه ها ارتباط دارد «و عبارت است از معنایی که یک واژه در سایه معانی واژه هایی که می‌توانند با آن هم نشینی داشته باشند پیدا می‌کند. برای مثال برابری‌های کلمه «فشرده» در انگلیسی متفاوتند»^{۳۹}

لیموی فشرده: pressed lemon

انار فشرده: squeezed pomgranate

فرهنگ فشرده: concise dictionary

ممکن است دامنه همایش هر یک از دو زبان مبدأ و مقصد متفاوت باشد و در نتیجه ایجاد تعادل را با مشکل مواجه می‌کند و موجب ارائه ترجمه‌های نادرست می‌شود.

(د) معنای تقابلی: تقابل بر پایه روابط جانشینی بین واژه‌ها صورت می‌گیرد و در تعیین معنای واژه تأثیر دارد. بنابراین در انتخاب معادل ترجمه باید مدنظر قرار گیرد. برای مثال در ترجمه واژه انگلیسی mat به فارسی، باید تقابل موجود بین آن واژه و واژه‌هایی نظیر rug و carpet را در نظر بگیرد»^۴

نتیجه این که انتقال معنی در ترجمه حائز اهمیت است. انتقال باید به گونه‌ای صورت بگیرد که بین متن اصلی و ترجمه همانندی (تبادل) وجود داشته باشد. تحقق ایجاد تعادل متنی بین دو زبان مبدأ و مقصد، لزوماً باید برپایه یکی از نظریه‌های معنایی استوار باشد زیرا بنا به نظر «فرث» معنی شبکه کاملی از روابط است»^۵

پی نوشت‌ها:

۱- احمدی، احمد. سخنرانی سمینار مسائل ترجمه. تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی، ۶۴، ص ۶.

۲- محقق، مهدی، نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان در زمان امام رضا(ع). فصلنامه ترجمه، ۲، تهران: جهاد دانشگاهی، علامه طباطبایی، ۱۳۶۵، ص ۳۴.

۳- محقق، مهدی، همان، ص ۳۴.

4- Universal rules.

5- Contrastive Linguistics.

6- Applied linguistics.

۷- کت فورد، جی سی. نظریه ترجمه از دیدگاه زیانشناسی. ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰.

8- De Beaugrande.

- ۹- لطفی پور، ساعدی، کاظم. ویژگی‌های معادل ترجمه‌ای. مجموعه مقالات سمینار مسائل ترجمه، ص ۳۴.
- ۱۰- لطفی پور، ساعدی، همان، ۳۴.
- ۱۱- کت‌فورد، همان، ص ۶۱
- ۱۲- لطفی پور، ساعدی، همان، ص ۳۷.
- 13- synonymy.
- ۱۴- پالمر، فرانک ر. نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۶، ص ۱۰۷.
- 15- collocation.
- ۱۶- پالمر: همان، ص ۱۱۰.
- 17- contrastive meaning.
- 18- antonymy.
- ۱۹- پالمر، همان، ص ۱۱۲.
- 20- polysemy.
- 21- homonymy.
- ۲۲- پالمر، همان، ص ۱۱۷.
- 23- hyponymy.
- ۲۴- پالمر، همان، ص ۱۳۳.
- ۲۵- پالمر، همان، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
- 26- antonymy.
- 27- incompatibility.
- 28- semantic components.
- 29- meaning components.
- 30- lexical field.
- 31- syntagmatic.
- 32- paradigmatic.
- ۳۳- لطفی پور، ساعدی، همان، ص ۳۸.
- 34- Denotative meaning.
- 35- conotative meaning.
- 36- collocational meaning.
- 37- contrastive meaning.
- 38- conceptual.
- ۳۹- لطفی پور، ساعدی، همان، ص ۴۰.

۴۰- لطفی پور، ساعدی، همان، ص ۴۱.

۴۱- کت فور، همان، ص ۶۶.

۶-۳- تحلیل تعادل نحوی^۱

زبان‌شناسان زبان را وسیله ای برای برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم از ذهنی به ذهن دیگر دانسته اند. به علاوه «ساخت سلسله مراتبی زبان»^۲ را به صورت واج، هجا، تکواژ، واژه، گروه و جمله پذیرفته اند. یعنی این که از ترکیب واجها، هجا ساخته می‌شود. از ترکیب هجاها، تکواژ بوجود می‌آید. با ترکیب تکواژها به واژه می‌رسیم و از ترکیب واژه ها، گروه و جمله ساخته می‌شود. اما هیچکدام از اجزای زبان به تنهایی نمی‌توانند نقش رابط بین اذهان را ایفا کنند و بار انتقال مفاهیم به دوش جملات و عبارات زبانی است که خود حاصل پیوند سایر اجزای زبان است. بنابراین در بحث تعادل باید چگونگی «ساخت عبارت» یا «جمله بندی» را مورد بررسی قرار داد. چرا که ترکیب تکواژها در هر زبانی از قواعدی خاص تبعیت می‌کند، مجموعه این قواعد «نحو» نام دارد.

در بررسی جملات زبان در می‌یابیم که هر جمله دارای سه نوع ساخت است: ساخت آوایی^۳، ساخت معنایی^۴ و ساخت نحوی^۵. وقتی جمله ای در زبان بکار می‌رود، در واقع بین آوا و معنی رابطه برقرار می‌شود، که از این سه عنصر آوا رادر حوزه ساخت آوایی، معنی را در حوزه ساخت معنایی و رابطه بین آوا و معنی را در حوزه ساخت نحوی بررسی می‌کنیم.

بنابراین در تعریف «نحو» باید گفت: «نحو به قواعدی گفته می‌شود که از چگونگی همنشینی تکواژها بر روی زنجیره گفتار و ساختن واحدهای بزرگتر گفتگومی کند»^۶

واژه «نحو» ریشه یونانی دارد و به معنی «نظم و ترتیب» است. نحو به بررسی نحوه ترکیب تکواژها و واژه ها و بوجود آمدن ساخت بزرگتر، یعنی جمله می‌پردازد. چامسکی^۷ نحو را «بررسی اصول و فرایندهایی می‌داند که جمله ها در هر زبان خاص براساس آن شناخته می‌شوند»^۸ به علاوه ساخت نحوی زبان، معیاری برای پذیرش یا عدم پذیرش یک جمله است. برای مثال وقتی در فارسی می‌گوئیم: «من رضا را دیدم» این جمله از نظر ساخت دستوری یا نحوی

فارسی قابل قبول است، اما اگر بگوئیم «من من را دیدم» این جمله در ساخت نحوی فارسی قبول نیست. بنابراین اجزای سازنده ساخت در چهارچوب هر ساختی روابط گوناگون برقرار می‌کنند که همگی قانونمند هستند؛ یعنی طبق قاعده میان آن اجزا یا واحدها پدید می‌آیند.

در فرایند ترجمه، معضل مهم پیش روی مترجم، تجزیه تحلیل نحوی ساخت جمله مبدأ و تطبیق آن با ساخت نحوی زبان مقصد است. اما زبانها دارای نحو مشترکی نیستند. زیرا اگر چنین می‌بود و تنها جملات زبان از نظر واژگان اختلاف داشتند، تنها تطبیق واژگانی کفایت می‌کرد.

در حالی که حتی زبانهایی که در خانوادهٔ زبانی،^۱ به اصطلاح خویشاوندند و به آنها زبان خواهر^۲ (همزاد) گفته می‌شود، نیز از نظر نحوی اختلاف دارند. برای مثال دو جمله انگلیسی و فرانسه ذیل:

John doesn't speak French.

John ne parle pas français.

در جمله انگلیسی فعل کمکی منفی پیش از فعل اصلی بکار رفته است، اما در جملهٔ فرانسه کلمات منفی ساز قبل و بعد از فعل اصلی آمده است.

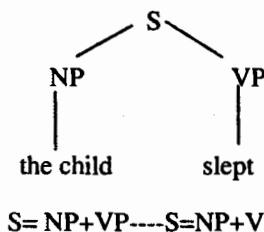
در بحث تطبیق جملات زبانی، تحلیل و مقابله همهٔ الگوهای زبانی میسر نیست، لذا به منظور طرح بحث به بررسی جملات ساده می‌پردازیم. نخست چند الگو از زبان فارسی مطرح می‌شود.

تطبیق چند الگوی زبانی زبان فارسی با انگلیسی:

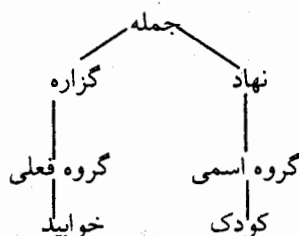
جملات ساده زبان فارسی به دو جزئی، سه جزئی و چهار جزئی تقسیم می‌شوند.

الف) جملات دو جزئی:

The child slept

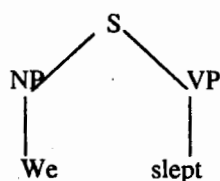


کودک خوابید

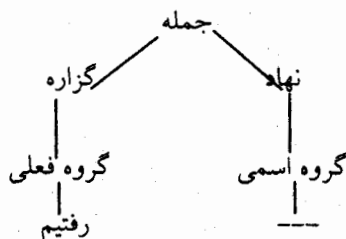


از نظر تعداد عناصر زبانی تفاوتی بین جمله مبدأ (فارسی) و جمله مقصد انگلیسی وجود ندارد. بالاین حال فعل خوابید، در زبان فارسی، فعل لازم است، اما در فرهنگ لغت در مقابل کلمه «sleep» معانی متفاوت و متعددی وجود دارد که بعضاً «متعدی» هستند. برای مثال در صورتی که به معنی «خواباندن» باشد «متعدی» خواهد بود.

در جمله: رفتیم:



$S = NP + V$

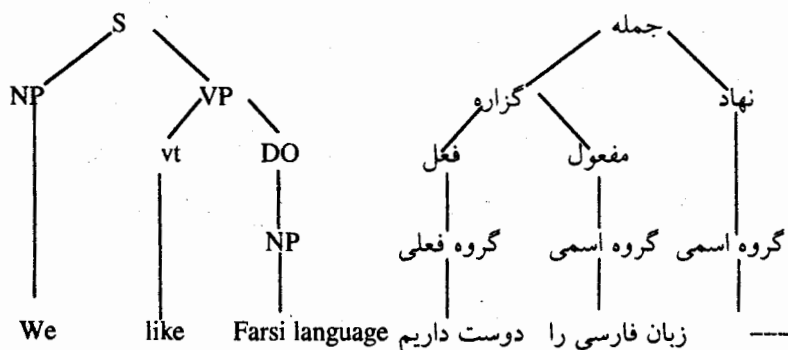


در فارسی شناسه فعل می تواند نهاد اجباری جمله باشد و از ذکر نهاد جداگانه در جمله خودداری نمود، در حالی که در جملات انگلیسی نهاد الزاما در جایگاه نهاد ذکر می شود.

(ب) جمله های سه جزئی:

ب-۱) جمله های سه جزئی با مفعول:

زبان فارسی را دوست داریم. (We like Farsi Language)

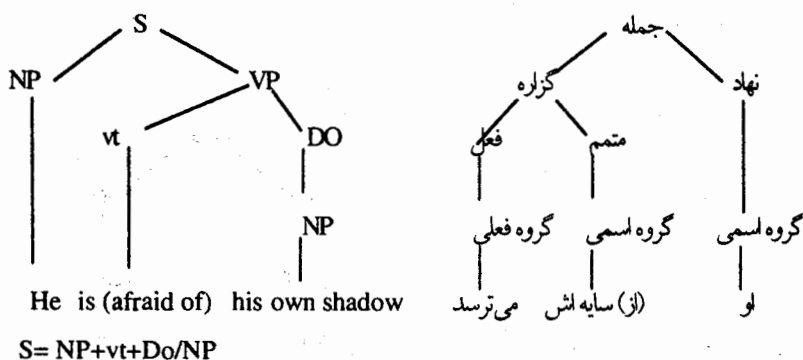


$S = NP + vt + DO/NP$

- در انگلیسی نهاد مستتر وجود ندارد.

- فعل دوست داشتن در فارسی مرکب است اما در انگلیسی فعل like ساده است.
- در انگلیسی نشانه خاصی برای مفعول وجود ندارد، اما در فارسی از نشانه «را» استفاده می‌شود.
- ب-۲) جمله‌های سه جزئی با متمم:

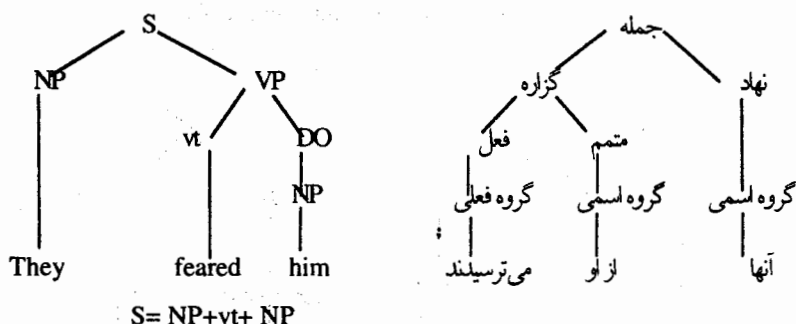
او از سایه اش می‌ترسد (He is afraid of his own shadow)



- ۱- در فارسی فعل ساده است اما در انگلیسی فعل به صورت اصطلاحی بکار می‌رود.
- ۲- در هر دو الگو حرف اضافه جزئی از فعل است اما در فارسی حرف اضافه قبل از اسم (متمم) ذکر می‌شود.

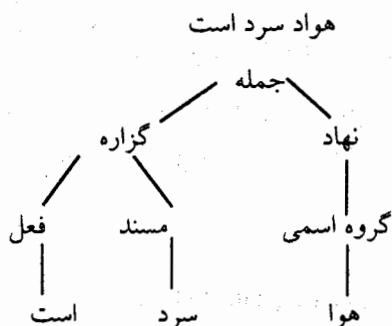
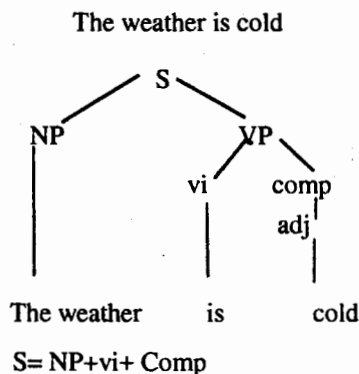
They feared him

آنها از او می‌ترسیدند:



- ۱- در زبان فارسی متمم، همیشه همراه حرف اضافه است، به عبارت دیگر حرف اضافه نقش نمای متمم محسوب می‌شود.
- ۲- در بعضی جملات انگلیسی چنین حرف اضافه ای وجود ندارد.

ب-۳) جمله‌های سه جزئی با مسند:



۱- از نظر تعداد اجزاء بین دو الگو تمایزی وجود ندارد.

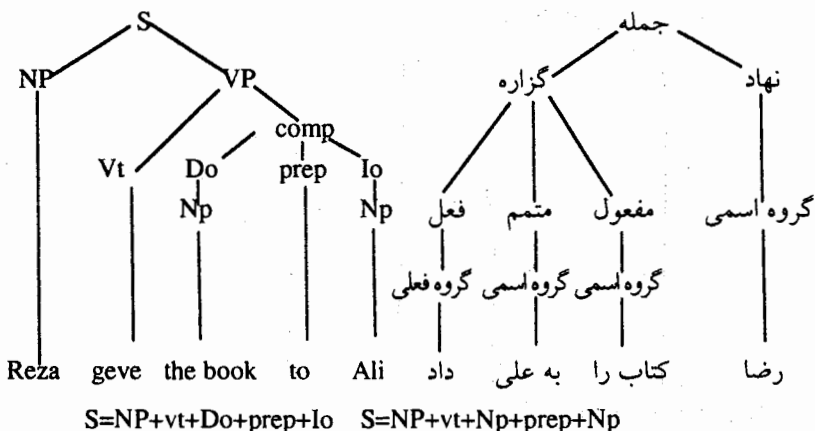
۲- جزئی که در فارسی مکمل جمله اسمیه است «مسند» نامیده می‌شود، اما در انگلیسی این جزء مکمل محسوب می‌گردد. در جمله سه جزئی انگلیسی با مکمل (مسند در فارسی)، در جای مکمل می‌تواند اسم، صفت، ضمیر یا قید بیاید در حالی که در فارسی قید هرگز در جایگاه «مسند» نمی‌نشیند.

ج) جمله‌های چهارجزئی:

الف) جمله‌های چهارجزئی با مفعول و متمم:

Reza gave the book to Ali

رضا کتاب را به علی داد



در نگاه اول، الگوهای مذکور یکسان به نظر می‌رسند، اما تفاوت‌هایی در آنها وجود دارد.

- ۱- متمم فارسی در جمله انگلیسی به عنوان مفعول شناخته شده است.
- ۲- ترتیب عناصر الگوی زبان فارسی معمولاً عوض نمی‌شود اما در ساخت انگلیسی حسب نوع فعل می‌توان جای دو مفعول را عوض کرد و حرف اضافه را حذف نمود (در بخش بعدی تطبیق ساخت جملات انگلیسی یا فارسی این مطلب مورد تحلیل قرار می‌گیرد).

(ب) جمله‌های چهارجزئی با مفعول و مسند:

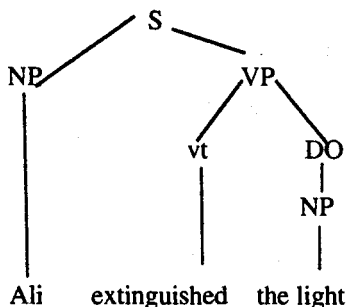
A) Ali extinguished the light.

علی چراغ را خاموش کرد

B) Ali turned off the light.

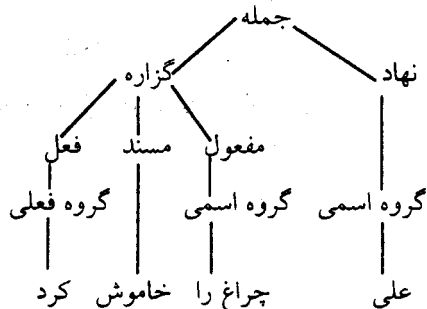
A)

Ali extinguished the light

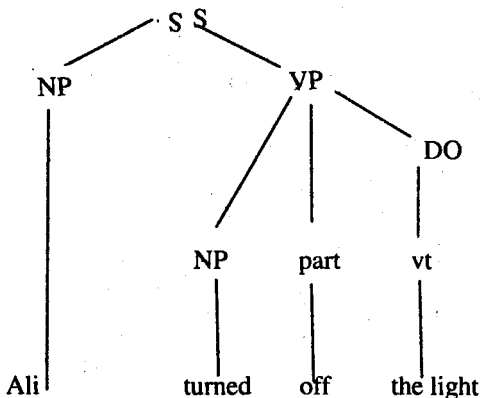


S= NP+vt+Do/NP

علی چراغ را خاموش کرد



B)



S= NP+vt (v+part) + Do/NP

۱- چنانچه در ایجاد تعادل سبکی الگوی (A) را معادل جمله فارسی محسوب کنیم از نظر تعداد عناصر زبانی بین دو الگو تعادل وجود ندارد. جمله فارسی چهار جزئی و انگلیسی سه جزئی خواهد بود.

۲- عنصری به نام مسند در جمله انگلیسی وجود ندارد.

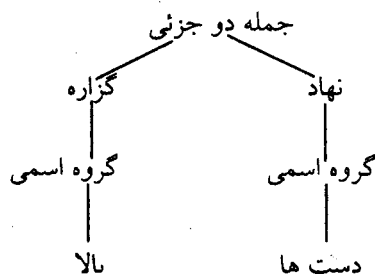
۳- در صورتی که در تعادل سبکی از الگوی (B) استفاده کنیم یعنی از ترکیب (V+particle)، در فارسی چنین ترکیبی وجود ندارد.

علاوه بر اجزایی که برشمردیم همه جمله‌های ساده می‌توانند اجزای دیگری نیز داشته باشند که در توضیح برخی نکات جمله مؤثر واقع شوند. اجزایی از این قبیل، جزء اصلی جمله به حساب نمی‌آیند، زیرا قابل حذف اند و فعل لزوماً به آنها نیازی ندارد.^{۱۱}

برای مثال: رضا از سفر طولانی اصفهان برگشت، که عبارت «از سفر طولانی اصفهان» گروه قیدی است ولی می‌توان آن را حذف کرد.

(د) جمله‌های بی فعل فارسی:

این جمله‌ها از ترکیب «گروه اسمی + گروه اسمی» تشکیل می‌شوند و گزاره جمله فعل ندارد.



عیدتان مبارک، توقف وسایل نقلیه ممنوع، خدانگهدار، سیگارکشیدن ممنوع.

در این گونه جملات که دو جزئی محسوب می‌شوند. در رو ساخت جمله فعل وجود ندارد اما در ژرف ساخت فعل وجود داشته است. بدیهی است در ترجمه این جملات نمی‌توان از روش معادل یابی واژگانی استفاده کرد.

چون که این جملات بیشتر حالت اصطلاحی پیدا کرده اند. به علاوه چون اصطلاحات بار فرهنگی بدنبال دارند، ممکن است معادل اصطلاحی جمله مبدأ، در زبان مقصد وجود نداشته باشد.

happy new year

عیدتان مبارک

در برابر جمله «خدانگهدار» اصطلاحات farewell, goodbye, good -by, so long وجود دارد که با توجه به تمایز در کاربرد این اصطلاحات در زبان انگلیسی مترجم فارسی در انتخاب دقیق واژگان، و برابری نحوی با معضل مواجه می‌شود.

- در جمله‌های توقف ممنوع (توقف وسایل نقلیه ممنوع: No stop! سیگارکشیدن ممنوع: No smoking جمله‌های فارسی دوجزئی و از کلمه ممنوع استفاده شده است، اما این اصطلاحات در انگلیسی با کلمه منفی شروع می‌شود.

همانطور که اشاره شد نمی‌توان همه ساخت‌های فارسی را با انگلیسی مقابله کرد، که حکایت به درازا می‌کشد. غرض اشاره به معضلات برقراری تعادل نحوی در جملات زبان مبدأ و مقصد است.

تطبیق چندالگوی زبان انگلیسی با فارسی:

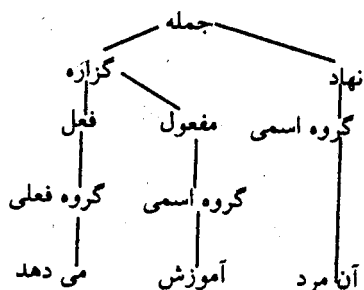
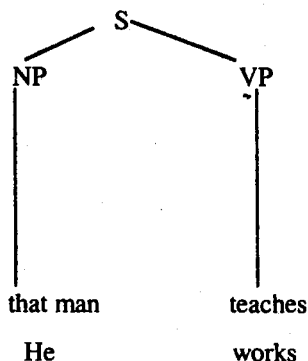
جملات زبان انگلیسی چه ساده باشند و چه مرکب یا پیچیده از چند الگوی اساسی به دست می‌آیند. «ویشن و برل»^۹، الگو را به عنوان الگوی پایه زبان انگلیسی مورد بحث قرار می‌دهند.^{۱۲} در اینجا با طرح الگوهای ساختی و اساسی جملات زبان انگلیسی و تطبیق آنها با ترجمه فارسی، بررسی تعادل نحوی را از زاویه دیگر ادامه می‌دهیم.

That man teaches

الگوی اول آن مرد آموزش می دهد.

He works.

او کار می کند.



S= NP+VP/subj+predicate

۱- فعل «teach» به معنی آموزش دادن در زبان انگلیسی فعل ساده و لازم است و ساخت جمله از ترتیب (عامل + عمل) یا (نهاد + گزاره) تبعیت می کند اما در فارسی در دستور سنتی آموزش دادن فعل مرکب است و در دستور جدید هم «می دهد» به معنی «انجام دادن» بکار رفته و کلمه «آموزش» مفعول جمله محسوب می شود. لذا ساخت نحوی جمله مبدأ و مقصد یکسان نیست.

۲- teach به معنی آموختن، تعلیم دادن، درس دادن، مشق دادن، معلمی کردن و تدریس کردن بکار می رود. که از این جهت فعل متعددی محسوب می شود.

۳- چنانچه معادل فعل فارسی صرفاً لازم باشد، تعادل نحوی انجام پذیرتر خواهد بود. دانشجویان رفتند. (The students went).

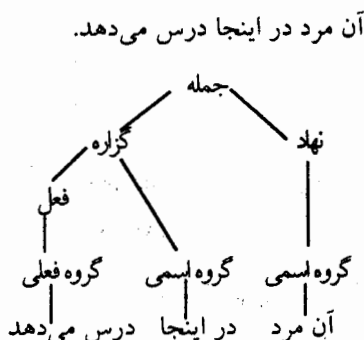
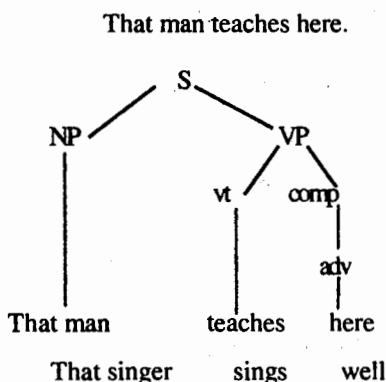
۴- در تطبیق فعلها، تطبیق زمانی نیز ضرورت دارد. اما معضل مهم عدم تطبیق ساخت زمان در زبان مبدأ و مقصد و عدم تطبیق کاربرد زمانهای دو زبان است. برای مثال:

A Letter would have been being written

جمله، مجهول آینده در گذشته استمراری است که ترجمه آن به فارسی بسیار دشوار است. چرا که در گذشته، قرار بوده است عملی در آینده قبل و بعد از زمان تعیین شده انجام بگیرد. آن

گذشته و آن آینده نسبت به گذشته سپری شده است. کننده اصلی کار هم مشخص نیست. بنابراین تطبیق آن با فارسی اگر غیرممکن نباشد آسان نیز نخواهد بود. البته بحث تطبیق و تعادل زمانها خود در حد یک تحقیق مستقل و مفصل است.

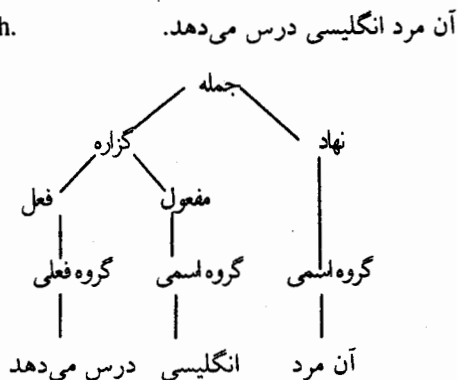
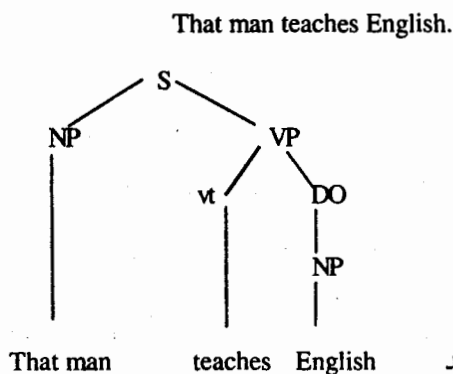
الگوی دوم:



۱- از نظر تعداد اجزاء بین جمله مبدأ و مقصد تعادل وجود دارد.

۲- «teach» فعل ساده است اما «درس می‌دهد» فعل مرکب است.

الگوی سوم:



این الگوها، در دو زبان مبدأ و مقصد قابل تطبیق اند. تنها تفاوت در ساخت فعل است که فعل انگلیسی ساده و فعل فارسی مرکب است.

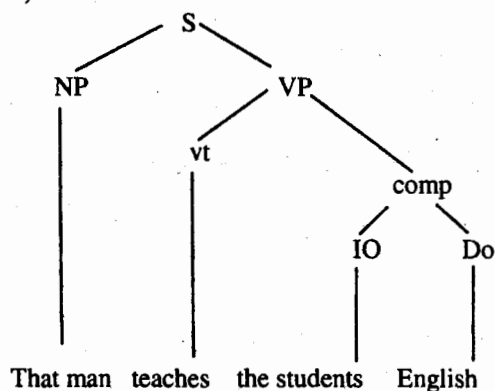
الگوی چهارم:

A) That man teaches English to the students.

B) That man teaches the students English.

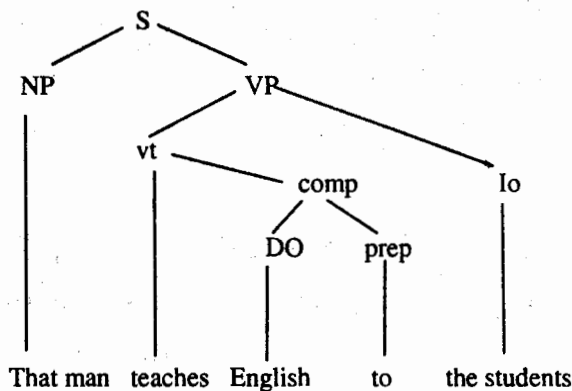
آن مرد به دانشجویان انگلیسی درس می‌دهد.

B)

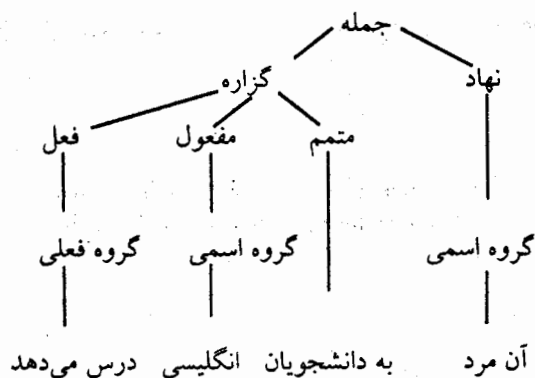


S= NP+vt+Io+Do

A)



S= NP+vt+ Do+prep+Io



- ۱- از نظر تعداد عناصر جمله بین الگوی B و جمله فارسی تعادل وجود دارد. اما الگوی (A) در انگلیسی پنج جزئی و در فارسی چهار جزئی است.
- ۲- الگوهای ساختی جملات با فعل متعدی در زبان انگلیسی دو گونه اند:

A- = NP+Vt+Do+prep+Io

B- = NP+Vt+ Io+ Do

براساس این الگوها فعلهای متعدی به سه دسته تقسیم می‌شوند.

- ۱-۲- گروه اول فعلهایی هستند که می‌توانند در الگو A یا B بکار روند و از نظر معنایی تمایزی ایجاد نمی‌شود. اما در فارسی متمم در جایگاه (IO) قرار داد. جابجایی متمم با مفعول در فارسی انجام پذیر نیست مگر برای تغییر بار معنایی جمله و تأکید بر کلمه «انگلیسی» که در این صورت از معنی جمله مستفاد می‌شود که مرد، انگلیسی درس می‌دهد و نه فارسی یا چیز دیگری. همچنین در انگلیسی افعال خاصی در این دسته قرار می‌گیرند مانند: sell, show, read, teach و ...

- ۲-۲- بعضی افعال فقط در الگوی (B) بکار می‌روند و نمی‌توان همراه آنها حرف اضافه بکار برد. He asked Ali a question (او از علی سوالی پرسید).
- این افعال عبارتند از cost, save, charge و wish و ...

- ۲-۳- اما بعضی افعال صرفاً در الگوی (A) بکار می‌روند. الزاماً حرف اضافه دارند. بعضی از این افعال عبارتند از: introduce, mention, describe, announce و ...

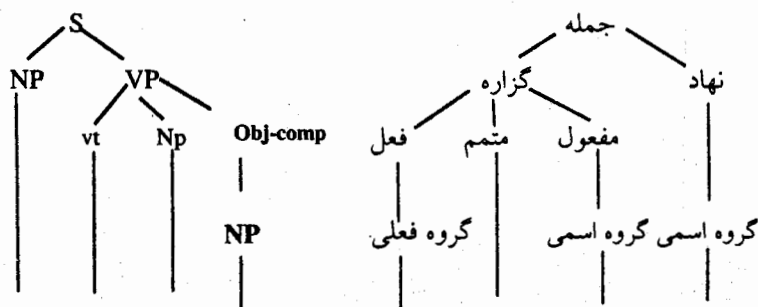
بنابراین در تطبیق جملات با فعل متعدی، توجه به نوع فعل متعدی انگلیسی حائز اهمیت است.

الگوی پنجم:

The class selected Jerry its president.

۱- کلاس جری را به عنوان نماینده اش انتخاب کرد.

A)



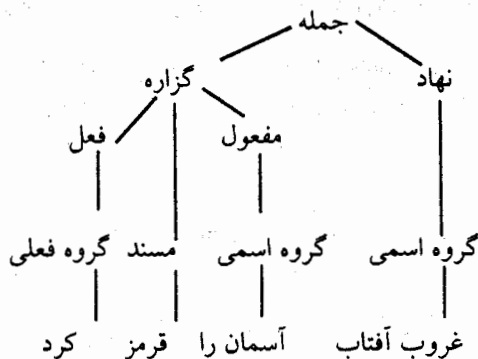
The class selected Jerry its resident کرد

The sunset made the sky red

S= NP+vt+Do+obj-comp

The sunset made the sky red

۲- غروب آفتاب آسمان را قرمز کرد

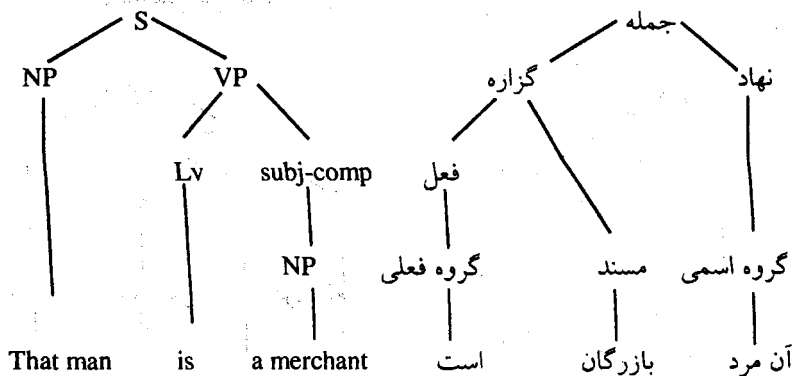


۱- دو جمله در انگلیسی ساخت یکسانی دارند، در فارسی از نظر تعداد اجزاء با انگلیسی همانند هستند اما نوع اجزاء متفاوتند. عبارت «به عنوان «نماینده اش» در فارسی نقش متممی دارد اما در جمله انگلیسی به عنوان (object-complement) استفاده می‌شود.

الگوی ششم:

The man is a merchant.

آن مرد بازرگان است



S= NP+Lv+subj-comp

۱- از نظر تعداد عناصر دو زبان تعادل نسبی وجود دارد.

۲- در جمله فارسی در جایگاه «مسنده» اسم وجود دارد، اما در انگلیسی subject-complement وجود دارد که همراه حرف تعریف است. لذا دو جمله از نظر نوع عناصر ساختی متفاوتند.

الگوی هفتم:

That man is intellingent

آن مرد باهوش است

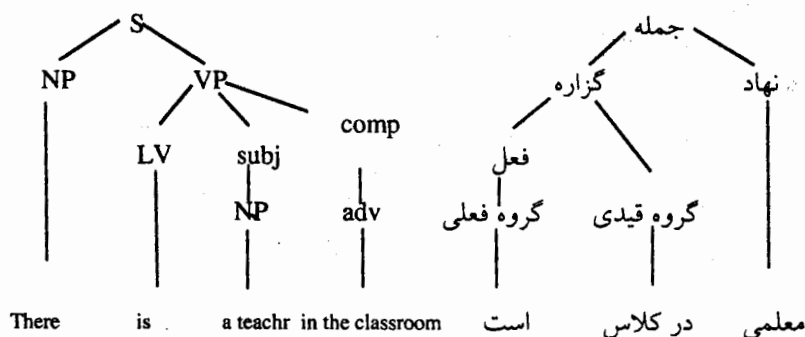
S= NP+Lv+ad

این الگو، الگوی جملات سه جزئی با مسنده فارسی تطبیق می‌کند و در بخش (ب-۳) مورد تحلیل قرار گرفت.

الگوی هشتم:

There is a teacher in the classroom.

علمی در کلاس است.



There + Lv+ subj + adv

۱- جمله انگلیسی در ژرف ساخت به صورت:

(A teacher is in the classroom.) بوده است که از نظر تعداد عناصر ساختی با جمله فارسی

تمایزی ندارد. اما به دلایل دستوری جمله به رو ساخت تبدیل می شود. بین جمله رو ساخت و

جمله فارسی تمایز وجود دارد. چرا که There فاعل ساختگی است و در فارسی وجود ندارد.

۲- کلمه «teacher» اسم فاعل جمله انگلیسی است اما در رو ساخت بعد از فعل ذکر شده است.

۳- پس از اسم فاعل جمله انگلیسی گروه قیدی یا گروه حرف اضافه ذکر می شود اما در

جمله ی فارسی گروه قیدی قبل از فعل می آید.

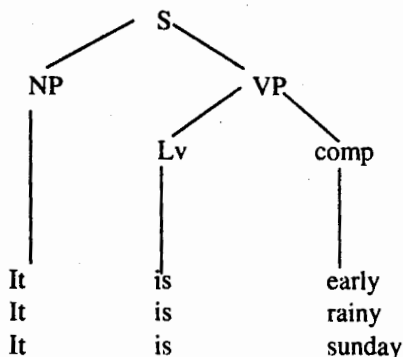
۴- دو امتحان دیروز بود.

There were two exams yesterday.

الگوی نهم:

It is january 10, 1982.

دهم ژوئن ۱۹۸۲ است.



زود است.
بارانی است.
یکشنبه است.

It was before sunrise.

S= NP+LV+adv/daj/noun/prepositional phrase.

۱- در الگوی انگلیسی فاعل ساختگی (It) وجود دارد. اما این قبیل جملات در فارسی در صورتی معنادار خواهند بود که در پاسخی بکار روند. در این صورت هم فاعل به قرینه حذف شده است اما کاربرد جملات به این صورت در فارسی معنادار نیست و جمله فارسی نیاز به فاعل دارد.

نتیجه بحث:

در نتیجه باید گفت: «در فرایند ترجمه عادی، متن زبان مقصد معنای خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، «ارزش‌های» عناصر زبان مقصد تماماً از بطن روابط بافتی و صوری این زبان پدید می‌آیند، ارزش‌های ناشی از روابط بافتی و صوری زبان مبدأ به هیچ وجه به زبان مقصد منتقل نمی‌شود.»^{۱۳} بنابراین در تبیین شرایط تعادل باید گفت:

۱- عناصر زبان مبدأ و مقصد زمانی معادل هم به شمار می‌روند که در موقعیتی معین قابل تعویض باشند.

۲- هم پوشی معنایی داشته باشند. البته این بدان معنا نیست که در زبان مقصد هم معادلهایی هم معنا با عناصر زبان مبدأ انتخاب کنیم بلکه این معادلهای بیشترین هم پوشی ممکن را داشته باشند.

۳- در فرایند ترجمه، ایجاد تعادل نحوی، پس از تعادل واژگانی دومین گام به شمار می‌رود. اما به دلیل تفاوت الگوهای نحوی دو زبان، تعادل نحوی در همه جملات میسر نیست. بنابراین غرض از بحث «تعادل ساختی» یا نحوی در فرایند ترجمه این نیست که مترجمین باید هر عنصر ساختاری «زبان مبدأ» را با عنصر ساختاری مشابه در زبان مقصد جایگزین سازد. چرا که با مقایسه ساخت نحوی جملات فارسی و انگلیسی مشخص شد که:

۳-۱- تعداد عناصر ساختاری زبان مبدأ و مقصد در بیشتر موارد یکسان نیست.

۲-۳- ممکن است به لحاظ نوع عنصر، عنصری در ساخت زبان مبدأ وجود داشته باشد ولی در زبان مقصد وجود نداشته باشد و بالعکس.

۳-۳- ممکن است عناصر ساختاری در زبان مبدأ و مقصد از نظر روابط و ارزش ارتباطی کاملاً مطابقت نداشته باشند.

بنابراین ایجاد تعادل نحوی، همانند تعادل واژگانی و معنایی، امری نسبی است. و دال برنسی بودن پدیده ترجمه.

پی نوشت:

1- Syntactic equivalence.

2- Linguistic hierarchy structure.

3- Phonetic structure.

4- Semantic structure.

5- Syntactic structure.

۶- باقری، مهری. مقدمات زبانشناسی. تهران: نشر قطره، ۷۵، ص ۱۴۵.

7- Noam chomsky.

۸- ساغروانیان، جلیل. فرهنگ اصطلاحات زبانشناسی. مشهد، نیما، ۶۹، ص ۴۵۰.

9- Linguistic family.

10- Sister languages.

۱۱- حق شناس، علی محمد و دیگران. زبان فارسی ۳ و ۴ آموزش متوسطه. تهران: شرکت

کتابهای درسی ایران، ۱۳۷۷، ص ۲۳.

12- Wishon, George E and jullia M Burl. Let's Write English American. Book company. New York. 1988. P. 33.

۱۳- کت فورد، جی سی. نظریه ترجمه از دیدگاه زبانشناسی. ترجمه احمدی صدارتی،

تهران: نشر نی، ۱۳۷۰، ص ۷۷.

فصل هفتم

مشکلات خاص ترجمه ادبیات کودکان

ادبیات کودکان و نوجوانان مجموعه آفریده هایی است که برپایه دانش پایه و سطح خوانایی کودک و نوجوان (دانش زبانی کودک) پدید می آید. در بیان تعریف ترجمه ادبیات کودکان گفته شد که: ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی از مخاطب اصلی و مخاطب مقصد که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، برگردان متن برپایه دانش زبانی مخاطب و با توجه به جنبه های زیباشناختی اثر صورت می گیرد. فرایند شناخت، هم لزوم شناخت کودک است و هم آگاهی از دانش زبانی کودک، به عبارت دیگر شناخت مترجم از مراحل رشد زبانی و سطح خوانایی گروه سنی مخاطب. این است که مهمترین معضل برای مترجم در اینجا بروز می کند. یعنی مشکل انتخاب اثر و معضل مخاطب شناسی اثر، چه در زبان مبدأ و چه در زبان مقصد. بدیهی است که هر اثری در زبان مبدأ برای گروه سنی خاص با دانش پایه و دانش زبانی خاص، فرهنگ خاص و تجربه خاص نوشته شده است، اما مخاطب در زبان مقصد، دانش پایه، دانش زبانی و فرهنگ متفاوتی دارد که باید مورد توجه مترجم قرار گیرد. لذا در فرایند ترجمه ادبیات کودکان، علاوه بر معضلات عام در ترجمه، مشکلات خاص این حوزه وجود دارد. و طرح مسایل ترجمه در این حوزه، این ضرورت را ایجاد می کند که به مسایل شناخت کودک، مراحل رشد زبانی و بالاخص به مسأله مخاطب شناسی اثر اشاره کرد.

۷-۱- لزوم شناخت کودک

شناخت کودک مستلزم شناخت ویژگیهای دوران رشد اوست. علی اکبر شعاری نژاد در مورد مطالعه رشد و تکامل کودک می گوید: «مطالعه رشد و تکامل کودک با شناختن و پذیرفتن وحدت و فردیت کودک آغاز می شود. بدین معنا که هر کودک خود فردی است یگانه و مستقل و بی مانند. کودکان مینیاتور یا کوچک شده بزرگسالان نیستند بلکه افرادی هستند که نیازها، امیال و

استعدادهای خاص خود را دارند و حتی دو کودک همسان (دو قلو) نیز عین و کلیشه یکدیگر نیستند اگر چه هر دو از یک پدر و مادر باشند.^۱

مطالعات روانشناختی در حوزه رشد و تکامل کودک نشان می‌دهد که جنبه‌های مختلف رشد، یعنی رشد عاطفی، اجتماعی، ذهنی، زبانی و جسمی به یکدیگر مرتبط اند. تغییر در هر کدام در دیگر جنبه‌های رشد اثر می‌گذارد. به علاوه «پژوهشهای روان شناسی حاکی از آن است که ظرفیت ها و استعداد های گوناگون آدمی همراه با رشد جسمی او معمولاً تغییر پیدا می‌کند و رشد ژنتیکی و جسمی، پایه و زمینه سایر جوانب رشد آدمی، و از جمله رشد تفکر و زبان اوست،^۲ اما زبان یکی از فعالیت‌های اساسی ذهن و یک وسیله فوق العاده مهم برای رشد آدمی است. نه تنها کارکردهای عالی ذهن بلکه حتی تحول عواطف و رشد شخصیت و چگونگی زندگی اجتماعی و فرهنگی، نیز در ارتباط نزدیک با رشد زبانمان است.»^۳

از آنجا که ادبیات کودکان و نوجوانان در رشد ذهنی کودک در نتیجه سایر جنبه‌های رشد اثرگذار است، خلق این آثار باید بر پایه نیازها، رغبت ها، تفاوتها و ویژگی‌های هر مرحله از دوران رشد صورت گیرد و موجب شود که کودک خود را و جهان را بشناسد (رشد جهان بینی کودک)، استعداد های خود را بروز دهد، مهارت‌های لازم برای اداره زندگی پیدا کند، اجتماعی زندگی کند و در نهایت با داشتن زندگی معقول، از زندگی و طبیعت لذت ببرد.

بنابراین لزوم شناخت کودک، به ویژه شناخت ویژگیها و تفاوت های دوران رشد پایه و اساس هر آفرینش ادبی است. نویسنده باید بداند، برای کدام مخاطب با کدام ویژگی ها می‌نویسد؟ اما در حوزه ترجمه این مسأله دشوارتر می‌شود. نویسنده ی متن اصلی برای کدام مخاطب نوشته است؟ مخاطب زبان مقصد کدام است؟ آیا مخاطب زبان مقصد به لحاظ ویژگیهای دوران رشد همان ویژگی‌های مخاطب زبان اصلی را دارد؟ و مسایلی دیگر از این قبیل که در بخش مخاطب شناسی به آن پرداخته خواهد شد.

۷-۲- رشد ذهنی و زبانی کودک

روانشناسان زبان، زبان را یکی از جنبه‌های رفتاری انسانی می‌دانند. «توجه روانشناسی به زبان فقط از این جهت نیست که زبان نوعی رفتار (رفتار زبانی)^۴ است. بلکه بیشتر از این جهت

است که زبان بنیاد بسیاری از فعالیت‌های عالی ذهن است: فعالیت‌هایی چون تفکر، استدلال، تخیل، قضاوت و حتی ادراک و عواطف.^۵ زبان و اندیشه دو ویژگی ذهن انسان است. مطالعه فرایندهای شناختی ذهن انسان و جنبه‌زایی زبان او، همچنین رابطه اندیشه و زبان، ما را در جهت شناخت کودک کمک می‌کند.

۷-۲-۱- رشد ذهنی:

ژان پیاژه^۶ روانشناس برجسته سوئیسی دو جنبه برای رشد ذهنی کودک قائل است «به نظر او از یک طرف رشد کودک برپایه جنبه روانی اجتماعی^۷ قرار دارد. یعنی آنچه کودک در خانه، مدرسه و اجتماع می‌آموزد، و در طرف دیگر رشد خود بخودی ذهن است^۸ - یعنی آنچه کودک بدون آموزش می‌آموزد یا به تنهایی کشف می‌کند. پیاژه معتقد است «که زبان عامل مهمی در روند رشد، بخصوص رشد خودبخودی ذهنی کودک است.»^۹ برای مثال اگر یک قطعه چوب را با قطعه دیگر مقایسه کنیم و آن دو مساوی باشند و اگر قطعه دوم را با قطعه سومی مقایسه کنیم و آن دو نیز مساوی باشند آیا قطعه اولی که مخفی کرده ایم با قطعه سومی مساوی است؟ آیا A با C مساوی است در صورتی که A با B مساوی باشد و B با C؟ برای ما کاملاً روشن است که هیچکس در فکر آموزش این قبیل قوانین منطقی به کودک نیست و تقریباً ۷ سال طول می‌کشد تا کودک به کشف آن نایل آید. بنابراین زبان نقش مهمی در این جنبه رشد ذهنی کودک دارد. البته رشد خودبخودی در طول زمان شرایط را برای رشد تحصیلی و آموزشی کودک فراهم می‌کند.

پیاژه می‌افزاید ما در مدرسه ژنو آموزش «تناسب» را در ۱۱ سالگی شروع می‌کنیم. چون که کودک تا ۱۱ سالگی نمی‌تواند آن را درک کند. به این دلیل که تناسب حاصل مجموعه‌ای از اعمال پیچیده است. تناسب عبارت است از رابطه‌ای در میان رابطه‌ها و برای فهم رابطه رابطه‌ها ابتدا باید یک رابطه منفرد را درک کرد و منطق کامل رابطه‌ها را استنباط نمود و سپس آن را در منطق اعداد بکار برد. به علاوه مجموعه‌ای از اعمال پیچیده وجود دارد که در حین انجام عمل تناسب بطور ضمنی فهمیده می‌شوند و در آغاز قابل تشخیص نیستند. این مثال و صدها مثال دیگر نشان می‌دهد که رشد روانی اجتماعی کودک تابع رشد خودبخودی و ذهنی کودک است.»^{۱۰}

از آنجا که هر پدیده روانشناختی، پدیده شناختی نیز هست. شناخت رشد ذهنی کودک یکی از جنبه‌های شناخت کودک است. به علاوه با توجه به رابطه اندیشه و زبان، دو ویژگی ممیز انسان از حیوان، شناخت اندیشه بدون شناخت زبان میسر نیست. بنابراین با توجه به این که «ذهن انسان زمینه خاصی را برای فرایندهای شناختی»^{۱۱} و «زبانی» داراست که از راه آن تواناییهای اندیشه و زبان را برایش فراهم می‌سازد.»^{۱۲} در ادامه به بحث رشد زبانی کودک پرداخته می‌شود.

۷-۲-۲- رشد زبانی کودک:

با این که نظام زبان، نظامی پیچیده است، اما کودکان در دوره زمانی بسیار کوتاهی زبان محیط خود را فرا می‌گیرند. فراگیری زبان محیط از حدود یکسالگی شروع و تا ۳۶ ماهگی شتاب دارد و در حدود ۵ سالگی تقریباً کامل می‌گردد. بنابه نظر بسیاری از زبان شناسان، یکی از ویژگیهای زبان آموزی کودک جنبه جهانی آن است. علیرغم تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، تربیتی. کودکان در تمام جهان از الگوی یکسانی در زبان آموزی پیروی می‌کنند. «هر کودک طرح «بنیادی» ای از همگانیهای زبانی در ذهن دارد، تنها چیزی که باید انجام دهد، این است که کشف کند زبان مادری اش چگونه براین طرحهای کلی منطبق می‌گردد.»^{۱۳}

برای مثال کودکان در سراسر جهان بین ۱۰ تا ۱۲ ماهگی نخستین کلمات را بر زبان می‌آورند. کودک در برابر آهنگ یا لحن کلام بیشتر از معنای کلمات واکنش نشان می‌دهد. «کودکان ابتدا فهم زبان را کسب کرده و بعد به مهارت گفتاری دست می‌یابند و در حدود دو سالگی رفته رفته به ساختن جملات بسیار ساده یا به صورتی مقطع و ناقص می‌پردازند.»^{۱۴}

با اینکه موضوع رشد زبانی کودک، موضوعی پیچیده است، اما برای شناخت کودک بسیار ضروری است، به ویژه عدم آشنایی نویسندگان و مترجمان آثار خاص کودکان و نوجوانان، با مراحل رشد زبانی آنان موجب عدم شناخت آنها با دانش پایه و زبان پایه گروه سنی مورد نظر خواهد شد، در نتیجه ممکن است نوشته‌ها بسیار مغلق و یا بسیار ساده یا تلفیقی از هر دو باشد که در هر صورت برای گروه سنی مورد نظر غیرقابل فهم خواهد بود. این مسأله، در حوزه ترجمه، پیچیده تر است چرا که مترجم باید با سطح خوانایی نوشته زبان مبدأ نیز آشنا باشد و این مستلزم

شناخت مراحل رشد زبانی، در کودک زبان مبدأ است. با توجه به ضرورت شناخت مراحل رشد زبانی کودک، در اینجا این فرایند مهم رشد از دیدگاههای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. به طور کلی سه فرضیه در مورد رشد زبان آموزی کودک وجود دارد. شناخت گرای^{۱۵} (پیازه)، رفتار گرای^{۱۶} (اسکینر) و ذهن گرای^{۱۷} (چامسکی)

الف) شناخت گرای (پیازه):

در تحلیل فرایند شناخت نخست این سؤال مطرح می‌گردد که آیا برای فراگیری زبان نیاز به شناخت است و یا برعکس، زبان منشأ شناخت است؟ زان پیازه، زبان شناس برجسته سوییسی و پیشرو مکتب شناخت گرایی در مورد روند شناخت کودک می‌گوید: «شناخت فرایندی است که به وسیله آن اطلاعاتی که از طریق تحریکات محیط طبیعی و اجتماعی به شخص می‌رسد در واحدهایی به عنوان حافظه متشکل می‌شود. به عقیده او کودک از توانایی خاصی برای فراگیری رشد زبان برخوردار نیست و رشد زبانی او از رشد شناختی و اجتماعی او ناشی می‌شود.»^{۱۷} به بیان دیگر «پیازه با لزوم فرض هرگونه توانایی خاص برای فراگیری و رشد زبان، مخالف بود، بلکه عقیده داشت که زبان آموزی به شکل پدیده ای ثانوی در درون روند عمومی تطبیق شناختی کودک با محیط خود صورت می‌پذیرد.»^{۱۸} بنابراین کودک زمانی بر جنبه‌های خاص زبان تسلط می‌یابد که به سطح مناسبی از رشد شناختی رسیده باشد. بین رشد شناختی و رشد زبانی کودک هماهنگی وجود دارد. به عقیده او این روند ادامه می‌یابد تا کودک در جنبه‌های مختلف زبان مهارت کسب کند.

«به نظر پیازه، رشد شناختی و ذهنی طی مراحل خاص اتفاق می‌افتد. این مراحل از قبل برنامه ریزی شده اند در هر مرحله از رشد، کیفیت ذهن کودک تغییر می‌کند و به همین دلیل کیفیت ذهن کودک در هر مرحله با مراحل قبل و بعد از آن متفاوت است.»^{۱۹} بنابراین، پیازه رشد زبانی کودک را ناشی از رشد شناختی و اجتماعی او می‌داند. یعنی اینکه کودک پیش از تکلم به رشد شناختی لازم می‌رسد با این حال، به اعتقاد دکتر مشکوه الدینی «پیازه تنها رشد شناختی

را برای رشد زبانی کافی نمی داند، بلکه فرایندهای دیگری نیز لازم است. اما پیاژه طبیعت و چگونگی این فرایندها را مشخص نکرده است.^{۲۰}

ب) رفتارگرایی (اسکینر):

اسکینر روانشناس رفتارگرا، فرضیه زبان آموزی از راه شرطی شدگی رفتار زبانی را در کتاب «رفتار کلامی»^{۲۱} (۱۹۵۷) مطرح می کند. برپایه نظریه رفتارگرایی، به عقیده او زبان به عنوان یک سلسله پاسخ های تقویت شده به حساب می آید و می گوید: از همان آغاز کودکی پاسخ های زبانی کودک توسط اطرافیان او تقویت می شود. برای مثال وقتی کودک صدای «مَم» یا «ماما» را از خود درمی آورد و مواجهه با شادمانی و توجه مادر می شود یا پاداش دیگری می گیرد، این امر سبب تقویت عمل او می شود. بعدها مادر همان صدای کودک را به شکل اصلاح شده بکار می برد و به تدریج کودک را برای بیان کلمه «مامان» تقویت می کند. در ماههای بعد کودک به تقلید از بزرگترها و با تقویت آنها جملات کوتاه و ساده به کار می برد مانند «مامان آب» یا «آب بده» «مامان شیر». بنابراین بنا به نظر اسکینر زبان نوعی رفتار است و کودک در اثر شرطی شدگی رفتار، زبان می آموزد. این فرضیه اسکینر دو مفهوم در بردارد (رفتار مؤثر^{۲۲} و تقویت^{۲۳}). «او رفتار مؤثر، مانند گفتاری که کودک از خود بروز می دهد را واکنشی می دانست که نتیجه خاصی را موجب می شود، که آن نیز به نوبه خود رفتار را تقویت می کند.»^{۲۴}

دکتر لطف آبادی در مورد رفتار زبانی می گوید، «رفتار زبانی مشمول همان قوانین شناخته شده بروز سایر رفتارهای انسان، نظیر قانون تقویت و خاموشی و انتقال یادگیری و کنترل نتایج رفتار و غیره است. گفتار کودکان در جریان رشدشان مرتباً از نظر دستور بهبود می یابد زیرا والدین به تقویت جملاتی می پردازند که از نظر دستوری درست است و آنچه را پر غلط است تقویت نمی کنند.»^{۲۵} بنابراین به نظر اسکینر کودک بر اثر شرطی شدگی رفتار زبان می آموزد.

نظریه اسکینر مورد نقد و بررسی بسیاری از روانشناسان قرار گرفته است و نارسائیهای آن آشکار شده است. بنا به برخی مطالعات، والدین گفتار دستوری کودکان را تقویت نمی کنند. به این معنا که قبول یا عدم قبول سخن کودک توسط والدین براساس حقیقی بودن و درستی اظهارات

فرزندانشان است نه براساس چگونگی دستور زبانی که به کار می‌برند. در همین مورد «بروان»^{۲۶} و «هانلون»^{۲۷} معتقدند که کودک در زبان خود به معنا و محتوای مطالب فکر می‌کند نه به درستی و صحت دستوری آن برای مثال در یک مورد دختری گفته بود:

«مادر من یک پسر نیست، او یک دختر»

«و مادر در پاسخ گفته بود: «همین طور است».

اما در مورد دیگری که کودک جمله درست دستوری را بر زبان آورده بود و گفته بود «کارتن وات دیسنی روز سه شنبه خواهد بود، مادر در پاسخ او اظهار داشته بود «نه، اینطور نیست». بنابراین مادر به درستی و صحت دستوری جملات کودک توجه ندارد بلکه صحت معنایی و مفهوم درست جملات را مدنظر قرار می‌دهد.

به علاوه چامسکی در فرضیه ذاتی بودن زبان^{۲۸}، نظری مغایر نظر اسکینر دارد. با این حال، اگرچه که رفتارگرایی از جنبه‌های مختلف مورد انتقاد قرار گرفته، اما در زمینه‌های درمان «آسیب‌های گفتاری»^{۲۹} روش درست تدریس و برنامه‌های اصلاح زبانی مورد تأکید قرار گرفته است.

ج) ذهن گرایی (چامسکی):

همانطور که اشاره شد فرضیه «ذاتی بودن زبان» چامسکی که منجر به نظریه «ذهن گرایی» شد نقطه مقابل نظر «رفتارگرایی اسکینر» است. چامسکی (۱۹۵۶) در نقد کتاب «رفتار زبانی» اسکینر بیان می‌کند که رفتار موشها در جعبه آزمایشگاه به هیچ وجه به زبان آموزی کودک منجر نمی‌شود و از این رو در مورد زبان انسان اعتبار ندارد. به بیان دیگر، زبان آموزی کودک مانند رفتار شرطی شده موشها نیست. فرایند پیچیده زبان را نمی‌توان با رفتارموش ها مقایسه کرد. به علاوه اسکینر طبیعت زبان را به درستی درک نکرده است.

به هر حال از دیرباز این سؤال مطرح بوده که آیا یادگیری زبان امری ذاتی است یا اکتسابی؟ چامسکی کاربرد عادی زبان را فعالیتی «زایا» می‌داند یعنی هر فرد قادر است جملات فراوانی تولید

کند همچنین طرح می‌کند که کودک به جای حفظ و ذخیره جملات زبان براساس اطلاعات زبانی محیط خویش مجموعه محدودی از «قواعد دستوری» را کشف کرده و فرا می‌گیرد.

این مجموعه با خصوصیات ذاتی ذهن بودن و مغز وی مطابقت دارد و کودک با فراگیری آن به چنان درجه ای از خلاقیت می‌رسد که می‌تواند به راحتی نه تنها جملات کاملاً بدیع بسازد بلکه جملات دیگران را درک کند و در مورد درستی یا نادرستی آن قضاوت کند.

چامسکی مجموعه ای از (قاعده ها) یا اصول زیربنایی را که انسان برای تولید ساختهای گفتار کسب می‌کند، توانش دستوری^{۳۰} یا توانش زبانی^{۳۱} می‌نامد. توانش زبانی عبارت است از آن دستور انتزاعی و ذهنی، که سخنگو را قادر می‌سازد که کاربرد صورتهای زبانی درست را تشخیص دهد و تعداد بی شماری گفته‌های بالقوه را بیان و درک کند. «توانش» دانش ناآگاهانه انسان است و وقتی کسی زبانی رامی آموزد، مجموعه ای از قواعد را یاد می‌گیرد و باید بتواند آنها را بیان کند، یعنی درباره آنها دانش آگاهانه ای داشته باشد. در برخی از رفتارهای انسان مانند راه رفتن نیاز به دانش آگاهانه نیست. زیرا فرد دانش آگاهانه ای از آن ندارد.

به علاوه به نظر چامسکی بی آنکه به کودک بیاموزند خود می‌داند که می‌توان معنای واحدی را در قالبهای مختلف ارائه کرد. برای مثال می‌داند که دو جمله (کتاب را برداشت) و (کتاب برداشته شد) دارای مفهوم واحدی هستند. بنابراین کودک دارای دانش ذاتی درباره زبان است کودک با ذهنی متولد می‌شود که به مجموعه ای از ویژگیهای همگانی زبان مجهز است.

دکتر مشکوة الدینی اضافه می‌کند: «یادآوری این نکته لازم است که در حال حاضر دانش انسان آن چنان گسترش نیافته است که بتوان بطور دقیق تعیین کرد که عناصر اولیه ای که مجموعه ویژگیهای همگانی زبان را در ذهن انسان تشکیل می‌دهد چگونه واقعیهایی است، یعنی ویژگیهای ذاتی ذهنی انسان که کودک برپایه آن زبان فرا می‌گیرد کدام است؟ و یا همچنین، طرح ذاتی ذهنی انسان که به همراه پیشرفت زبان آموزی کودک بتدریج صریح و آشکار می‌شود چه ویژگیهایی را داراست. ما هنوز از آن مرحله که به ساختن و پرداختن فرضیه ای درباره طرح ذاتی ذهنی انسان دست بزنیم به گونه ای که بطور کامل، صریح و دقیق سرعت و همسانی یادگیری زبان را که در کودکان همه نقاط جهان مشاهده می‌شود، توضیح دهد، بسیار دور هستیم»^{۳۲}

چه کودک و چه زبان‌شناس با مجموعه ای از داده‌های زبانی مواجه اند و باید نظام دستوری ای برای اقامه دلیل بر این داده ها بسازند. چامسکی طرح ذاتی ذهن بودن زبان را به عنوان «ابزار زبان آموزی»^{۳۳} مطرح می‌کند. با این نظر داده‌های اولیه زبان، داده‌های درون داد است و برون داد آن دستور زبان است. بنابراین ذهن کودک برای سخن گفتن از قبل برنامه ریزی شده است و ابزار زبان آموزی یکی از فعالیتهای چندگانه ذهن انسان است.

از بررسی نظریه‌های مختلف زبان آموزی کودک می‌توان دریافت که فرایند زبان آموزی کودک (فرایند رشد زبانی کودک)، به عنوان یکی از جریانهای مهم شناخت کودک، همیشه موضوع بحث بوده است. با این حال کودکان در فراگیری زبان مراحل کم و بیش ثابتی را می‌گذرانند»^{۳۴} سنی که کودکان به هر یک از این مراحل رشد زبانی می‌رسند یکسان نیست اما زمان بندی نسبی (برای عبور از آنها) یکسان است. این علائم با نظم ثابتی ظاهر می‌شوند. اگرچه ممکن است فاصله آنها در بعضی کمتر و در بعضی بیشتر باشد. بنابراین رشد و تکامل زبان، و بنا به نظر اچسون، به چند مرحله تقریبی که گاهی چند مرحله همپوشی دارند، تقسیم می‌شود.

با توجه به ضرورت شناخت رشد ذهنی و زبانی کودک و با توجه به اینکه مسائل رشد زبانی کودک در خلق آثار و نگارش برای کودکان اهمیت بسیار زیادی دارد، و بنا به ماهیت زبانهای مبدأ و مقصد و تفاوت کودکان در دو زبان، ولو اندک، مترجم آثار کودکان می‌بایست شناخت لازم از مراحل رشد زبانی کودکان در دو زبان داشته باشد تا در تطبیق اثر با مخاطب با معضل کمتری مواجه شود.

پی نوشت:

- ۱- شعاری نژاد، علی اکبر. ادبیات کودکان. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴، ص ۱۵.
- ۲- لطف آبادی، حسین. روانشناسی رشد زبان. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۵.
- ۳- لطف آبادی، همانجا، ص ۵۶.
- 4- Verbal behaviour.
- ۵- باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر. تهران: زمان، ۱۳۴۹، ص ۱۱۰.

- 6- Jean, piaget.
- 7- Psychosocial aspect.
- 8- Spontaneous.
- 9- Piaget, Jean. "The child and reality. Parsi: Denoel. 1972. P.2.
- ۱۰- پیازه، همانجا، ص ۳۳.
- ۱۱- مشکوه الدینی، مهدی. زبان و رشد اندیشه. مجله زیانشناسی، سال چهار، ش اول و دوم، ۱۳۶۶، ص ۳.
- ۱۲- اچسون، جین. زبان شناسی همگانی. تهران: علوی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۴.
- ۱۳- صفوی، کورش. درآمدی بر زیانشناسی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ص ۱۲۶.
- 14- Cognitivism (cognitive hypothesis).
- 15- Behaviorism (operant conditioning hypothesis).
- 16- Mentalism (innateness hypothesis).
- ۱۷- مهدیزاده، جمیله. زبان آموزی و رشد واژگان کودک. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، ۱۳۸۰، ص ۳۱.
- ۱۸- مشکوه الدینی، مهدی. نظریه های زبان آموزی کودک. مشهد، مجله دانشکده ادبیات، ش ۹۳، ۱۳۷۰، ص ۴۴۲.
- ۱۹- مهدیزاده، همان، ص ۳۹.
- ۲۰- مشکوه الدینی، همانجا، ص ۴۴۳.
- 21- Verbal behavior.
- 22- Operant.
- 23- Reinforcement.
- ۲۴- مشکوه الدینی، همانجا، ص ۴۴۲.
- ۲۵- لطف آبادی، حسین. روانشناسی رشد زبان. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵.
- 26- Brown.
- 27- Hanlon.
- 28- Innateness hypothesis.
- 29- Language disorders.
- 30- Grammatical competence.
- 31- Linguistic competence.

۳۲- مشکوه الدینی، همانجا، ۴۵۱.

33- LAD (Language acquisition device).

۳۴- جین اچسون. روانشناسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴. ص ۱۸۲.

۳-۷- مخاطب شناسی:

مخاطب شناسی یا به عبارت دیگر شناخت روان شناسانه از مخاطب، پایه و اساس هر حرکت فرهنگی، اجتماعی و هنری است که باید مورد توجه پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری، و ادبی قرار گیرد. این مسأله در خلق آثار فرهنگی برای کودکان و نوجوانان اهمیت بیشتری دارد. سطح بندی آثار خلق شده برای کودکان، تاکنون بیشتر جنبه تجربی داشته است و ملهم از خاطرات نویسندگان یا صحبت کردن با کودکان بوده است. حسین فتاحی از نویسندگان کودک می گوید: «برای شناخت مخاطب از تجربه های شخصی و نظر کارشناسان استفاده می کنیم یک نویسنده از خاطرات دوران کودکی خود، دانسته ها و تجربه هایش استفاده می کند و حتی تجربه دیگران برایش مهم است.»^۱ شهرام شفیع در همین مورد می گوید: «شناخت باید تجربی باشد شناخت آزمایشگاهی به دردکار نویسنده نمی خورد اما ممکن است برای کارشناسان علوم تربیتی و هنری مفید باشد. یکی از راههای شناخت مخاطب و برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با او برگزاری جلساتی است که در آن در مورد آثار مطالعه شده نویسنده صحبت می شود.»^۲

بدیهی است با توجه به تفاوت و تمایز رفتار کودک در هر مرحله از رشد، تفاوت دانش پایه و دانش زبانی او در هر مرحله از رشد با مرحله دیگر و حتی تفاوت کودکان هم سن در هر کدام از این مسایل، ضرورت توجه به مسأله مخاطب شناسی را اجتناب ناپذیر می کند. به علاوه در باب تبیین و تفسیر مراحل مختلف رشد و رشد زبانی میان متخصصان و روان شناسان زبان و صاحب نظران تعلیم و تربیت اختلاف نظر وجود دارد. با این حال ضرورت دارد که نویسنده و خالق اثر برای کودکان، با مراحل مختلف رشد جسمانی، عاطفی فکری و زبانی کودک آشنا باشد. بداند که کودک چه می اندیشد، چه استدلالی دارد، و در هر مرحله نسبت به مرحله دیگر چه تفاوتی دارد.

برای مثال آنتوان دوستت اگزوپری در شاهکار خیال انگیز و زیبای «شازده کوچولو» فلسفه دوست داشتن و عواطف انسانی را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که کودکان چطور متفاوت با بزرگسالان به مسایل می‌نگرند و حتی بر عقیده خود پایبندند.

« به این ترتیب من در زندگی با بسیاری از آدمهای جدی، زیاد برخورد داشته، پیش آدم بزرگها زیاد مانده ام و ایشان را از خیلی نزدیک دیده ام، اما این امر چندان تغییری در عقیده من نداده است.»^۳ (شازده کوچولو)

«کینو از او پرسید: دریا زیباست. چرا خانه شما پنجره رو به دریا ندارد؟ جی یا پاسخ داد: دریا دشمن ماست،

کینو گفت: این چه حرفی است که می‌زنی! پدر تو از دریا ماهی می‌گیرد و می‌فروشد، زندگی شما از دریاست.

جی یا. فقط سسری تکان داد و گفت: دریا دشمن ماست ما همه این را می‌دانیم»^۴ (پرل. س. باک، موج بزرگ)

«پدر گردش را چسبید و دوباره فریاد زد: «رفت؟! کجا رفت، پسر سر به هوا؟! چرا دنبالش نرفتی؟!»

- آخر به طرف خورشید می‌رفت.....

وقتی پسرک حرف می‌زد، چشمهای درشت و زیبایش می‌درخشید. در چنین حالتی بیش از هر وقت به مادرش شبیه بود. پدر که در یک لحظه غم فراوانش را از یاد برد، با اندکی ملایمت پرسید: خوب ... بعد ... (پسرک با جرأت بیشتری ادامه داد: «حتماً از بابابری، از گله و از چریدن خسته شده بود. من دیگر او را ندیدم، حواسم رفت پیش خورشید، شاید او هم پرنده شد و به هوا پرید.»^۵ (شکوفه تقی، نی اسرار آمیز)

- بیان احساس و عاطفه کودک، دنیای خیال انگیز او، تفکرات و استدلالات او، بدون درک عمیق از فرایند رشد ذهنی و زبانی کودک، درک جهان بینی کودک و سئوالاتی که در پیش روی اوست؛ میسر نیست. جهان کودک با جهان بزرگسالان تفاوت دارد. ظرفیت کودک بنا ظرفیت بزرگسال تفاوت دارد. استعدادها و توانمندیهای او متفاوت است.

« آدم بزرگ ها هیچ وقت به تنهایی چیزی نمی فهمند و برای بچه ها هم خسته کننده است که همیشه و همیشه به ایشان توضیح بدهند» (کودک چگونه فکر می کند)^۶ (شازده کوچولو)

« به طور کلی، اگر جهان کودک را به عرصه های حسی، ادراکی و عاطفی و اجتماعی و اخلاقی و امثال آن تقسیم کنیم، تجربیات و واکنشهای ذهنی و رفتارها و کردارها و نیازهای کودک در گستره هر یک از آن عرصه ها و در هر مرحله، یکسان نیست.»^۷

« با مخاطبی که هنوز فاقد نیروی تفکر انتزاعی و استدلالی بر پایه مفاهیم و افکار تجربیدی است نمی توان به استدلال انتزاعی پرداخت و سخن گفت. البته قوای ذهنی کودک مانند استعداد های دیگر او همچنان در حال رشد و گسترش است و طبعاً مرحله ای فرا خواهد رسید که کودک بتواند بر پایه مفاهیم انتزاعی و افکار تجربیدی استدلال کند و بیندیشد.»^۸

بنابراین در خلق آثار ادبی و هنری، شناخت مخاطب نقش بسزایی در درک اثر توسط مخاطب دارد. اما با طرح مسأله ترجمه، نه تنها شناخت مخاطب زبان مقصد بلکه شناخت مخاطب زبان مبدأ نیز ضروری می نماید. کودکانی که در شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دینی متفاوتی تربیت یافته اند، نگرش یکسانی نسبت به جهان ندارند. اثر در زبان مبدأ برای گروه سنی خاص، مخاطبان خاص با فرهنگ خاص، دانش پایه و دانش زبانی خاص آفریده شده است. طبعاً این تواناییها در مخاطب همسان او در زبان مقصد متفاوت است. لذا مترجم نه تنها در انتخاب اثر برای مخاطب مورد نظر، بلکه در برگردان اثر و تطبیق زبان بیان و ساخت زبان مبدأ و مقصد بادشواری مواجه است.

این موضوع درخصوص آثاری که در گذشته برای کودکان آفریده نشده ولی کودکان آن را می خوانند، نیز مصداق پیدا می کند. در صورت برگردان این آثار، مشکل مخاطب وجود دارد. در صورتی که برای مخاطب خاصی ترجمه شده، مخاطب کودک و نوجوان در درک آن مشکل خواهد داشت.

بنابراین، باید گفت مخاطب شناسی یک حرکت فرهنگی، اجتماعی و روان شناسانه است که باید مورد توجه قرار گیرد. مترجم باید فرهنگ، سطح خوانایی گروه سنی زبان مبدأ را درک کند و تطبیق باید به گونه ای صورت گیرد که ضمن حفظ اصالت متن، محتوا و پیام

برای خواننده زبان مقصد قابل درک باشد. لذا مترجم آثار کودکان و نوجوانان در انتخاب و برگردان اثر به مسایل ذیل توجه دارد:

- ۱- شناخت اثر در زبان مبدأ.
- ۲- شناخت مخاطب اثر در زبان مبدأ.
- ۳- شناخت فرهنگ مخاطب اثر در زبان مبدأ.
- ۴- شناخت مخاطب در زبان مقصد.
- ۵- شناخت فرهنگ مخاطب اثر در زبان مقصد (تطبیق فرهنگی یا القاء فرهنگی) که در بخش بعد مورد تحلیل قرار می گیرد.
- ۶- شناخت دانش پایه و دانش زبانی مخاطب زبان مبدأ.
- ۷- شناخت دانش پایه و دانش زبانی مخاطب زبان مقصد.
- ۸- شناخت تجربه های متفاوت مخاطبان زبان مبدأ، تجربه ها و نیازهای مخاطبان زبان مقصد.

پی نوشت:

- ۱- روزنامه خراسان. شماره ۱۴۵۵۴.
- ۲- خراسان، همانجا.
- ۳- آنتوان دوستن اگزوپری. شازده کوچولو. ترجمه محمد قاضی، تهران: شکوفه، ۱۳۶۶، ص ۱۵.
- ۴- پرل. س. باک. موج بزرگ. ترجمه ثریا قزل ایاغ. تهران، فاطمی، ۱۳۶۳، ص ۱۰.
- ۵- تقی، شکوفه. نی اسرار آمیز. تهران: شکوفه، ۱۳۶۷، ص ۹.
- ۶- اگزوپری، همانجا.
- ۷- حافظی، علیرضا. ادبیات کودک ادبیات تدریج است. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۹۲، سال هفتم، پاییز ۸۰، ص ۶.
- ۸- حافظی، همانجا، ص ۸۰.

۷-۴- ترجمه و القاء فرهنگی:

« در گذشته فرهنگ به معنی علم و فضل و دانش و عقل و ادب بکار رفته است.^۱ اما فرهنگ - با معنای خاصش - در زبان فارسی نام جدیدی است که ترجمه «کولتور» است.^۲ علامه محمدتقی جعفری از کثرت تعریف فرهنگ می گوید و اعتقاد دارد که هر جا پای انسان در میان باشد تعریف نسبی است. ایشان در توصیف فرهنگ و نه تعریف حقیقی آن می گوید: «فرهنگ آن کیفیت بایسته شئون مادی، معنوی، ذهنی و عینی است.»^۳ و در جای دیگر فرهنگ را یک حقیقت انتزاعی از اندیشه می داند. دکتر شریعتی هم، در تعریف فرهنگ می گوید: «فرهنگ به معنای اخص و دقیقش - عبارت است از تجلی وجدانهای فلسفی، ادبی، هنری، مذهبی، علمی، تکنیکی و سیاسی، و این همه ... درهر فرهنگی هست، اما در هر کدام وجدانی قوی تر و نیرومندتر است، در تکوین آن فرهنگ سهم بیشتری دارد. بنابراین براساس این مایه ها - وجدانهای مختلف - می توان فرهنگ را تقسیم بندی کرد»^۴

سخن دیگر این که ما در عصر ارتباطات قرار داریم، امواج فراگستر رسانه های جمعی، مرزها را در نوردیده و فرهنگ خودی را در معرض هجوم قرار داده است. به علاوه ترجمه پدیده ای است دوسویه، از خارج به داخل و از داخل به خارج. در کشورهای جهان سوم به ویژه در کشور ما، عمدتاً، جریان اول رواج دارد و جریان دوم بسیار کم صورت می گیرد. این است که معضلاتی را برای فرهنگ خودی، به همراه دارد. بدیهی است زبان، آینه ی فرهنگ یک ملت است و تفاوت دو زبان، امری بدیهی است و نشانگر تمایز دو فرهنگ، به عبارت دیگر تمایز دو دیدگاه در مسایل مختلف ادبی، هنری، مذهبی و ... می باشد. بنابراین عدم توجه به جریان ترجمه، به ویژه انتخاب اثر و انتقال آن به فرهنگ خودی موجب بحران هویت خواهد شد. امروزه اگر به جامعه بنگریم می بینیم که نه تنها ترجمه کتاب هری پاتر، بارها بین بچه ها دست به دست می چرخد، آن را می خوانند، فیلمش را می بینند، بلکه کیف، کتاب و دفتر مدرسه نیز نشانی از هری پاتر دارد. حتی کلیشه های پلنگ صورتی و تام و جری و ... وسایر کارتن های خارجی در و دیوار مدرسه ها، مهد کودک ها را پر کرده است. بدیهی است که در چنین شرایطی، انتخاب درست اثر توسط مترجم ضرورتی اجتناب ناپذیر است. چرا که تفاوت دو زبان، نه تنها بیانگر تمایز فرهنگی است

بلکه نشان دهنده تمایز دو تمدن، دو طرز فکر، دو جهان بینی و دو نگرش نسبت به مسایل مختلف است. اگر انتخاب اثر برای ترجمه از متون اصیل باشد نه تنها عامل پیوند ملت ها و موجب تفهیم و تفاهم است بلکه با ترجمه، اطلاعات، دانش، تاریخ، آداب و سنن، پیشرفت های علمی و فنی منتقل می شود. نایدا می گوید: «کسانی که به کار ترجمه از زبانی به زبان دیگر اشتغال دارند، باید از تضاد موجود در تمام جنبه ها و قلمرو فرهنگی که هر دو زبان معرف آن هستند، آگاهی مدام داشته باشند.»^۵

توران میرهادی، درخصوص ادبیات کودکان و نوجوانان در برابر هجوم فرهنگی می گوید: «مادر سرزمین خودمان در زمینه ی انواع تهاجم تجربه تاریخی داریم. ما هجوم های گوناگون از سر گذرانیده ایم. یاد گرفته ایم ببینیم، بیازماییم، جذب کنیم، تغییر دهیم و در نهایت در فرهنگ غنی و پرجاذبه خودمان حل کنیم و به آن صورتی تازه و بکر و بسیار ایرانی بدهیم.»^۶

اما در برابر جریان اول ترجمه، که به جریانی گریزناپذیر و اجتناب ناپذیر تبدیل شده است، چنانچه تلاش شود که ترجمه جریانی معکوس یابد، «این جریان سبب حرکت فرهنگ، دانش و تاریخ از داخل جامعه خودی به جامعه یا جوامع بیگانه می شود. در صورتی که فرهنگ منتقل شده از غنا و ارزش پایداری، متناسب با فطرت انسان برخوردار باشد، می تواند به صدور فرهنگ بینجامد.»^۷ بنابراین شرایط ترجمه خوب، به ویژه برای کودکان عبارت است از:

- ۱- ترجمه دوسویه باشد (از خارج به داخل و از داخل به خارج)
- ۲- انتخاب اثر به گونه ای صورت گیرد که بیانگر افکار و عقاید اصیل جامعه مبدأ باشد و در تعارض با فرهنگ زبان مقصد قرار نگیرد.
- ۳- فضای آثار داستانی زبان مبدأ برای کودک در زبان مقصد قابل لمس باشد.
- ۴- ویژگی های انسانی، چون نیک اندیشی، آزادیخواهی و عدالت خواهی را به خواننده زبان مقصد منتقل سازد.
- ۵- انتخاب اثر به گونه ای صورت گیرد که ذوق هنری کودک را تقویت نماید.
- ۶- کودک نسبت به جهان و خود شناخت بهتری پیدا کند.
- ۷- شخصیت های عناصر داستانی همان شخصیت های متن اصلی باشد.

- ۸- نیازهای روحی و روانی مخاطب را برآورده سازد.
 - ۹- مترجم. مخاطب متن اصلی را بشناسد و مخاطب مقصد را پیدا کند.
 - ۱۰- موجب ایجاد انگیزه در کودک و نوجوان شود.
 - ۱۱- تصاویر اگر چه فضای فرهنگی متفاوت زبان مبدأ را نشان می دهد، جذاب باشد، در تعارض با فرهنگ خودی نباشد، از ویژگیهای تصویر ادبیات کودک برخوردار باشد.
- نتیجه این که انتخاب اثر ترجمه بر پایه فرهنگ اصیل و اصالتهای انسانی صورت می گیرد و مخاطب را هدایت می کند تا به زندگی یا حیات معقول دست یابد، انسان را دوست داشته باشد و علیرغم تکرر جوامع و در نتیجه تکرر آراء و عقاید بشری به شناختی درست از جوامع برسد، و درست را از نادرست تشخیص دهد. به علاوه جریان دوم ترجمه، یعنی از فارسی به زبانهای بیگانه، نخستین گام جهانی شدن ادبیات فارسی خواهد بود.

پی نوشت:

- ۱- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه، ۱۳۴۱.
- ۲- شریعتی، علی. فرهنگ و ایدئولوژی.
- ۳- جعفری، محمدتقی. سخنرانی پیرامون فرهنگ. بیرجند، خانه معلم.
- ۴- شریعتی، همانجا، ص ۳۱.
- ۵- نایدا، یوجین. زبان شناسی و قوم شناسی در مسایل ترجمه. تهران: مجله ترجمه، انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ش ۱، ۱۳۶۵، ص ۱۶۱.
- ۶- میرهادی، توران. ادبیات کودکان و نوجوانان در برابر هجوم فرهنگی. تهران: مجله کلمه، ش ۹، ۱۰، ۱۳۷۲، ص ۳.
- ۷- عادل، محمدحسین. ترجمه و القاء فرهنگی. تهران: مجله ترجمه، ش ۱، ۱۳۶۵، ص ۳۴.

۷-۵- عدم توجه به دیدگاههای نقد ترجمه:

نقد در لغت به معنی «جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره، آشکار کردن محاسن و معایب سخن»^۱ به کار رفته است، و «نقد ادبی که از آن می‌توان به سخن سنجی و سخن شناسی نیز تعبیر کرد عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن، به نحوی که معلوم شود نیک و بد آثار چیست و منشأ آنها کدام است. بعضی از اهل نظر هم در تعریف نقد گفته اند که «سعی و مجاهده ای است عاری از شائبه ی اغراض و منافع تا بهترین چیزی که در دنیا دانسته شده است و یا به اندیشه انسان در گنجیده است شناخته گردد و شناسانده آید. (آرنولد نقاد و شاعر انگلیسی)»^۲ اما در تعریف دقیق تر و جامع تر نقد را شناخت آثار ادبی از روی خیرت و بصیرت گفته اند»^۳

اما نقد علمی ترجمه، تبیین و تعیین ملاکها و اصولی صریح و روشن است که بر مبنای آن اثر ترجمه شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به علاوه یکی از مهمترین معضلات ترجمه عدم توجه به دیدگاههای نقد ترجمه است. اما شالوده نقد ترجمه آگاهیهای متفاوت زبانی و فرازبانی است از جمله:

۱- دیدگاه زبان شناختی^۴۲- دیدگاه روان شناختی زبان^۵۳- دیدگاه جامعه شناختی زبان^۶۴- دیدگاه فرهنگی^۷۵- دیدگاه سبک شناسی^۸۶- دیدگاه ادبی^۹

۷-۵-۱- دیدگاه زبانشناختی:

«منظور از دیدگاه زبانشناختی در نقد ترجمه این است که ببینیم مترجم تا چه اندازه بر ساخت واحدهای زنجیری (واکه ها، همخوانها و واکه های مرکب)، ویژگی های زیر زنجیری (تکیه، آهنگ، مکث، کشش و نواخت)، همچنین نظام واژگانی و فرایندهای نحوی و معنایی آگاهی داشته است و توانسته پیام نویسنده را با استعانت از این عوامل به زبان مقصد برگرداند»^{۱۰}

از جمله مشکلات ترجمه، بخصوص دردِ رک و برگردان آثار کودکان، عدم شناخت مترجم از دیدگاه زبانشناختی اثر است. برای مثال یکی از واحدهای زیر زنجیری آهنگ است. در تعریف آهنگ باید گفت که آهنگ عبارت است از تغییراتی که در زیر و بمی صدا در گفتار پیوسته - جمله - رخ می‌دهد. آهنگ ماهیتی فیزیکی دارد. بالا رفتن آن مربوط به افزایش تدریجی کشش تار آواهاست که با شروع سخن همراه است و پایین آمدن آن موجب شلی کامل تار آواها می‌شود و همزمان با پایان یافتن سخن است. آهنگ در جمله موجب پدید آمدن معنی ضمنی ویژه ای برای آن جمله می‌شود. و چون واحدهای زیر زنجیری در گفتار ظاهر می‌شوند و در نوشتار نمود ندارند، مترجم ناآشنا به عناصر زبانی، به معنی دقیق جمله پی نمی‌برد.

همچنین نظام واژگانی در هر کدام از زبان‌های مبدأ و مقصد ساخت ویژه ای دارد و ضرورت دارد که مترجم در برگردان واژه‌ها خلاقیت داشته باشد. برای مثال در زبان انگلیسی وجه وصفی معلوم و مجهول به شکل ذیل بوجود می‌آید.

Present participle= verb+ing → adjective+ noun → develop+ing

Developing country. کشور در حال توسعه

Past participle=verb+ed (for regular verbs) → adjective+noun→

developed country. کشور توسعه یافته

و یا در ساخت‌های ذیل:

hand + made → hand made → دست ساز

Cold+ hearted → cold-hearted خونسرد.

۷-۵-۲- دیدگاه روانشناختی زبان:

روانشناختی زبان که از ترکیب علم روان‌شناسی و زبان‌شناسی بوجود آمده، به بررسی تأثیرات متقابل ذهن و زبان می‌پردازد. در این شاخه به مسأله مهم فراگیری زبان در کودک پرداخته می‌شود. دیدگاه‌های این شاخه علمی و نقش آن در ترجمه در فصل (۷-۱) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

۷-۵-۳- دیدگاه جامعه شناسی زبان:

زبان پدیده ای اجتماعی است که مهمترین نقش آن ایجاد ارتباط بین سخنگویان یک جامعه زبانی است. به بیان دیگر «افرادی که در یک جامعه زبانی نسبتاً با ثبات زندگی می کنند و به طور کلی رفتار اجتماعی منظمی دارند، معمولاً پیام ها، افکار و احساسات خود را به وسیله زبان مشترکی به یکدیگر منتقل می نمایند.»^{۱۱}

« زبان در جامعه های بزرگ، دارای تنوعات درونی قابل ملاحظه است و سبک ها و گونه های اجتماعی و محلی مختلفی را در بر می گیرد. اما به رغم گوناگونی ها، در کل جامعه ی زبانی قابل فهم است.»^{۱۲}

زبان و جامعه پیوسته در حال تغییر و دگرگونی هستند اما گستردگی و سرعت تغییرات و دگرگونی های زبان و اجتماع یکسان نیست. تحولات اجتماعی، از جمله انقلابات به سرعت روی می دهند و به طبع تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در جوامع انسانی روی می دهد. اما تغییرات زبانی کندتر است. با این حال، تغییرات زبان برای برآوردن نیازهای جدید ایجاد می شود. برای مثال در انقلاب اسلامی ایران با از بین رفتن نظام سلطنتی، لغات و اصطلاحات جدیدی متداول شد. مانند: مستضعف، طاغوت، جانباز، آزاده، استکبار و... بدیهی است هر کدام از این واژگان بار معنایی خاصی را به لحاظ اجتماعی دارند و نمایانگر این مطلب است که تحولات اجتماعی در گونه های گفتاری زبان، زودتر از گونه نوشتاری انعکاس می یابد. به علاوه گونه های اجتماعی زبان، در بعضی نوشتارها، منعکس می گردد. چنانکه در نگارش قصه های مجید، نویسنده از واژه ها و اصطلاحات گویش کرمانی بسیار بهره گرفته است. عدم شناخت مترجم با گونه یا گونه های زبانی که احتمالاً در نوشتار زبان مبدأ وجود دارد، یا عدم توجه به مسأله قوم شناسی و مردم شناسی متن زبان مبدأ، موجب عدم درک و انتقال درست مطلب به زبان مقصد می شود.

۷-۵-۴- دیدگاه فرهنگی:

این دیدگاه در بخش (۷-۴) ترجمه و القاء فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۷-۵-۵- دیدگاه سبک شناختی:

«سبک در لغت به معنی، روش، شیوه و به مفهوم روشی خاص که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می‌کند.»^{۱۳} بهار در سبک‌شناسی، سبک و نوع را متفاوت از هم می‌داند. «نوع: عبارت است از شکل ادبی که گوینده و یا نویسنده به اثر خود می‌دهد، مثلاً در ادبیات اروپائیان گفته می‌شود: انواع درام»^{۱۴} - انواع خنده آور^{۱۵} پس شکل ظاهری یک اثر ادبی نوع محسوب می‌شود. اما در سبک از سبجیه^{۱۶} عمومی اثر شاعر یا نویسنده، از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط در آن بحث می‌شود. بنابراین سبک هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرز تعبیر را در نظر می‌گیرد.^{۱۷}

از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان بسته به شرایط متغیر کاربرد آن و بسته به وظایف متنوعش گونه‌هایی دارد. به این گونه‌ها که از تفاوت کاربرد ناشی می‌شوند «سبک» می‌گویند. شوپن هاور سبک را قیافه‌شناسی ذهنی صاحب قلم می‌داند. سبک به سه عامل مهم بستگی دارد موضوع، وسیله بیان و رابطه اجتماعی گوینده و شنونده.

- موضوع سخن در سبک کاربرد آن مؤثر است. سبک گزارش یک مسابقه ورزشی با سبک سخنرانی مذهبی کاملاً متفاوت است.

عامل دوم سبک «وسیله بیان است» و مراد آن است که آیا زبان به صورت گفتاری یا به صورت نوشتاری بکار رفته است. در زبان فارسی بین گفتار و نوشتار تفاوت وجود دارد. بجای «می‌گویم» می‌گم/migam بکار برده می‌شود.

و عامل سوم روابط اجتماعی گوینده و شنونده است. از روی گفتار گوینده می‌توان به نگرش او نسبت به مخاطب پی برد. چنان که دانشجویی با استادش صحبت می‌کند، یا پدری با کودک خردسالش. بطور کلی اختلاف طبقاتی در زبان منعکس می‌شود.

از دیدگاه ادبی، ممکن است اثری در گذشته نوشته شده باشد. برای مثال فرانسیس بیکن فیلسوف قرن ۱۶ انگلیسی، مقاله‌ای با عنوان (of study) نگاشته است. آیا می‌توان این عبارت را (در باره مطالعه) یا (در باب مطالعه) یا (اندر مطالعه) ترجمه کرد؟ بدیهی است اثر بیکن را نمی‌

توان با همان زبان و بیان ترجمه کرد که آثار جیمز جویسن، پرل باک، همینگوی ترجمه می‌شود. اگرچه که آثار هرکدام از نویسندگان مذکور نیز زبان و بیان خاص خود را می‌طلبند. در حوزه ادبیات کودکان داستان، افسانه، قصه، مثل و... و غیره وجود دارد. ممکن است اثری در گذشته نوشته شده باشد، واژگان آن برای کودکان آن دوره قابل درک بوده و حالا به دلیل تحول زبانی و واژگانی آن واژگان مهجورند، در صورت حفظ سبک مترجم تعادل را رعایت نکرده، در صورت استفاده از کلمات رایج و قابل درک کودکان سبک رعایت نشده است.

بنابراین مترجم، نه تنها به نوع نوشته بلکه به سبک آن در زبان مبدأ باید آگاهی داشته باشد و تلاش کند تا نزدیک ترین و مناسب ترین سبک و شیوه بیان را برای انتقال مفاهیم زبان مبدأ بکار گیرد.

۷-۵-۶- دیدگاه ادبی:

این دیدگاه در بخشهای مختلف از جمله (۷-۵-۵) مورد بررسی قرار گرفت. با این حال باید اشاره کرد که مترجم نه تنها باید با زبان و ادبیات زبان مبدأ، سبکها و انواع ادبی آن آشنا باشد بلکه باید با زبان و ادبیات مقصد آشنایی داشته باشد تا بتواند با چیرگی و تسلط کامل ظرافت‌های زبانی را که در نوشتارهای ادبی منعکس می‌گردد، منتقل نماید تا مخاطب مقصد از نوشته همانقدر لذت ببرد که مخاطب زبان مبدأ برده است.

پی نوشت:

- ۱- معین، محمد. فرهنگ فارسی. جلد ۴، ص ۴۷۸۴.
- ۲- زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ۱۶۱، ص ۵.
- ۳- همانجا، ص ۶.

- 4- linguistic approach.
- 5- Psycholinguistic approach.
- 6- Sociolinguistic approach.
- 7- Cultural approach.
- 8- Stylistic approach.
- 9- Literary approach.

۱۰- سهیلی، ابوالقاسم. دیدگاههای نقد ترجمه. مجله ترجمه، شماره ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ۶۵، ص ۳۹.

۱۱- مدرسی، یحیی. جامعه شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۴.

۱۲- مدرسی، همانجا، ص ۴.

۱۳- معین، همانجا، ج ۲، ص ۱۸۱۸.

14- Les genres dramatiques.

15- Les genres Comiques.

16- Carácter.

۱۷- بهار، محمدتقی. سبک شناسی. تهران: کتابهای پرستو، ۱۳۴۹، ص د.

۷-۶- تطبیق^۱ و بومی شدگی^۲

به اعتقاد نایدا^۳ «چهار عامل در فرایند ترجمه دخالت دارد. پیام، پیام گیران، شرایط ترجمه پیام و شرایط دریافت پیام»^۴ بدیهی است همانند ساختهای متفاوت زبان، پیام نیز در قالبهای متفاوتی مانند داستان، شعر، نثر و نوشته علمی، تحقیقی و... ارائه می شود. پیام گیران نیز یکسان نیستند. برای مثال، ترجمه یک نوشته برپایه اصل مخاطب شناسی صورت می گیرد و با توجه به این که مخاطب چه کسی است، نوع زبان و بیان متفاوت خواهد بود.

اما درخصوص شرایط ترجمه باید گفت که نوع متن و ساختار آن و شرایط زمانی ترجمه بر روی قالب ترجمه اثر می گذارد. بدیهی است یک خبر ورزشی یا یک متن حقوقی و یا متن علمی به لحاظ شرایط، متفاوت خواهد بود. همچنین شرایط دریافت پیام نیز بر روی فرایند و قالب ترجمه اثر می گذارد. برای مثال داستانی را که خواننده در منزل یا کتابخانه، یا در شرایط سکوت می خواند، به لحاظ دریافت پیام با فیلمی یا نمایشنامه ای که از روی آن داستان ساخته شده و بیننده در جمع به تماشای آن می نشیند، متفاوت خواهد بود.

با توجه به عوامل مؤثر در فرایند ترجمه، به نظر می‌رسد که مفاهیم تعادل و تطبیق مفاهیم مبهم اند. با این حال در ترجمه ی متن نیاز به تطبیق و بومی شدگی وجود دارد. چرا که زبان بخشی از فرهنگ یک جامعه زبانی است و با توجه به تفاوت زبانها، به ویژه در زبانهایی که از شاخه‌های زبانی متفاوتی هستند، پدیده ی ترجمه، امری دشوار است و ضرورت دارد مترجم نسبت به مسائل قوم شناسی در هر دو زبان مبدأ و مقصد آگاه باشد. «نایدا به ترجمه تحت اللفظی و مضحک اصطلاح سامی «فرزندان حجله» (انجیل متی ۱۵:۹، انجیل مرقوس ۱۹:۲ و انجیل لوتا ۵:۳۴) اشاره می‌کند که به یکی از زبانهای آفریقایی به نام «باتو»^۵ صورت گرفته است، و نتیجه آن چنین است: «کودکان خانه مردی که با زنی ازدواج می‌کند». مترجم چنین پنداشته است که کودکان به نحوی به داماد وابسته اند تا به عروس، بنابراین عبارت «خانه داماد» را به جای خانه عروس» برگزیده است. در حقیقت، چون چند همسری در میان قبایل آفریقایی مرسوم بوده است، این ترجمه انجیل در ذهن آنها «فرزندان زن پیشین داماد» را تداعی می‌کند. در این مورد تعبیر دیگری نزد بومیان وجود ندارد. مترجم نه از ستهای ازدواج یهودیان آگاه بوده و نه با اصطلاح فرزندان حجله آشنا بوده است که به میهمانان جشن عروسی یا به تعبیر دیگر، دوستان داماد اطلاق می‌شود».^۶

عکس این قضیه نیز وجود دارد. بعضی مترجمان به جای انتخاب دقیق کلمات که بیانگر ویژگی‌های فرهنگی هستند. چنانچه کلمه ای را مغایر فرهنگ بومی بدانند ترجمه نمی‌کند یا با انتخابی متفاوت ترجمه می‌کند. برای مثال مترجمی برای اجتناب از به کار بردن واژه «الاغ» به یکی از زبانها، واژه ی «حیوانی با گوشهای دراز» را انتخاب کرده است که «خرگوش» را تداعی می‌کند. بنابراین مترجم نه تنها باید به تحلیل عوامل فرهنگی دخیل در متن و همچنین جامعه ی مخاطب پردازد، بلکه در توصیف عوامل زبانی و روابط متقابل فرهنگی و زبانی، باید اختلاف زمانی (برای مثال ترجمه از متون کهن زبانهای مرده) و عوامل قوم شناسی را مدنظر قرار دهد.

نایدا تعادل پویا^۷ و تعادل نقشی^۸ را در تطبیق ضروری می‌داند و تأکید می‌کند که ترجمه باید به گونه ای صورت بگیرد تا همان واکنشی را که در مخاطبان زبان مبدأ برانگیخته است در زبان مقصد نیز برانگیزد.^۹

درخصوص تعادل نقشی باید گفت که با توجه به کارکرد زبانهای مبدأ و مقصد ممکن است اهداف نویسنده متن اصلی و کارکرد متنی نوشته با اهداف مترجم و کارکرد زبان مقصد متفاوت باشد. بهر حال آنطور که ورمر اشاره^{۱۱} می‌کند «مترجم انسانی است متفاوت و ترجمه او متن جدیدی است در یک فرهنگ جدید».

۷-۷- نتیجه

با بررسیهای زبانشناختی و روانشناختی و تحلیل متنی و بررسی مسائل تعادل ترجمه ای می‌توان دریافت که ترجمه پدیده ای نسبی است و در ترجمه ادبیات کودکان علاوه بر مشکلات عام در ترجمه، معضلات خاص وجود دارد. بنابراین می‌توان مشکلات خاص ترجمه ادبیات کودکان را به صورت ذیل خلاصه و ذکر نمود.

- ۱- لزوم شناخت کودک توسط مترجم.
- ۲- لزوم شناخت اثر (مشکل انتخاب اثر)
- ۳- لزوم شناخت مخاطب (مخاطب شناسی اصل اثر، و مخاطب شناسی در زبان مقصد)
- ۴- لزوم شناخت زبان و بیان اثر (سطح خوانایی اثر در زبان مبدأ) و تطبیق آن با دانش پایه و زبان پایه مخاطب زبان مقصد.
- ۵- شناخت فرهنگی دو محیط متفاوت فرهنگی مخاطبان اصل اثر و مخاطبان در زبان مقصد.
- ۶- لزوم شناخت دیدگاههای نقد ترجمه.
- ۷- لزوم شناخت سبک اثر و تطبیق سبکی (تعادل سبکی بین اصل اثر و ترجمه در زبان مقصد)
- ۸- لزوم شناخت مفاهیم تعادل (تعادل واژگانی، دستوری، معنایی و سبکی)
- ۹- لزوم شناخت قالب و محتوا در دو زبان مبدأ و مقصد.
- ۱۰- لزوم شناخت تکنیک و پرداخت در متن اصلی و متن ترجمه شده (ضعف تکنیک و پرداخت در متن اصلی موجب کاهش کیفیت ترجمه می‌شود).
- ۱۱- لزوم هدفمند بودن ترجمه.

۱۲- لزوم شناخت فضای فرهنگی تصاویر در متونی که تصویر دارد. تمایز فضای فرهنگی تصاویر با فرهنگ بومی، موجب عدم درک متن می‌شود.

۱۳- لزوم شناخت مسائل تطبیق و بومی‌شدگی در متون ترجمه.

۷-۸- مشکل مترجم ادبیات کودکان

۷-۸-۱) عدم توانایی مترجم در درک زبان مبدأ

۷-۸-۲) عدم توانایی در انتقال مفاهیم.

۷-۸-۳) نداشتن ذوق هنری.

۷-۸-۴) وفادار نبودن به متن اصلی (ترجمه‌های متفاوت از شازده کوچولو و آلیس در

سرزمین عجایب گواه این مسأله است)

۷-۸-۵) حرفه‌ای نبودن مترجم.

۷-۸-۶) عدم استفاده از فرهنگ یک زبانه توسط مترجم و تحمیل معنی شناخته شده به

جمله.

۷-۸-۷) عدم شناخت کودک و نیازهای او در زبان مقصد.

بنابراین مترجم ادبیات کودکان انسانی نیک اندیش است که از مختصه‌های زبانی و

کارکرد و تأثیر آن اطلاع دارد و رسالتش با استفاده از ابزار زبانی انتقال حقایق انسانی،

اخلاقی و عملی است و در جهت بسط و اشاعه‌ی فرهنگ پویای بشری گام برمی‌دارد.

پی‌نوشت:

1- adaptation.

2- Domestication.

3- Eugene A. Nida.

۴- نایدا. یوجین. ترجمه از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان. تهران، فصلنامه ترجمه، ش ۲، انتشارات

جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ۱۳۶۵، ص ۶۳.

5- Bantu.

- ۶- نایدا. یوجین. زبان شناسی و قوم شناسی در مسائل ترجمه، مترجم: فتانه آل داود، تهران: فصلنامه ترجمه، ش ۱، ۱۳۶۵، ص ۶۳.

7- Dynamic equivalence.

8- Functional equivalence.

9- Oittinen. Riitta. **Translation for children.** London: Garland pu6/2000. P9.

10- Vermeer.

۱۱- اوتنین، همانجا، ص ۱۱.

فصل هشتم

بررسی آراء و نظرات مترجمان ادبیات کودکان

اگرچه، با توجه به ضرورت و اهمیت ترجمه ادبی از نظر فرهنگی، ادبی و زبانی، پژوهش‌های نظری در این حوزه، به ویژه حوزه‌ی نظری ترجمه‌شناسی بر پایه‌ی داده‌های زبان‌شناسی ضرورتی تام دارد، ولی با پژوهش‌های میدانی، نیز می‌توان به حاصل اندیشه‌ها، تفکرات و تجربیات خبرگان و اهل نظر در حوزه‌های مختلف دانش و معرفت بشری دست یافت. بدین منظور، برای پی بردن به آراء و نظرات مترجمان ادبیات کودکان و نوجوانان، و آگاهی از میزان آشنایی آنان با مسایل نظری این حوزه، و درک مشکلات عملی در کار ترجمه، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. پرسشنامه‌ی مذکور حاوی یازده سؤال بود که بر پایه‌ی اصول ترجمه‌شناسی تهیه و تدوین گردیده بود، و از طریق شورای کتاب کودک تهران در اختیار مترجمان ادبیات کودکان قرار گرفت. تنها پانزده نفر از مترجمان پرسشنامه را تکمیل و برگشت دادند. لذا در این بخش، نخست پرسشنامه مذکور ارائه می‌گردد. سپس پاسخ‌های مترجمان بررسی و بعضی راهکارها در این زمینه از دیدگاه ایشان مطرح می‌شود.

مترجم محترم

آگاهید که حاصل اندیشه‌ها، تفکرات، تجربیات، علم و دانش و به طور کلی معرفت بشری از طریق ترجمه انتقال یافته و می‌یابد. و در عصر اطلاعات و همچنین دوره‌ی رشد ادبیات کودکان، در جهان، ترجمه ادبیات کودکان از ضروریات فرهنگی است. اما علی‌رغم پیشینه‌ی طولانی‌پدیده ترجمه در کشور ما، تاکنون مسایل نظری آن، چندان که باید مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته، به ویژه در حوزه ادبیات کودکان.

لذا پژوهنده با توجه به تجربه عملی در کار ادبیات کودکان و پدیده ترجمه و همچنین مطالعه دانش زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان، با مساعدت دانشگاه بیرجند، مصمم شد تا قدمی در این

راه بردارد. لذا طرح پژوهشی « بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان » در حال حاضر در این دانشگاه در حال اجرا است. بخشی از طرح به نظرات مترجمان محترم اختصاص دارد. حوصله، دقت و تسریع شما در پاسخ به پرسشنامه ی پیوست پژوهنده را در انجام این مهم یاری خواهد داد.

سپاسگزارم

محمدحسین قرشی

۱- تاکنون چند اثر ترجمه کرده اید؟

۲- ترجمه های شما بیشتر در چه زمینه ای است؟ ☐ بزرگسالان ☐ کودکان

۳- آیا شغلتان فقط مترجمی است. ☐ بله ☐ خیر

۴- موضوع اثر ترجمه شده برای کودکان، کدامیک از موارد زیر بوده است؟

الف) داستانی:

☐ داستانی ☐ مجموعه داستان ☐ افسانه
☐ مجموعه چند افسانه ☐ شعر ☐ زندگی نامه

ب) غیر داستان:

☐ علوم ☐ دانش اجتماعی ☐ اختراعات و اکتشافات
☐ دین ☐ تاریخ ☐ غیره

ج) کلیات:

☐ دایره المعارف ☐ اطلس ☐ لغت نامه

د) ☐ کتاب تصویری:

۵- اصل اثری که ترجمه کرده اید مربوط به کدام گروه سنی است؟

☐ الف ☐ ب ☐ ج ☐ الف و ب ☐ د ☐ هـ

توضیحات:

(الف) سالهای قبل از دبستان.

(ب) سالهای آغاز دبستان (کلاس اول، دوم، سوم)

(ج) سالهای پایان دبستان (کلاس چهارم و پنجم)

(د) دوره راهنمایی

(ه) سالهای دبیرستان

۶- نحوه تشخیص تان از گروه سنی چگونه است؟

☐ در اطلاعات کتابشناختی اثر مشخص شده بود.

☐ گروه سنی مشخص نشده و از روی زبان و بیان کتاب، خودتان تشخیص داده اید.

۷- آیا اثر ترجمه شده مطابق گروه سنی اصل اثر است؟

☐ بله ☐ خیر

۸- در ترجمه اثر با کدام مشکل مواجه بوده اید؟

☐ ایجاد تعادل دستوری

☐ ایجاد تعادل واژگانی

☐ ایجاد تعادل معنایی

☐ تعادل سبکی (حفظ سبک)

☐ ترجمه عنوان

☐ غیره (توضیح دهید)

۹- آیا ترجمه اثر مورد نظر برای برآوردن یکی از نیازهای کودکان ایرانی است؟

☐ بله ☐ خیر

۱۰- به نظر شما مترجم ادبیات کودکان چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟

۱۱- هرگونه توضیح، تعریف یا پیشنهاد خاصی دارید مرقوم فرمایید.

پاسخ دهندگان

[illegible]

سؤال	نحوه تشخیص گروه سنی		آیا اثر ترجمه شده مطابق گروه سنی اصل اثر است؟		در ترجمه اثر با کدام مشکل مواجه بوده اید؟						مترجم	
					ایجاد تعداد							
	الف	ب	غیره	ترجمه عنوان	سبکی	معانی	والگانی	دستوری	بله	خیر	اطلاعات کتابشناختی اثر	تشخیص مترجم با استفاده از زبان و بیان اثر
۱	x		x						x			x
۲		x							x		x	
۳		x	x						x			x
۴		x		x	x				x			x
۵		x		x					x			x
۶		x		x					x			x
۷		x		x								
۸		x								x		x
۹		x	x							x		x
۱۰		x				x			x			x
۱۱						x			x			x
۱۲		x			x							x
۱۳		x		x	x			x	x		x	
۱۴		x			x				x			x
۱۵		x	x	x	x			x				x

تحلیل داده ها:

در پاسخ به سؤال دوم پرسشنامه و با نگاه آماری به جدول فوق می‌توان دریافت که $33/4\%$ از مترجمان این حوزه بیش از ۲۰ اثر ترجمه کرده‌اند و $26/6\%$ کمتر از پنج اثر و 40% دیگر بین ۵ تا ۲۰ اثر ترجمه داشته‌اند که از میان ۲۰٪ از مترجمان نه تنها برای کودکان، بلکه به ترجمه آثار برای بزرگسالان پرداخته‌اند. $7/6\%$ از این مترجمان تنها در باره ادبیات کودکان ترجمه داشته‌اند و $73/4\%$ از مترجمان به ترجمه آثاری برای کودکان مشغول بوده‌اند که بیانگر رویکرد مترجمان به ترجمه برای کودکان است.

اما در پاسخ سؤال سوم (شغل مترجمی) باید گفت که تنها $26/6\%$ از مترجمان شغلشان صرفاً ترجمه است که بطور متوسط ۱۷ اثر ترجمه کرده‌اند اما $73/4\%$ علاوه بر پرداختن به شغل مترجمی، به کار دیگری نیز مشغول بوده‌اند. با این حال بطور متوسط ۱۸ اثر ترجمه کرده‌اند که در میان آنها مترجم بسیار پرکار با ۴۸ اثر و مترجم کم کار با ۲ یا ۳ اثر می‌توان دید. شاید هم دلیل خلق آثار کم دسته دوم، این باشد که این گروه اخیراً به کار ترجمه روی آورده‌اند. به هر حال میانگین آثار ترجمه شده توسط هر دو گروه از مترجمان، ۱۶ اثر می‌باشد.

در پاسخ سؤال سوم (نوع اثر ترجمه شده) باید گفت که $86/7\%$ به ترجمه داستان و کمتر از $13/3\%$ به ترجمه انواع دیگر ادبی پرداخته‌اند به علاوه $46/6\%$ مجموعه چند داستان را ترجمه کرده‌اند و به همین نسبت نیز افسانه ترجمه کرده‌اند و $46/6\%$ مجموعه چند افسانه را ترجمه کرده‌اند.

حوزه شعر را هیچ مترجمی تجربه نکرده و درخصوص زندگی نامه فقط $13/3\%$ از مترجمان آثاری را به فارسی برگردانده‌اند.

درخصوص ترجمه آثار غیرداستانی، 40% از مترجمان به ترجمه علوم پرداخته‌اند و $13/3\%$ کتاب تاریخی ترجمه کرده‌اند. در سایر حوزه‌های غیر داستانی چون دانش اجتماعی، اختراعات و اکتشافات، دین و غیره، مترجمان مورد پرسش هیچ اثری ترجمه نکرده‌اند. به علاوه بررسی آثار ترجمه شده موجود در بازار نشر نیز گواه این قضیه است که علیرغم پیشرفت علوم در حوزه‌های مختلف، مترجمان حوزه ادبیات کودکان، رویکرد خوبی به این حوزه‌ها نداشته و بیشترین آثار

ترجمه شده در حوزه ادبیات داستانی تولید شده اند. از آنجا که یکی از ویژگی‌های مترجم، تسلط بر موضوع ترجمه است و اصولاً در جامعه ما، متخصصان علوم مختلف کمتر با این حوزه دانش آشنا هستند و اگر هم اندک آشنایی داشته باشند، به ضرورت و اهمیت آن و نقشی که در رشد و اعتلای جامعه دارد، پی نبرده اند. به نظر می‌رسد که با توجه به پدیده امواج فراگستر رسانه‌های جمعی، گسترش علوم و سایر شاخه‌های ادبیات غیر داستانی باید نهاد مشخصی، تربیت مترجمان متخصص یا ایجاد انگیزه در مترجمان و متخصصان برای توجه جدی به این حوزه را به عهده بگیرد.

در حوزه کلیات تنها ۱۳/۳٪ از مترجمان به ترجمه دایره المعارف پرداخته اند، مهمترین مسأله در ترجمه یا تدوین دایره المعارف‌ها، این است که دایره المعارف باید پاسخگوی نیاز کودکان ایرانی باشد. نخستین دایره المعارفی که برای کودکان ایرانی ترجمه شده ترجمه فرهنگنامه طلایی «برتاموریس پارکر» توسط رضا اقصی در ۱۸ جلد بود که در سال ۱۳۴۶ در تهران چاپ و منتشر شد. یک جلد از این دایره المعارف برای مسایل ایران تألیف و بقیه ترجمه شده بود. «طرح ساختن این فرهنگنامه حدود ۱۵۰۰ مقاله در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی و غیره را در بر می‌گیرد. زبان و بیان مقاله ساده و روان است. معیارهایی از قبیل صحت مطالب، رعایت اصول دایره المعارف نویسی، جذابیت بصری در آن رعایت شده است. اما به دلیل این که ترجمه‌ی یک اثر آمریکایی است و هویت ایرانی ندارد، پاسخگوی نیاز خواننده کودک و نوجوان ایرانی نیست.»^۱

به علاوه در تعریف دایره المعارف باید گفت:

«دایره المعارف یا فرهنگنامه ملخصی از اطلاعات و آگاهیهای دقیق، موثق و روزآمد در همه رشته‌های معارف بشری یا رشته‌ای خاص است که بر پایه‌ی دانش و زبان خوانندگان آن و توسط متخصصان و زبندگان رشته‌های مختلف گردآوری شده و سپس بر حسب نظامی خاص (عموماً الفبایی یا موضوعی) مرتب شده است. دایره المعارف در زمره کتابهای مرجع

قرار دارد و خواننده می‌تواند به آسانی پاسخ بعضی از سئوالات خود را در زمینه‌ی مورد نظر بیابد.^۲

با توجه به ضرورت وجود دایره‌المعارف برای مخاطبان گروه‌های سنی مختلف و با توجه به تعریف و ماهیت دایره‌المعارف، به نظر می‌رسد که ترجمه صرف نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کودک و نوجوان ایرانی باشد در این خصوص تلاش شورای کتاب کودک در تدوین فرهنگنامه برای کودکان ۱۰ تا ۱۷ ساله ایرانی، تلاش ارزشمندی است که از سال ۵۸ شروع شد و تاکنون ادامه داشته است و از مجموعه ۲۲ جلدی این فرهنگنامه تاکنون ۹ جلد انتشار یافته است.

در حوزه کتابهای تصویری ۲۰٪ از مترجمان به امر ترجمه پرداخته‌اند. به علاوه در تعریف کتاب تصویری آمده است «کتاب تصویری کتابی است که در آن متن و تصویر چنان بهم پیوسته باشند که یکی بی دیگری عاطل بماند».^۳ با توجه به آمیختگی متن و تصویر، انتخاب اثر برای ترجمه، در این حوزه بسیار دشوار است، چون که در بسیاری موارد، تصویر در تعارض با فرهنگ خودی قرار می‌گیرد (موضوع ترجمه و القاء فرهنگی در فصل ۷-۴) مورد بررسی قرار گرفت.

پیش از بررسی پاسخ سئوال پنج، ضرورت دارد که نخست داده‌های سئوال شش - نحوه‌ی تشخیص گروه سنی مخاطب اصل اثر - مورد تحلیل قرار گیرد. درخصوص تشخیص مخاطب اصل اثر، ۹۳/۴٪ مترجمان می‌گویند که از بررسی زبان و بیان نوشتار، به گروه سنی مخاطبان اصل اثر پی برده‌اند. ۱۳/۴٪ نیز به اطلاعات کتابشناختی اثر مراجعه کرده‌اند. ۶/۶٪ نیز هیچ معیاری برای تشخیص نداشته‌اند. در میان مترجمانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، ترجمه‌ای که به هیچکدام از معیارهای انتخاب توجه نداشته، بیش از سی اثر ترجمه کرده و مشخص نیست با چه معیاری این آثار انتخاب و ترجمه شده‌اند. نامبرده در پاسخ به سئوال پنج نیز هیچ پاسخی ندارد.

اما در حوزه‌ی روانشناسی زبان مطالعات فراوانی در مورد زبان آموزی کودک صورت گرفته و نه تنها سطح واژگانی، بلکه بررسی‌های زبانشناختی سطح نحوی جملات قابل درک برای گروه‌های مختلف سنی را مشخص می‌کند. «چنانکه افرادی چون گانینگ فوگ^۴، فلش^۵، ادوارد فرای^۶ به ابداع فرمولهایی برای تعیین سطح خوانایی نوشته‌ها پرداخته‌اند».^۷ این بررسی نشان

می‌دهد که مترجمان در انتخاب اثر و تشخیص مخاطب آن هیچ معیار علمی را مدنظر قرار نمی‌دهند و تنها به تشخیص خود عمل می‌کنند.

در پاسخ به سؤال پنج (اصل اثر ترجمه شده مربوط به کدام گروه سنی است؟) باید اشاره کرد که ۲۰٪ مترجمان، بنا به تشخیص خود آثارشان را بر پایه سطح خوانایی مخاطبان گروه الف انتخاب کرده‌اند و ۲۰٪ گروه ب، ۴۰٪ گروه ج را مدنظر داشته‌اند. ۶۶٪ از آثار گروه (د) و ۲۶٪ آثارشان را از میان آثار مخاطبان گروه (ه) انتخاب کرده‌اند. به علاوه ۲۰٪ گروه‌های سنی (ج)، (د) و (ه) را مدنظر داشته‌اند و ۳۳٪ ترجمه برای گروه‌های سنی الف، ب، ج، د را ترجمه کرده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که مترجمان در انتخاب اثر از میان آثار گروه (د) بیشترین انتخاب و ترجمه را داشته‌اند.

در پاسخ به سؤال هفت (آیا مخاطبان اثر ترجمه شده هم سن گروه سنی مخاطبان اثر اصلی هستند؟)، در پاسخ باید گفت با توجه به پاسخ ۹۳٪ مترجمان به سؤال شش و عدم آگاهی آنان از معیارهای علمی ترجمه شناسی، در حوزه زبان‌شناختی و روان‌شناختی و عدم توجه به مسأله مخاطب شناسی پاسخ ۶۶٪ آنان پاسخ دقیقی نیست و ضرورت داد اصل مخاطب شناسی در زبان مبدأ و مقصد بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

در پاسخ به سؤال هشت، ایجاد تعادل بین مبدأ و مقصد، ۱۳٪ از مترجمان در چهار مورد تعادل دستوری، واژگانی، معنایی و سبکی و همچنین ترجمه عنوان با مشکل مواجه بوده‌اند. ۶۶٪ از مترجمان معتقدند که تنها مشکل شان، ایجاد تعادل سبکی بوده است، در حالی که ۵۳٪ با مشکل تعادل دستوری، ۵۳٪ با مشکل ایجاد تعادل واژگانی، ۲۶٪ با مشکل ایجاد تعادل معنایی و ۳۳٪ با مشکل ایجاد تعادل سبکی مواجه بوده‌اند. ۴۰٪ نیز عقیده دارند که مشکل ترجمه (عنوان) داشته‌اند و ۲۶٪ مشکلات دیگر را در ترجمه برشمرده‌اند که در ادامه به طرح آن پرداخته خواهد شد.

با توجه به این که عنوان بیانگر محتواست. بنابراین ترجمه درست و دقیق عنوان از اصول اجتناب ناپذیر ترجمه است. در این خصوص مثالی ارائه می‌گردد. چند سال پیش نگارنده کتابی با عنوان (The salmon for simon) از کتابهای برگزیده ادبیات کودکان را ترجمه کرده بود. در تلاش

برای ترجمه ی عنوان، به فرهنگ پنج جلدی آریانپور مراجعه شد. در برابر کلمه « (salmon) آمده بود: « آزادماهی، قزل آلا، هر نوع ماهی شبیه قزل آلا و...»^۹ کتاب نخست با عنوان (سیمون بدنبال ماهی قزل آلا) ترجمه شد، که انتخاب قزل آلا، انتخاب نادرستی بود، چرا که برابر صحیح قزل آلا trout است. به علاوه، نگارنده متن اصلی علاوه بر خلق یک اثر داستانی خصوصیات زیست محیطی گونه ای از ماهیان را مدنظر داشته است. این کتاب بعداً توسط مترجمی دیگر با عنوان ماهی کوچولو از چاپ خارج شد. به علاوه در ترجمه اسامی خاص، اگرچه ضرورتی ندارد که ترجمه شوند، اما بعضی اسامی خاص در فارسی معادل دارند. برای مثال Simon، به معنی شمعون است. در اینجا نیز مترجم با مشکل مواجه می شود. آیا معادل فارسی را بکار ببرد، یا اسم اصلی را؟ در هر صورت ممکن است برگردان یا عدم برگردان آن تعارض فرهنگی بوجود آورد.

احمد شاملو، شاعر و مترجم در برابر (le petit prince) شاهکار اگزوپری، مسافر کوچولو را بکاربرده است و محمد قاضی مترجم توانا «شازده کوچولو» را عنوان قرار داده است، که ترجمه ای دقیق و صحیح است.

۲۶/۶٪ از مترجمان نیز هیچ مشکلی را در بحث تعادل ذکر نکرده اند. دو مترجم ردیف دوم و هشتم با ترجمه بیش از ۴۸ و ۳۵ اثر اینگونه اند. البته مترجم هرچقدر که توانایی داشته باشد و آثار بیشتری ترجمه کرده باشد، ادعای عدم مواجه با هیچ مشکلی در ترجمه، اغراق گویی و ادعای باطلی است. چرا که، دو زبان، ماهیت متفاوتی دارند و تطبیق دستوری، معنایی، واژگانی و سبکی، همانطور که در بخش تعادل زبانی مورد بحث قرار گرفت، امر چندان ساده ای نیست، مترجمان با تجربه، بادرایت و پربصیر و حوصله و اهل تحقیق و تفکر به حل مشکل می پردازند و مترجمان کم حوصله و کم تجربه، به حذف متن می پردازند و مشکل عدم انتقال دقیق و صحیح پیام بوجود می آید.

۲۶/۶٪ از مترجمان مشکلات دیگر در ترجمه را مطرح کرده اند. مشکلات مطرح شده از دیدگاه مترجمان عبارت است از:

- ۱- ترجمه ویژگیهای فرهنگی (رسم و رسوم) ضرب المثل ها، غذاها.
- ۲- حذف اجباری بعضی عبارات، واژگان یا حتی بندها بدلیل وجود ممیزی در زبان مقصد.

۳- ترجمه بعضی عناوین که برای مخاطب اصلی گویاست، اما در صورت رعایت تعادل واژگانی (حداقل از جنبه تعداد واژگان) و اصل اختصار، برای مخاطب زبان مقصد گویا نیست و به توضیح اضافی نیاز دارد.

۴- انتخاب کتاب مناسب برای برآوردن نیاز کودک ایرانی.

۵- عدم توجه ناشران به معیارهای ادبیات اصیل و توجه بیشتر به کتابهای بازاری.

از بررسی پرسشنامه ها چنین استنباط می شود که علیرغم ضرورت توجه به مسائل نظری در حوزه ترجمه شناسی، به ویژه بحث تعادل که مهمترین فرایند ترجمه است، مترجمان چندان توجهی به این حوزه ندارند و تنها با اتکا به دانسته های خود و برپایه ی میزان آشنایی خود با زبان مبدأ و مقصد به کار ترجمه می پردازند.

آیا ترجمه اثر مورد نظر یکی از نیازهای کودکان ایرانی را برآورده می سازد؟ ۸۷/۶٪ از مترجمان معتقدند که انتخاب شان بر پایه ی نیاز کودک ایرانی بوده است. البته صحت و سقم این موضوع نیاز به بررسی آثار ترجمه شده توسط این بزرگواران دارد. ۷۶٪ اعتقاد دارند که به این موضوع توجه نداشته و صرفاً اصل اثر برایشان مهم بوده است و ۷۸٪ نیز پاسخ دقیقی برای این موضوع ندارند.

در پاسخ به پرسش دهم (ویژگیهای مترجم ادبیات کودکان) مترجمان موارد ذیل را برشمرده اند:

۱- دارا بودن ویژگی های یک مترجم خوب بطور عام.

۲- آشنا بودن با حوزه ادبیات کودک و نوجوان و مطالعه ی مستمر در این حوزه.

۳- توانایی در به کاربردن زبان مطابق سطح خوانایی گروه مخاطب، نه این که ساده نویسی کند یا عامیانه حرف بزند. ساده نویسی و درست نویسی برای کودکان را بداند.

۴- آگاه باشد که حوزه ی ادبیات کودکان حوزه ای چندان سهل و ساده نیست.

۵- انگیزه لازم برای کار در این حوزه را داشته باشد و به کار برای بچه ها عشق بورزد.

۶- علاوه بر توانایی نوشتن، خلاق باشد.

۷- کودک را بشناسد و با مطالعه در حوزه روانشناسی کودک نیازهای روحی، روانی او را درک کند.

۸- در انتخاب اثر وسواس به خرج دهد و بر پایه ی نیازهای کودک و با توجه به ضوابط فرهنگی حاکم در جامعه کتاب انتخاب کند.

۹- مترجم باید حس زیباشناسی قوی داشته باشد و به مسایل زیباشناختی اثر توجه داشته باشد. در همین مورد، یکی از مترجمان در پاسخ مفصلی ابراز می‌دارد «قبل از هرچیز حوصله فراوان شناخت کودک و نیازهای او مطرح است که با توجه به طیف گسترده مراحل رشد کودک، شناخت کودک و نیازهای او کار چندان آسانی نیست. اما مسأله مهمتر این است، حتی وقتی نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان را بدانیم، به دلیل مسائل فرهنگی و عرف جامعه قادر به ذکر آن نیازها نیستیم. در نتیجه مجبور به خودسانسوری می‌شویم و بر بخش عمده ای از مشکلات کودکان، سرپوش گذاشته می‌شود و گروه عظیمی از مخاطبان ما، خود را در اثر ترجمه شده نمی‌یابند. این مشکل بسیار جدی است و نه تنها مترجمان که مؤلفان نیز درگیر این قضیه هستند. تنها شناخت کودک و نوجوان از طرف مترجم یا مؤلف کافی نیست، ضرورت دارد همه کسانی که دست اندرکارند از جمله ناشران و به ویژه صادرکنندگان مجوز نشر کتاب هم باید با این مسایل آشنا باشند و واقعیت ها را انکار نکنند. درخصوص سایر ویژگی ها، مترجم این حوزه با دیگر مترجمان تفاوتی ندارد»^{۱۰}

بنابراین مترجم خوب از دیدگاه مترجمان عبارت است از مترجمی که همه ویژگی‌های یک مترجم خوب را دارا است؛ به مسائل کودک و نوجوان آگاهی دارد، زبان کودک را می‌داند، به مسایل فرهنگی جامعه توجه دارد و با درک مسایل زیباشناسی، انتخاب اثر و برگردان آن در تعارض با ارزش‌های فرهنگی قرار نمی‌گیرد.

آخرین پرسش این پرسشنامه ارائه پیشنهاد خاص یا تعریفی خاص از ترجمه بوده است. بسیاری از مترجمان به این پرسش پاسخ نداده اند. تنها در یکی از پرسشنامه ها به مسایل کتاب و کتابخوانی کودک اشاره شده است که ارتباطی به مسایل ترجمه ندارد.

این بررسی نشان می‌دهد که، علیرغم توجه مترجمان به این حوزه، متأسفانه مترجمان فاقد دیدگاه علمی نسبت به این مسأله هستند و ضرورت دارد حوزه ترجمه، مانند سایر رشته‌ها تخصصی شده و حداقل در مقطع کارشناسی ارشد ضمن تعیین گرایش‌ها، گرایش حوزه ادبیات کودک ایجاد و نسبت به تربیت مترجمان صاحب نظر و صاحب ذوق در این رشته اهتمام شود.

پی نوشت:

- ۱- قرشی، محمدحسین. نقش زبان شناسی در نگارش دائرة المعارف‌ها به ویژه برای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴، ص ۴۹.
- ۲- قرشی، همان، ص ۵۷.
- ۳- هدایی، محمد. کتاب تصویری و کم و کیف آن در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، جلد دوم، ص ۲.
- 4- Robert Gunning.
- 5- Radolf F. Flesh.
- 6- Edward B. Fry.
- ۷- دیانی، محمدحسین. معیاری برای تعیین سطح خوانایی نوشته‌های فارسی. مجله علوم اجتماعی و انسانی: دانشگاه شیراز، دوره پنجم (۲) ۱۳۶۹، ص ۷۵ و ۷۳.
- ۸- قرشی، همانجا، ص ۱۵۸ تا ۱۷۱.
- ۹- آریانپور کاشانی، عباس. فرهنگ لغت انگلیسی فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج ۵.
- ۱۰- نظر یکی از مترجمان با ترجمه بیش از ۱۸ اثر درخصوص ویژگی‌های مترجم (به نقل از پرسشنامه)

فصل نهم

بررسی ترجمه‌های فارسی «آلیس در سرزمین عجایب»^۱

«آلیس کتابی برای کودکان نیست، بلکه کتابی است که وقتی می‌خوانیم بچه می‌شویم»^۲ بعضی داستانها، نه زمان و مکان دارند و نه مخاطب خاص. گرین می‌گوید: «داستانی که فقط بچه‌ها از آن لذت ببرند داستان بدی است».^۳ داستانهای خوب پایدارند و لوئیس^۴ می‌گوید: «دلیل نوشتن برای کودکان این است که داستان کودک بهترین شکل هنر است برای چیزی که می‌خواهید بگویند».^۵

کتابهای آلیس، یعنی آلیس در سرزمین عجایب و آن سوی آینه،^۶ داستانهایی هستند که نه تنها کودکان، بلکه بزرگسالان آن را می‌خوانند و از زمان انتشار آن (۱۸۶۵م) دهها بار تجدید چاپ شده و به بسیاری از زبانها ترجمه شده است. علیرغم این که بیش از بیست فیلم از روی آن ساخته شده و بچه‌ها تماشا کرده‌اند، هنوز هم محبوب بچه‌هاست. «ژیل دلوژ»^۷، فیلسوف فرانسوی، کتاب *منطق عقل*^۸ را برپایه کتابهای آلیس و منطق غریب آنها نوشته است.^۹

از زمان نخستین ترجمه آلیس در ایران، یعنی حدود چهل سال پیش، تاکنون ترجمه‌های مختلفی از این اثر منتشر شده است، نگارنده به هشت ترجمه دست پیدا کرد که در این نوشتار به بررسی آن می‌پردازد.

۹-۱- معرفی نویسنده:

چارلز لوتویج داجسن (لوئیس کارل)^{۱۰} (۱۸۹۸-۱۸۳۲م) مربی ریاضیات کالج کرایست چرچ^{۱۱} دانشگاه آکسفورد بود. اما مقاله‌ها و نوشته‌های او در زمینه ریاضی اهمیت چندانی ندارد. حتی شیوه تدریس او مورد اعتراض دانشجویان بود.

- داجسن علاوه بر تحصیلات در راگبی^{۱۲} و آکسفورد در زمینه ریاضیات، تحصیلات مذهبی داشت و به مرتبه روحانی رسیده بود. با این حال، به دلیل لکنت مختصر زبان، کشیش نشد. او

عکاسی هم می‌کرد و از پیشگامان عکاسی در انگلستان به شمار می‌رود. در سال ۱۸۶۵ نخستین اثرش را در ریاضی منتشر کرد. او با ذهن خلاق و ذوق فراوانی که داشت معماها و بازیهای فکری زیادی طراحی کرد و تا سال ۱۸۶۵ که نخستین چاپ آلیس به بازار آمد مقاله‌ها و رساله‌هایی در زمینه ریاضی، منطق و شعر به نگارش درآورد.

داچسن، رمان سیلوی و برونه^{۱۳} و منظومه شکارکردن اسنارک^{۱۴} را نوشت. این منظومه در سال ۱۸۷۶ منتشر شد. تا سال ۱۸۹۸، او آثار و نوشته‌های مختلفی منتشر کرد، از جمله: منطق نمادین^{۱۵}، ولی خوانندگان او را به نام لوئیس کارول، خالق ماجراهای آلیس می‌شناسند.

داچسن، فردی سخت کوش، پرتلاش و وظیفه شناس بود و علیرغم بعضی مشکلات جسمانی، روح بلندی داشت. خود او می‌گوید: «زندگیم چنان از آزار و آزمون آزاد است که نمی‌توانم شک کنم که خوشبختی من، یکی از استعدادهایی است که به من سپرده اند تا دل بدان مشغول دارم و چنان کنم که زندگی دیگران را خوش کنم»^{۱۶}.

این نویسنده قرن نوزدهم، با خلق «آلیس در سرزمین عجایب» و «آلیس آن سوی آینه، به چهره ماندگار در تاریخ ادبیات جهان تبدیل شد.

۹-۲- معرفی اثر (آلیس در سرزمین عجایب)

نوعی نوشته در ادبیات وجود دارد که در انگلیسی به آن (nonsense) می‌گویند و در فارسی آن را «پرت و پلا»، «چرندگویی»، «چرندنویسی» و «ژانر نویسی» ترجمه کرده‌اند.

این نوع نوشته دو گونه است: «بی هدف» و «هدفمند». مهملات بی هدف در گفتار بکار می‌رود. اما چرند نویسی هدفمند، به نوعی ادبی تبدیل شده و از نیمه قرن نوزدهم گسترش یافته است. در این نوع اثر، رویدادها و گفتارهایی وجود دارد که با عقل و منطق ما سازگار نیست. «چرندگویی یا چرندنویسی به معنی روایت حوادث و مقالات عجیب و خلاف عادت و غیرطبیعی یا غیر منطقی، در ادبیات، سابقه دارد»^{۱۷}. «مقالات سیاسی علی اکبر دهخدا که در دوره مشروطیت زیر عنوان چرند و پرند منتشر می‌شد نمونه‌ای از توسل به حرفهای بی ربط و استدلالهای ظاهراً مهمل برای رساندن پیامی کاملاً جدی و حتی گزنده است»^{۱۸}.

«گودن»^{۱۹} عقیده دارد که این نوع ادبی نخست در زبان انگلیسی بوجود آمد. نوشته‌های ادوارد لیر^{۲۰} و لوئیس کارول موجب پدید آمدن آن شد، با این حال هانریش هوفمان^{۲۱} در زبان آلمانی نیز در پدید آمدن این نوع ادبی سهم است»^{۲۲} در اینجا به چند نمونه از این پرت و پلاگویی‌ها در متن آلیس اشاره می‌شود:

«و نشست که برای خود برنامه بچیند که چگونه از پس این کار برمی آید: باید آن را با چاپار بفرستم، و اندیشید: «چه با مزه می‌شود که آدم برای پاهای خودش عیدی بفرستد! و عجب نشانیهای هم...»

نزدیک پیش بخاری، خاکستردان خدمت جناب پای راست آلیس (فرستنده و دوستدار شما، آلیس).

آخ که چه پرت و پلاهایی می‌گوییم!»^{۲۳}

«خاتون گفت: «وای کلافه ام نکن! طاقت اعداد را ندارم! و بدین سان بار دیگر به پرستاری کودکش پرداخته، ضمناً یکجور لالائی هم برایش می‌خواند و در پایان هر مصرع هم او را تکان سختی می‌داد:

- با پسر دعا بکن - جنگ! جنگ! جنگ!

- عطسه اگر زد، بزنش: ونگ! ونگ! چون که فقط، برای آزار - می‌کند این کار تا، تو، شوی ذله و بیزار»^{۲۴}

اما ماجراهای آلیس چگونه خلق شد؟ در ۲۵ آوریل ۱۸۶۵، داجسن مشغول عسکرداری از کلیسای جامع بود که با سه دختر جرح لیدل^{۲۵} سرپرست دانشکده کرایست چرچ آشنا شد و میان آنها دوستی بوجود آمد. تا این که در یک بعداز ظهر که به اتفاق این سه خواهر بر روی رودخانه تایمز قایقرانی می‌کرد برای بچه‌ها «ماجراهای آلیس در زیرزمین» (همنام یکی از دختران لیدل) را تعریف کرد. در آن شب به یادماندنی، وقتی بچه‌ها به آقای کارول شب بخیر گفتند، آلیس گفت: آقای داجسن، کاشکی ماجراهای آلیس را برای من می‌نوشتید و او پاسخ داد. این کار را می‌کنم و بعد تمام شب بیدار ماند و صرف دستی نویسی یادآوردهای لطیفه‌هایی کرد که در بعد از ظهر آن روز بدان روح بخشیده بود. و خود نقاشی کرد و آن را به آلیس هدیه داد. خود او می‌گوید:

«و بنابراین برای خوشایند کودکی که دوست داشتم (انگیزه دیگری به یاد نمی آورم) دستنوشتی در نگاشتم و به طرح‌های خشن خود مصورش کردم- طرح‌هایی که به هر چه قانون «کالبد شکافی هنری» (همان کتابی که تازگی عیناً به چاپ داده بودم). می‌شورید-آخر من هرگز درس نقاشی نداشته‌ام.^{۲۶} (هنری کینگزلی)^{۲۷} دست نوشته‌ها را دید و از خانم لیدل خواست تا نویسنده اش را به چاپ آن ترغیب کند. داجسن، دست نوشته‌ها را جمع آوری و بازنویسی کرد و چون نقاشی‌های خود داجسن را نپذیرفتند، جان تینل^{۲۸} آن را نقاشی کرد، اگر چه این نقاشی‌ها مورد رضایت داجسن نبود، خود او می‌گوید: «عکس یکی از دوستان خردسال را برای او فرستادم تا الگو قرار دهد، اما معلوم نیست چرا زیر بار این کار نرفت و اشاره می‌کند که:

«آقای تینل تنها هنرمندی است که برایم نقاشی کرده، و از استفاده از یک الگو، راسخانه سرپیچیده است و چنین متذکر شده که بیشتر از آنچه من برای حل یک مسأله ریاضی به جدول ضرب نیازمندم، او را بدان نیازی نیست! و من به جرأت می‌گویم که اشتباه می‌کرد...»^{۲۹}

به هر حال، دست نوشته‌های داجسن، پس از چاپ و انتشار با استقبال فراوانی مواجه شد. اما در این داستان، «آلیس، در کنار خواهرش نشست و او برایش قصه می‌گوید و او یکی دو بار، به کتابی که خواهرش می‌خواند سرک کشید، اما نه عکس تویش بود و نه صحبتی، آلیس در دل گفت- «و! کتاب بی عکس و صحبت، به چه دردی می‌خورد؟»^{۳۰} آلیس خسته می‌شود و به دنبال خرگوشی به سوراخی در زمین فرو می‌رود و این آغاز ماجراست. کارول می‌گوید: «آلیس را به دنبال خرگوشی به سوراخی فرستادم، بدون این که بدانم چه می‌شود.»^{۳۱} در آخر قصه در می‌یابیم که آلیس همه این حوادث عجیب را در خواب می‌دیده است.

ماجرای شگفت انگیز غریبی که در این اثر اتفاق می‌افتد، اگرچه، به لحاظ ادبی، طنز و در فرازهایی از نوشته، مهمل گویی یا چرندنویسی، به حساب می‌آید، اما نوعی چرند نویسی هدفمند، است که از دیدگاه علوم و فلسفه و سیاست نیز می‌توان بدان نگرست.

الف) جایگاه آلیس در سیاست:

در فصل مسابقه حزب بازی و قصه درازدم ترجمه ی مسعود توفان آمده است:

- «چنین گفتا سگ حيله گر و هار و چموشی،

درون خانه اش، با خشم اندرگوش موشی،
 که: «من امروز کار و باری ندارم،
 به جز موش، با کسی کاری ندارم،
 بیابر پا کنیم آن دادگاهی،
 که محکومت کنم خواهی نخواهی،
 نگو تقصیر نداری، بی گناهی،
 به جز محکوم شدن، راهی،
 نداری!» جوابش گفت
 آن موش و برآشت
 که: «ای آقا! به فرمان الهی
 در درون چنین بیدادگاهی
 بدون شاکی و شاهد
 بدون حاکم زاهد،
 و بدون قاضی عادل
 بود رأی شما باطل!...»^{۳۲}

آلیس ساختاری تمثیلی و طنزآلود از جدالهای مذهبی و سیاسی روزگار است که مخاطب خود را در تمام حوزه‌های زبانی پیدا می‌کند به عبارتی همه از آن لذت می‌برند.
 ب) جایگاه آلیس در علوم:

«در کتاب، اشاراتی به ریاضی شده که کارول بدان جنبه طنز داده است مثلاً در جدول ضربی

که آلیس ارائه می‌دهد. $4 \times 5 = 12$

$4 \times 6 = 13$

آلیس در می‌یابد که با چنین جدولی به بیست هم نمی‌رسیم. چرا که شاید می‌پندارند مطابق جدول ضربهای سنتی انگلستان از 4×12 بالاتر نمی‌توان رفت، (که اینهم با چنان ترتیب و میزانی برابر با ۱۹ است!) اما به نظر ریاضی دانان علت ریاضیش این است که 4×5 در مبنای ۱۸ برابر با

۱۲ است و 4×6 بر مبنای ۲۱ برابر با ۱۳ است. اگر در این تصاعد هر بار عدد ۳ را به مبنا بیفزائیم به آنجا خواهیم رسید که: $4 \times 12 = 19$ (در مبنای ۳۹) و 4×13 (در مبنای ۴۲) برابر با ۲۰ نیست بلکه برابر با عددی است که می‌توان آن را چنین نوشت: $1 <$

(که علامت $<$ نمایشگر شماره ۱۰ است).^{۳۳}

به هر حال، تخیل علمی کارول و نوشته ساده و طنزآمیز او، اثری خلق کرده که از جذابیتی خاص برای دانشمندان برخوردار است.

ج) دیدگاه فلسفی آلیس:

اگرچه کارول، نوشته ای برای کودکان خلق کرده، اما همانقدر که دیدگاه سیاسی و علمی مطرح است، دیدگاه فلسفی آلیس هم قابل تأمل است. مارتین گاردنر^{۳۴} در شرح آلیس چنین می‌نویسد: واپسین لایه استفاده، در کتابهای آلیس این است که: زندگی از دیدگاهی عقلانی، و بدون پرده پندار، به افسانه ای چرند می‌ماند که یک ریاضی دان ناقل نقل کرده باشد.^{۳۵}

۹-۳- مشکل ترجمه ادبیات «مهمل نویسی و طنز»:^{۳۶}

«طبیعت طنز بر خنده استوار است و خنده در آن وسیله ای برای بیان معایب و آگاه کردن اذهان به عمق رذالها و خباثت است. طنزنویس به ظاهر می‌خنداند اما در باطن انسان را به تفکر وامی‌دارد. او بدیها را به شکل اغراق آمیز، بزرگ جلوه می‌دهد تا کم اهمیتی آن از بین برود و مرکز توجه و اصلاح قرار گیرند. زیرا تا انسان به زشتی اعمال خود پی نبرد، اصلاح نمی‌شود.»^{۳۷} و همانطور که قبلاً اشاره شد در ادبیات مهمل نویسی، اعمال خلاف عادت و غیرطبیعی و غیرمنطقی بیان می‌شود.

در ادبیات مهمل نویسی و طنز همچنین در ضرب المثلها و آداب و رسوم و باورها، امکانات زبانی و فرهنگ متفاوت دو زبان مبدأ و مقصد موجب می‌شود که مترجم در برگردان متن با معضل مواجه شود.

آنچه که در یک زبان خنده آور است، ممکن است در زبان مقصد سوزناک باشد. یا آنچه در زبان مبدأ وجود دارد، ممکن است در اقتصاد زبانی و فرهنگ زبانی مقصد وجود نداشته باشد و یا

اگر هم وجود داشته باشد، در تطبیق نتوان همان کلمات عبارت زبان مبدأ را بیان کرد. برای مثال در ترجمه اصطلاح:

«Killing two birds with one stone»

معادل «کشتن دو پرنده با یک سنگ» برای خواننده فارسی زبان ملموس نیست معادل (یک تیر دو نشان) درست است. یا در متن آلیس، لوئیس کارول ضرب المثل آن دوره «Grin like a cheshire» (مثل گربه چشایری پوزخند زدن) را به کار برده است و نتیجه می گیرد که همه گربه های چشایری می خندند. بدیهی است که به کاربردن چنین ترجمه ای برای لفظی مهمل برای خواننده فارسی زبان بسیار غریب و دور از ذهن است.

بهرحال، لوئیس کارول، در خلق اثر خود، اشعار و ترانه های مشهور زمان خود را به طنز کشیده و از بازی با حروف و اصوات و واژه ها در نوشتار سود برده است و همه این ها ترجمه ی اثر او را با دشواری روبرو کرده است.

۹-۴- معرفی ترجمه های آلیس در زبان فارسی

این امر به صورت تقدم تاریخی صورت می گیرد. و از میان آنها چند اثر که ترجمه کامل تری دارند در بخشی از فرایندهای ترجمه مورد مقابله قرار می گیرد.

- ۱- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه حسن هنرمندی (نیل ۱۳۳۸) (ترجمه کامل).
- ۲- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه ایرج قریب (کتابهای طلانی، ۱۳۴۳) (ترجمه مختصر).
- ۳- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه صدیق شریف. (ترجمه پیدا نشد).
- ۴- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه جولیا رضایی (گوته، ۱۳۵۳)، ترجمه مختصر.
- ۵- ماجراهای آلیس در شگفت زار (ترجمه کامل)، ترجمه مسعود توفان (ندا، ۱۳۶۱).
- ۶- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه، سعید درودی (ترجمه پیدا نشد).
- ۷- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه جلیل دهمشگی (جانزاده، ۱۳۷۴)، ترجمه مختصر.
- ۸- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه فهیمه مرادی، پیدایش، ۱۳۷۵.

۹- ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب (ترجمه زویا پیرزاد و قاسم هاشمی نژاد) (نشرمرکز، ۱۳۷۵، ترجمه کامل).

۱۰- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه بیژن نامجو (کتابهای بنفشه، ۱۳۷۷، ترجمه مختصر).

۱۱- آلیس در سرزمین عجایب: ترجمه محسن سلیمانی (پیدایش، ۱۳۸۱)، ترجمه مختصر.

۵-۹) مقابله ترجمه ها:
۱-۵۹) مقابله عناوین و ساخت صوری ترجمه ها با متن اصلی

توضیحات	John Tennier مصور اصلی	تعداد صفحات متن اصلی	نوع ترجمه		Lewis Carroll ضبط فارسی نام مؤلف	Alice's Adventures in wonderland عنوان ترجمه	عنوان اصلی ترجمه	ردیف
			ناقص	کامل				
	-	۱۱۱		x	-	آلیس در سرزمین عجایب	هنرمندی	۱
	نام مصور ندارد	۲۷	x		لوئیس کارول	آلیس در سرزمین عجایب	قریب	۲
	-	-	x		-	آلیس در سرزمین عجایب	شریف	۳
	والث دیستی	۲۸	x		لوئیز کارول	آلیس در سرزمین عجایب	رضائی	۴
	رالف استدمن	۹۰		x	لوئیس کرل	ماجراهای آلیس در شگفت زار	توفان	۵
	-	-	x		-	آلیس در سرزمین عجایب	مروزی	۶
	نام مصور ندارد	۹۶		x	لوئیس کارول	آلیس در سرزمین عجایب	دهشگی	۷
صفحه گذاری نشده است	نام مصور ندارد	۱۰	x		نام مؤلف درج نشده	آلیس در سرزمین عجایب	مروزی	۸
شهرها توسط قاسم هاشمی	نام مصور ندارد	۱۳۷		x	لوئیس کارول	ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب	پیرزاد	۹
نژاد ترجمه شده است	نام مصور ندارد	۱۶	x		لوئیس کارول	آلیس در سرزمین عجایب	نامجو	۱۰
	تصویر ندارد	۱۲	x		لوئیس کرول	آلیس در سرزمین عجایب	ن سلیمانی	۱۱

نتیجه:

اولین تفاوتی که در ترجمه‌های مختلف به چشم می‌خورد، ترجمه عنوان است. عنوان بیانگر محتواست. دو مترجم ردیف ۵ و ۹ عنوان کامل را ترجمه کرده‌اند. در حالی که سایر مترجمان عنوان «آلیس در سرزمین عجایب» را بکار برده‌اند. اگر چه ترجمه کامل نیست ولی بیان محتوا است.

دومین مشکل ضبط فارسی نام مؤلف است که به صورتهای متفاوتی مانند لوئیس کارول، لویز کارول، لوئیس کرل، و لویس کارول، لوئیس کرول ضبط شده است. بنظر می‌رسد مترجمان فارسی به ساخت آوایی و واجی اسامی خاص توجه ندارند. مترجم ردیف ۸ حتی نام مؤلف را ذکر نکرده است، که به نوعی تضییع حقوق مؤلف و فرار از ضبط درست نام او محسوس می‌شود. سومین موضوع این است که تنها چهار مترجم تا حدودی متن اصلی را کامل ترجمه کرده‌اند و بقیه ترجمه‌ها به دلیل اختصار، از دیدگاه ترجمه نحوی و واژگانی قابل تطبیق و مقابله نیستند.

چهارمین موضوع، تصویر در کتابهای مصور است. تصویر نه تنها بیان محتوا، و کمک به درک محتواست، بلکه به خواننده کمک می‌کند تا در دنیای نویسنده سهیم شده و با بال نوشته‌ها و تصویرها، پرنده خیال را به دنیای عوالم غریب و شگفت پرواز دهد. مسعود توفان عقیده دارد «نقاشی‌هایی که کارول از سیمای آلیس کشیده، کشش و گیرایی ویژه مرموزی دارد اما نقطه مقابل این نقاشی‌های والت دیسنی است در فیلم پر زرق و برق دار «آلیس» فن قوی اما سطحی و عاری از جاذبه عمقی».^{۳۸}

اما هیچکدام از مترجمان ردیف ۹، ۶، ۷، ۸ و ۱۰ نام تصویرگر را ذکر نکرده‌اند و تنها در ترجمه مسعود توفان، تصاویر متن اصلی از استدمن است.

(۹-۵-۲) مقابله واژگانی چند واژه اصطلاح و عبارات متن اصلی با متون ترجمه کامل

English	توفان	دهشگی	پیرزاد
Down the rabbit-hole	سرتگون به لانه خرگوش	از سوراخ خرگوش	در سوراخ خرگوش
The pool of tears	استخر اشک ها	استخری پر از اشک	استخر اشکها
A Caucus-race and a long tale	مسابقه حزب بازی و قصه درازدم	مسابقه کاکوس و یک داستان طولانی	مسابقه انتخابی و حکایت
The rabbid sents in a little bill	خرگوش کوچولو را میفرستد تو	خرگوش بیل کوچولو را به داخل میفرستد	دنیاله دار خرگوش لکد به بیل میزند
Advice from a catterpillar	توصیه کرم علفی	نصیحت پروانه	نصیحت کرم ابریشم
Pig and pepper	ازغوک تا خوک	خوک و فلفل	خوک و فلفل
A mad tea-party	چای خوری خریکی	مهمانی جای دیوانگان	مهمانی بلبشو
The Queen's croquet-ground	زمین چوگان بی بی شهبانو	زمین بازی گوی و حلقه ملکه	زمین بازی سلطنتی
The mock turtle's	سرگذشت نیم کاسه پشت	لاک پشت قلابی	قصه لاک پشت قلابی
The lobster-quadrille	رقص میگوئی	رقص چهارنفری خرچنگ دریائی	پایکویی خرچنگ ها
Who stole the Tarts?	دزد کماج ها کیست؟	چه کسی نان مربائیا را دزدید	شیرینی ها را کی دزدید

English	توفان	دهمشی	پیرواد
Alice's evidence	گواهی آلیس	آلیس شهادت می‌دهد	شهادت آلیس
Burning with curiosity	از فرط کنجکاوی	آلیس که در آتش کنجکاوی می‌سوخت	ملتهب از کنجکاوی
So she set to work, and very soon finished off the cake	پس بدنبال کار خود را گرفت و به زودی زود، کلوچه را تمام کرد	لذا شروع به کار کرد، و به زودی تمام کیک را خورده بود	دست بکار شد و خیلی زود شیرینی را تمام کرد
Curiouser and curiouser! Cried Ali	آلیس فریاد زد، عجیب‌تر عجیب‌تر	آلیس فریاد زد کنجکاوتر و کنجکاوتر	آلیس فریاد زد «عجیبانه‌تر و عجیبانه‌تر»
What nonsense!	آخ که چه پرت و پلهایی می‌گویم!	ترجمه نکرده است	ای خدا! چه مزخرفاتی می‌بافم
I'm sure those are not the right words	یقین که درستش این نیست	مطمئنم که این‌ها کلمات درست شعر نیستند	مطمئنم درست نمی‌خوانم
A queer, looknig party	گروه «شگرف روئی»	ترجمه نکرده است	ترجمه نکرده است
It was the withc Rabitt, trotting stowly back again	این خرگوش سفید بود که بار دیگر، شلنگ اندازان، آرام	این خرگوش سفید بود که آرام و خرامان خرامان می‌آمد	خرگوش سفید بود، و رجه رجه کتان می‌آمد

یکی از ویژگیهای تعادل ترجمه ای، تعادل واژگانی است. منظور از تعادل واژگانی، تعیین معادل برای واحدهای لغوی نیست بلکه باید برای ارزش ارتباطی واحدهای لغوی زبان مبدأ معادل تعیین شود و برای چنین کاری باید کلیه عوامل حاکم بر فرایند سخن در نظر گرفته شود. چرا که حتی دو واژه مترادف هم ممکن است از نظر سیاق، سبک، لهجه، احساس و سایر جنبه‌های حاکم بر ساخت و معنا متفاوت باشند.

مقابله فوق، تفاوت فاحش دیدگاه مترجمان آلیس را در حوزه تطبیق واژگانی نشان می‌دهد برای مثال: A mad tea-party به میهمانی بلبشو، میهمانی چای دیوانگان و چای خوری... ترجمه شده است. این مثال و مثالهای دیگر نشان می‌دهد که هر کدام از این ترجمه‌ها، در بخشهایی قابل قبول و در بخش دیگری غیرقابل قبول هستند و ضرورت دارد مترجمان آشنا به مسایل زبانی و تطبیق زبان، بار دیگر به ترجمه این اثر بپردازند تا خوانندگان فارسی زبان هم از خواندن آن لذت ببرند.

۹-۳-۵) مقابله نحوی: مقابله چند الگوی نحوی متن اصلی با متون ترجمه کامل

English	توفان	دهمشی	پیرزاد
نوع جمله	نوع جمله	نوع جمله	نوع جمله
Alice Was begining to get very tired of sitting by her sister on the bank, and of having nothing to do.	آلیس، کم کم از بیکارنشستن پهلوی خواهرش بر «رودبار» پاک، خسته شده بود.	آلیس و خواهرش روی علفای بستر کنار رودخانه که اطراف آن پوشیده از گلهای مروارید بود، <u>نشسته بودند</u> .	آلیس از نشستن کنار خواهرش لب آب و از بیکاری حوصله اش داشت <u>حسابی سرفی رفت</u>
ماضی استمراری	ماضی بعید	ماضی بعید	ماضی مستمر
You Ought to be ashamed of yourself, said Alice, a grateat girl like you, (she might well say This), to go on crying in this way.	<u>خیالت دارد</u> ، تو دختره لندهور!! (این حرفش که بجا بود) و اینطور زرزردن!	باید از خودت <u>خیالت بکشی</u> ، دختر بزرگی مثل تو باید این طور گریه کندا	خیالت بکش! باز با خودش حرف می‌زد، دختر به این بزرگی (حرف بی موردی نبود) این جوری گریه می‌کنده؟
حال ساده مجهول (اجبار)	مضارع	مضارع التزامی	امر

مقابله نحوی جملات زبان، تفاوت ساختاری و روابط دستوری الگوهای زبانی را بیشتر آشکار می‌سازد. برای مثال، ممکن است یک الگوی ساختی در زبان مبدأ وجود داشته باشد و در زبان مقصد همان الگو وجود نداشته باشد. یکی از فرایندهای دشوار ترجمه، تعال نحوی جملات دو زبان است. مقابله دو الگوی فوق نشان می‌دهد که تا چه اندازه تفاوت وجود دارد. برای مثال در جمله ۱ که در متن اصلی به صورت ماضی استمراری آمده است، دو مترجم ماضی بعید (البته با ساخت متفاوت) و یک مترجم ماضی مستمر را معادل قرار داده است و در الگوی دوم در جمله زمان مبدأ حال ساده مجهول (فعل اجباری) به کار رفته است در حالی که یک مترجم زبان مضارع، دیگری مضارع التزامی و سومی امر را بکار برده است.

در بررسی ترجمه‌های مذکور، نگارنده به عبارات و جملاتی برخورد که حتی مترجمان ترجمه نکرده اند و معلوم نیست که نتوانسته اند یا به دلیل خاصی نخواسته اند. طرح مشکل تعادل نحوی و مقابله جملات مختلف ترجمه‌های مذکور، نشان می‌دهد که آگاهی مترجم به ساخت‌های دو زبان اجتناب ناپذیر است.

۹-۵-۴- دیدگاه تعادل سبکی:

در اینجا به بخشی از یک نمونه شعر از متن اصلی و ترجمه‌های متفاوت آن بسنده می‌شود. چرا که ترجمه‌های متفاوت خود بیانگر سبک متفاوت در ترجمه است. در حالی که ایجاد تعادل سبکی از مهمترین فرایندهای ترجمه است.

How dath the little crocodile.
Improve his shining tail,
And pour the waters of the Nile.
On every golden scale!

مسعود طوفان:

بچه نهنگ ناز نازی یواش، میره به آب بازی

میون آب: فِلَسِ طلا،

دهمشکی:

یکی بچه تمساح خوشخنده بود
 مهمان نواز و برازنده بود
 همه روزه دادی به فلسش جلا
 نه با آب خالی، به آب طلا

پیرزاد:

تمساح کوچک چگونه
 دم درخشان خود را زیباتر می‌کند
 و آبهای نیل را
 بر فلسهای طلایی خود می‌باشد

نتیجه:

تبادل در دو زبان مبدأ و مقصد زمانی برقرار می‌شود که متون دو زبان دارای ارزش ارتباطی یکسانی باشند. اما به دلیل وجود ویژگی‌های متفاوت دو زبان در حوزه‌های واژگانی، ساختار، بافتار، معنای جمله و معنای کلام، سبک و سایر عناصر زبانی، تبادل همیشه میسر نیست، با این حال ضرورت دارد که مترجمان با نکات دقیق و ظریف در حوزه‌های زبانی هر دو زبان آشنا باشند تا بحث تبادل، بطور نسبی، انجام پذیرد.

پی نوشت:

1- Alice in wanderland.

2- Roger Lancelyn Green. "Alice's Adventure in wanderland. Oxford University press, New York, 1971. P. xxii.

۳- همانجا، ص ۱.

4- C.S. Lewis.

۵- همانجا.

6- Through the looking glass.

7- Gile Delouse.

8- Logic of sense.

۹- پارسا، علی. «تأثیر مشاهدات دخترکی به نام آلیس بر فیلسوفان بزرگسال». تهران: لوح

، ۱۳۸۲، ص ۲۸.

10- Charles lutwidge Dodgson (Lewis carroll).

11- Christ church.

12- Rugby.

13- Sylvie and Bruno,

14- The Hunting of the snark.

15- Symbolic logic.

۱۶- لوئیس کارول، ماجراهای آلیس در شگفت زار. ترجمه مسعود توفان، تهران: ندا، ۱۳۶۱،

ص ۹۵.

۱۷- پارسا، همانجا، ص ۳۰.

۱۸- پارسا، همانجا.

19- J. A. cuddon.

20- Edward lear.

21- Heinrich Hoffmon.

22- Cuddon. A dictionary of Literary terms. Lndon: penguin books Ltd. 1894. P 426.

۲۳- لوئیس کارول، همانجا، ص ۷.

۲۴- همانجا، ص ۳۸.

25- Gerge Liddell.

۲۶- کارول، همانجا، ص ۹۶.

27- Henry Kingsle.

28- John Tenniel.

۲۹- همانجا، ص ۹۷.

۳۰- همانجا، ص ۱.

۳۱- پارسا، همانجا، ص ۲۹.

۳۲- لوئیس کارول، همانجا، ص ۱۷.

۳۳- مسعود توفان، ترجمه آلیس، ص ۹۹.

34- Martin Gardner.

۳۵- مسعود توفان. ترجمه آلیس، ص ۹۹.

36- Satire.

۳۷- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸.

۳۸- مسعود توفان، همانجا، ص ۹۷.

Abstract

Translation is a process in which the products of science, knowledge, effort, experience and a nation's achievements (with its own language) are transferred to another nation (with another language): thus, bringing about the cultural interchange. It can be studied not only from linguistic viewpoint and theoretical translation problems, but also the other aspects have in mind to it. Moreover, literary translation is a complicated process which is in the heart of a complex network of social and cultural incidents. Also, to elaborate on the translation of children literature, we should say:

The translation of children literature is a cognitive process about the main addressee and the addressee in the target language in which apart from the general process of translation, The whole job is done according to addressee's linguistic knowledge and with regard to the aesthetic aspects of a literary work.

Therefore, this research primarily analyses translation history in the world and Iran and the translation history of children literature.

Then, the problems of translation in general and those of children literature in a strict sense are researched into on the basis of linguistic data, especially from psycholinguistic and theoretical translation viewpoints.

In this research, not only a definition for translation of children will be presented, but also the problems such as recognition of the addressee, translation equivalence (lexical equivalence, syntactic equivalence,...), the viewpoints of translation critic, translation and cultural induction are dealt with. The different viewpoints of translation are studied, and as a sample, the various translation of a book (Alice's adventure in wonderland) are analysed comparatively.

